



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرکزبر امپریالیسم

وسگهای زنجیریش

بها ۵۰ ریال

دیماه ۶۵

سال اول شماره ۶

سرمقاله

لایحه بیمه بیکاری

بازخردیدی برونش کارگران

مدتی است که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی برای باصلاح "حفظ و نیابت نیروی کار" بفکر تدوین و تصویب "لایحه بیمه بیکاری" افشاده است. بوسهز این اساس "لایحه بیمه بیکاری" با همکاری وزارتکار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی و کمیته اشتغال ستاد بسیج اجتماعی تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس مدخلی برای تصویب نهائی ارجاع گشته است.

جمهوری اسلامی در تبلیغات ریاکارانه خود میکوشد تا این لایحه را اقدامی در جهت منافع طبقه کارگر و دورانی های مبارکونی به منقذات فراوانی که اجزای وسیع کارگری برای کارگران بوجود آورده است جا بزند. اما نگاهی به شرایطی کنه بورژوازی وابسته برای کارگران بوجود آورده و مواد لایحه بیمه بیکاری یعنی ۱۵ ماده و ۱۶ تبصره و ۱۶ بند مجموعه اصول و قواعد آن "واقعیت دروغین تبلیغات این رژیم ددمنش را افشاء کرده و نشان میدهد که گرچه بیمه بیکاری جزئی طبیعی از خواستهای طبقه کارگر میباشد ولی همین خواست برحق نیز بوسیله سردمداران دزد و فاسد جنبه جمهوری اسلامی از منشا تنی گشته و بوسیله ای برای اخذ از کارگران و تشدید فشار بر آنان تبدیل گردیده است.

رژیم مزدور بوسیله این لایحه میکوشد تا بخشی از بار مسئولیت تامین نیازهای زندگی در صفحه ۲

کربلای ۴ تلی از اجساد

هدیه ای به کنفرانس همیاری

بار دیگر میدانهای جنگ امپریالیستی ایران و عراق عرصه جنایت جدیدی گشت و دهها هزار تن از جوانان دو کشور قربانی سیاستها و مطامع جنگ طلبانه و اهداف غارتگرانه امپریالیسم و مزدوران در منطقه شدند.

درین مدتجا جادوچهار و فعالیت تبلیغاتی مبنی بر تقویت الوقوع بودن "مجموع سرخوش ساز" "روستگان اسلام" رژیم مدخلی جمهوری اسلامی در ادامه و پیشبرد منافع اروپا و غرب با سازمان دادن یورش دیگری در جنبه جنوبی جنگ در منطقه "ام الرصاص" آتشش ساله این جنگ فلاکت بار را شطه و رتر نموده و در عملیاتی موسوم به "کربلای چهار" هزاران تن از جوانان مملکت را با بدنهای سوخته و قطعه قطعه شده، بعنوان تازه ترین سند تبهکاری خود در کشتارگاه جنگ برجای گذارد.

ایجاد جنایت بار قربانیان "کربلای ۲" آنقدر وسیع و شکست مفتضحانه رژیم آنقدر روشن و گویا بود که سردمداران مزدور حاکمیت را تشدید به تکاپو و ادافت تباد و تبلیغات کوهای تبلیغاتی خود، این حمله را "بی اهمیت" و "کوچک" و "مزفا بعنوان پاسخی برای "شرارتهای دشمن" یعنی صهیونیستی "تخلون نما بند و به این

در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا:

شیطان بزرگ یا فرشته رحمت

در صفحه ۷

گزیده هائی از

رازی فدائی چریکها

در صفحه ۲۰

* گزارش کوتاهی از شکنجه گاه اوین در صفحه ۱۶

* اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با

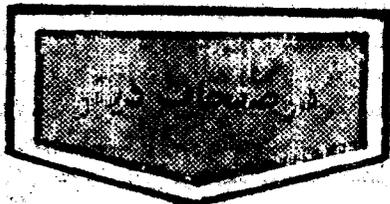
تشدید سربازگیری جمهوری اسلامی در صفحه ۲۰

* اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با

سیاست ارتجاعی نگهبانی اخباری در کردستان در صفحه ۳۰

* وقتی راه کارگر هم پرچمدار "سنت فدائی" میگردد؟! در صفحه ۱۲

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!



۲۱ اخبار

۲۸ روز شمار دیماه

شهادت دیماه

چریکهای فدائی خلق ایران

لايهه بيمه بيکاري بار چديدي پر دوش کارگران

از صفحه ۱

کارگران بيکار و رابردوش کارگران شاغل انداخته و با باجکيري از کارگران صنعتي شاغل بخشي ازوجهي که طبيعتا سرمايه داران و دولت آنها بايد بمقابل کارگري که اخراج ميکنند تقبل نمايند رابراي باصلاح کمک به بيکاران از دستمزد ناچيز کارگران جمع آوري نموده و به جيب بزنند. در همان حال با تفاوت قائل شدن بين کارگران درصوف آنها تفرقه افکني نموده و صوف بيکار را چه آنها را در مقابل تضيقات بورژوازي وابسته به امپرياليسم و بويژه اخراجهاي وسيع کارگري دچار برآکندي سازد. و ايزاري قانوني در اختيار بورژوازي وابسته براي پايمال نمودن حقوق کارگران قرار دهند.

قبل از پرداختن به خود لايحه لازم است نکاهي به شرايط دهشتناکي که نظام حاکم براي طبقه کارگر بوجود آورده بيندازيم تا با مقايسه وضع فلاکتناز زندگي کارگران و ابعاد عظيم اخراجها بهتر بتوانيم لايحه فوق و تاثيراتش را بر زندگي و مبارزه طبقه کارگر درک نماييم.

براي درک شرايط زندگي و مبارزه طبقه کارگر بايد نظام اقتصادي - اجتماعي حاکم براي ايران و رابطه ارکان تک آن را با امپرياليسم در نظر گرفت تا به شناخت علمي از واقعيتهای بحران موجود و شيوه هاي وحشانه برخورد رژيم با طبقه کارگر بررشنسي پسي برد.

تحليل اقتصادي - اجتماعي از جامعه براساس واقعيات عيني اثبات نموده است که نظام اقتصادي - اجتماعي ايران سرمايه داري وابسته به امپرياليسم بوده و اين نظام کشور ما را به جزئي ارکان تک از نظام جهاني امپرياليسمي تبديل کرده است. که براساس سياستهاي امپرياليسمي منتج از منافعو مصالح نظام جهاني سرمايه داري، اقتصاد کشور عمدتاً بصورت تک محصولي سازمان يافته و در نتیجه توليد و صدور نفت به بازارهاي امپرياليسمي نقش تعيين کننده اي در حيات اقتصاد وابسته کشور پديد آمده است.

بنا بر اين بحرانهاي نظام امپرياليسمي و نوسانات قيمت نفت در بازار جهاني چه در رابطه با رکود موجود در کشورهای امپرياليسمي و در نتیجه افق با زارها و چه در رابطه با رقابت انحصارات گوناگون امپرياليسمي، بلافاصله تاثيرات مخسوب خود را در اقتصاد وابسته کشور بروز ميدهد و از آنجا که سالهاست نظام امپرياليسمي را بحراني عميق فرا گرفته است و کشورهای امپرياليسمي براي فائق آمدن بر بحرانهاي خود باز اصلي اين بحرانها را به کشورهای تحت سلطه تحميل مينمايند، ميتوان به علت اضلي و ابعاد بحران شديدی که سراپاي اقتصاد وابسته ايران را فرا گرفته پي برد. بحراني که در جريان رشد خود و به اعتبار رشد روز افزون اعتراضات و مبارزات توده ها، بحران عمومي اي را بوجود آورد که باعث سونکوني نظام شاهنشاهي و در نتیجه استقرار آرايش جديد ميره هاي امپرياليسم تحت نام جمهوری اسلامي گرديد. اما جمهوری اسلامي بنا به ماهيت وابسته به امپرياليسم اثر و ماهيت بحران موجود نمیتوانست بحران کنوني را حل نمايه چراکه اساساً ريشه مسئله

در خارج از مرزهايش قرار داشت. بنا بر اين رژيم مزدور وظيفه داشت تا با سرکوب خونين توده ها و ايجاد فضای رعب و وحشت و حاکم گرداندن اختناق بسيابقي هاي برتسمي کشور شرايط فلاکتنازي رابسر زندگي طبقه کارگر حاکم نموده و از سوي ديگري سا تقيه برا اعتقادات مذهبي توده ها، کارگران را تحميق نموده و فریب دهد. تا به اين وسيله شرايط تسهيل استثمار کارگران را از جانب امپرياليسم و تکيه گاه اقتصادي اش بر روزوازي وابسته هر چه بهتر فراهم نمايد.

از آنجا که بورژوازي مجبوريه دو روشي و نالوسي است، استفاده همزمان از سرنيزه و مذهب و فريادهاي " خداستکباري" و " مستضعف گراشي" جمهوری اسلامي، وسائل شناخته شده ايست که بورژوازي در هر کشوري بنا به مصالح شره اشکال گوناگون به آن توسل جست. بويژه در شرايط بحراني توسل به مذهب بظاير تحميق توده ها با ايجاد چشم اندازهاي آسماني براي تحمل سختي هاي زميني امري مختص به ايران نبوده و ريشت و برهمن اساس هم بود که جمهوری اسلامي ميگوشيد وهم اکنون نيز ميگوشد با اناشه خرافات مذهبي، توده ها رابراي تحمل شرايط سخت زندگي که الزاما بر اثر رشد روز افزون بحران دهشتناک تر نيز ميگورده، فریب داده و براي " رباختگني" آماده سازد.

بورژوازي وابسته در مقابل به با اين بحران بسيابقي در همان شرايط قيام بهمن باگستاخي کامل بيش از ۳ ميليون کارگر را بدون آنکه مشوليتي نسبت به سرنوشت آنها و خانواده شان احساس کنديا برعهده گيرد، اخراج ساخت و در نتیجه مسئله بيکاري در جامعه ابعاد چديدي تري بافت ما از آنجا که جمهوری اسلامي رسالتي جز تا مين منافسوع امپرياليسميها نداشتنه تنها به ياري اين خيل عظيم بيکاران برخواست بلکه هر کجا کارگران بيکار به اعتراض برخاستند به سرکوب آنها پرداخت و وحشانه پاسخ خواست عادلانه و برحق آنها ميني بر " حق کار" رابا کلوله پاسخ داد. البته جمهوری اسلامي به اين حد هم بسنده نکرد و در جهت منافع و مصالح امپرياليسميها براي فائق آمدن بر بحرانهايشان، در اجرائي سياست آنها در منطقه کشور ما را به عرصه جنگي ويرانگر با عراق تبديل نمود که عواقب آن بيش از همه دا من زحمتکشان را فسر گرفته است. بنا بر اين جنگي که براي فائق آمدن امپرياليسميها بر بحرانهايشان سازمان داده شده بوده خود به عالمي در تشديد بحران اقتصادي کشور تبديل گرديد. ما شين جنگي رژيم بيش از ۶ سال است که بخش اعظم بودجه دولتي را به خود اختصاص داده و اين امر کورچه بيشترين سودها را به جيب انحصارات امپرياليسمي و اربز نموده اما در همان حال با تشديد هر چه بيشتر بحران اقتصادي کشور به خيل عظيم بيکاران روز بروز فزوني بخشیده است و کارگران رانه فقط ميتوان نتيجه دستمزد هاي سرمايه داري، بلکه بعنوان نتيجه بيش از ۶ سال جنگ ويرانگر بيجز تروگرسته تر و خانه خرابتسرو فرسوده تر نموده است.

در چنين شرايطي بود که در تداوم رشد و گسترش

بحرانهاي امپرياليسمي و تفاذهاي گروههاي امپرياليسمي مختلف، قيمت نفت شديد سقوط نمود و رشکستگي اقتصادي رژيم را شدت بيشتر بخشد. وجه مسوري اسلامي رابا ديگر به باد " خودکفاشي" و " استقلال اقتصادي" انداخت تا زيرپوشش " شرايط نويسن اقتصادي" و کوشش در جهت تغيير " ساختار اقتصادي" کشور، فشارهاي هر چه بيشترى بر توده ها وارد ساخته و با داعاي " تغيير الگوي معرف" حداقل ما بحتياج کارگران و توده هاي ستمديده را هر چه مکتودتسز سازد.

والبته سردمداران رژيم آنقدر وفاقت دارند که علنا " شرايط نويسن اقتصادي" را به مناسبه اخراجهاي وسيع تر کارگري اعلام کنند و بيشترانه بوسيله وزير کار خود سرحدي زاده آنرا چنين توجهي نمايند: " الان يک اتفاقي افتاد و ما رابيه خودمان آورد که بياشيم خودمان را اصلاح کنيم، اينکه کما کفتيد آزاد شدن بخشي از نيروهاي صنعتي مدسه خواهد زد البته درست است اين ناگوار است ولي مرگ آور نيست و نبايد ما را نگران و دستپاچه کند اين کارگري که ما در بخش صنعتي خودمان داريم ۲۰ درصدش را هم آزاد کنيم ما راز با در نخواهد آورد" [روزنامه جمهوری اسلامي ۱۰ آذر] بنا بر اين " شرايط نويسن اقتصادي" زيرپوشش کمبود ارز هيج معناني جز فقر و فلاکت توده ها و بيکاري روز افزون کارگران نداشت و براي مزدوران امپرياليسم مرگ و نيستي کارگران، " مرگ آور" تلقی نميشود و آنها با زهم بجاي قطع جنگ معني خواست توده هاي ميليوني بر طبل جنگ ميگويند و در همان حال کارگران را دسته دسته اخراج نموده و صوف ارتش عظيم بيکاران را هر چه بيشتر فزوني ميبخشند. و اعتراضات و مبارزات طبقه کارگر رابرعليه همه اين من بنیادگويها به وحشانه ترين شکلي سرکوب مينمايند.

بنا بر اين مسئله بيکاري امري نيست که صرفاً با مسئله سقوط قيمت نفت در سال ۶۴ مربوط باشد - امري که رژيم در تيليغات خود صرفاً به آن تکيه ميکند - اخراجهاي کارگري سالهاست که ادامه دارد و با سقوط قيمت نفت در سال ۶۴ شدت بيشترى يافته است تا آنجا که سرحدي زاده در روزنامه جمهوری اسلامي بخاربخ ۲۸ آذر ماه اعلام نمود که حدود ۲۰۰ هزار کارگر در بخش صنعت داريم که حدود ۱۵۰ هزار نفرشان بيکار خواهند شد و بهزاد تبسوي وزير صنايع سنگين رژيم اعلام ميکند: " منلابيمه بيکاري بعنوان اولين ايزاري در اين خط مشي اقتصادي مطرح است چرا که حدس زده شده عليرغم همه تلاشها ممکن است بيکار رهايي بوجود بيايد ما اين دوره گذار و بوزخي که ما داريم يک دوره کوتاه است ۰۰۰۰ و اين قابل کنترل و برخورد است منتها بايد يک دوره سختي و فشار و رباخت را تحمل کنيم" (روزنامه جمهوری اسلامي ۱۸ آذر ماه) بنا بر اين چاتوجه به توضيحات بالا و ابعاد عظيم اخراجهاي کارگري و بيکاري زحمتکشان، بهتر ميتوان لايحه بيمه بيکاري رژيم را بررسي نمود و در اين تاديد که آيا اين لايحه همه اين کارگران بيکار رابسر پوشش خود ميگيرد و با صرفاً دسته کوچکی از طبقه کارگر را شامل ميشود.

خود دست اندرکاران رژيم در توضيح اين لايحه ميگويند که: " لايحه بيمه بيکاري تنها شاغلان واحدهاي صنعتي را در بر ميگيرد و همه بيکاران زير پوشش اين لايحه نيستند" (گيهان ۲۶ آبان) و بسا





مهندس سمعی معاون طرح و برنامه وزارت کار در این زمینه در کیهان ۲۲ آبانماه توضیح میدهد که: "افرادی که قبل از تصویب بیمه بیکاری بهر طریق تسویه حساب نموده اند و سابقه پرداخت بیمه بیکاری ندارند مشمول قانون قرار نمیگیرند" در نتیجه بوضوح معلوم میشود که تمامی کارگران کشاورزی و کارگاههای تولیدی کوچک و بزرگ کارگران بخش خدمات و باکارگران فعلی و سابق آنها زیر پوشش این لایحه نیستند و تنها کارگران "واحدهای صنعتی" مدنظر قرار گرفته اند و تازه این لایحه نه تنها خیل عظیم بیکاران را در نظر نمیگیرد بلکه کارگران صنعتی که تاکنون اخراج شده اند را نیز شامل نمیشود و تنها کارگران صنعتی که بیمه شده باشند را مدنظر دارد. خود مسئولین رژیم در این زمینه میگویند کارگزارانی: "میتوانند تحت پوشش بیمه بیکاری قرار بگیرند میباید تحت پوشش بیمه های اجتماعی نیز باشند" (کیهان ۲۶ آبان) و تازه همین مسئله را نیز محدود کرده و میگویند: "فرض بر این است کسانی میتوانند از مزایای این طرح استفاده کنند که در اسفند ماه سال ۶۴ مشمول قانون تامین اجتماعی بوده اند" (کیهان ۲۵ آبان ماه) در نتیجه این لایحه نه تنها شامل تمامی طبقه کارگر نمیکرد بلکه کارگران صنعتی نیز زمانی نمیتوانند از این لایحه استفاده کنند که تحت پوشش بیمه های اجتماعی بوده و حق بیمه پرداخت کرده باشند و کارگزارانی هم که قبل از تصویب این لایحه اخراج شده اند، نیز اصولاً مورد نظر این قانون نبوده و نیستند.

در نتیجه تا اینجا روشن میگردد که تنها بخش کوچکی از کارگران صنعتی که تاکنون اخراج شده اند پس از پرداخت ۲٪ حق بیمه بیکاری مشمول این لایحه میگردد حال ببینیم که منابع مالی این لایحه چگونه تامین میگردد: "کلیه کارگران مواکز صنعتی و واحدهای تولیدی با پرداخت ۲٪ حق بیمه بیکاری زیر پوشش طرح بیمه بیکاری قرار خواهند گرفت و کارفرمایان با پرداخت ۲٪ حق بیمه بیکاری مکلفند معیشت و رفاه حداقل کارگران را در زمان بیکاری موقت تامین کنند." (کیهان ۲۵ آبانماه) در نتیجه در حالیکه کارفرما با همه امکاناتش ۲٪ برای حق بیمه بیکاری میپردازد کارگری که از حداقل دستمزد ممکن برخوردار است و در شرایط گرانی و تورم موجود از تامین حداقل مایحتاج خانواده خود نیز عاجز است باید ۲٪ حق بیمه بیکاری بپردازد. یعنی "مستکبر" و "مستضعف" تنها با فاصله شان ۱٪ میباید و این در شرایطی است که خود مزدوران رژیم اعتراف میکنند که: "کارگرهای ما بر مبنای نرخ تورم کشور الان در زیر حداقل معیشت دارند دستمزد نمیگیرند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۸ آذر) و غالباً است که بدانیم در کشورهای سرمایه داری در اروپا حق سهم بیمه کارفرما با سهم بیکاری بین ۱۰ الی ۱۸ درصد میباشد. در نتیجه لایحه نویسان مزدور رژیم در حالیکه با کفاده دستی کامل ۲٪ حق بیمه را بر دوش کارگران تحمیل میکنند با خست کامل سهم کارفرما را تمامی امکانات و سرمایه اش ۲٪ در نظر گرفته اند. و تازه پس از اینکه ۲٪ حق بیمه را از کارگر ربودند کارگر اجزای زمانی میتوانند از با مصالح مزایای این لایحه استفاده کند که رژیم از سوی

کارفرما اعلام شده و به تأیید وزارت کار برسد. ماده ۴ قانون بیمه بیکاری مبنای پرداخت بیمه بیکاری را از نظر زمانی چنین توضیح داده است: "بر اساس اعلام تاریخ بیکاری وی از سوی کارفرما و تأیید وزارت کار و امور اجتماعی" کارگر اخراجی بیکار تلقی میگردد و بر اساس بند "ب" ماده ۶: "کارگر مشمول مکلف میباشد ظرف ۱۵ روز از تاریخ اطلاع از بیکاری از سوی کارفرما با اعلام مراتب بیکاری، آمادگی خود را برای اشتغال به واحد کار و مراجعاتی اطلاع دهد" آنچه پس از طی تمامی این مراحل که کارفرما و وزارت کار به اشکال گوناگون میتوانند آنها را به تاخیر بیندازند بیمه کارگر متعق میگردد یعنی میزان مقرری که ماهانه کارگر دریافت میکند" معادل حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار" (کیهان ۲۵ آبانماه). میباشد که به "افراد متاهل به مبلغ مذکور و تکثیر تا ۴ نفر عائله تحت تکفل ۲۰٪ اضافه" (همانجا) خواهد شد. و جالب است که این نکته توجه کنیم که بعد از همه این مقررات هیچ در هیچ تاز "به کارگران مجرد ۶ ماه، متاهل ۸ ماه و متاهل بیش از ۵ سال ده ماه" (همانجا) حق بیمه بیکاری پرداخت خواهد کرد. بنا بر این رژیم مزدور خمینی با گرفتن ۲٪ از حقوق کارگر پس از اخراج کارگر با "بیکاری موقت" او تا ۶ ماه به او حداقل دستمزدی برای اسرار معاش خواهد داد. و البته در تمامی این مدت هم کارگر بیمه شده حق اشتغال به کار دیگری را نداشته و باید در دوره های آموزشی وزارت کار شرکت نماید چرا که اولاً هدف با اصلاح تدوین کنندگان لایحه بیمه بیکاری "حفظ و میانجی از نیروی کار" اعلام شده و در ثانی در صورت عدم حضور در این جلسات "حق بیمه بیکاری منتفی میگردد".

در لایحه فوق در رابطه با مواردی که باعث قطع همین حداقل دستمزد - نیم در این مدت کوتاه - میگردد موارد زیر در نظر گرفته شده است: "۱- زمانیکه بیمه نده مجدداً اشتغال یگا را پیدا کند. ۲- بنا بر اعلام واحد کار و امور اجتماعی محل، بیمه نده بیکار بدین عذر موجه از شرکت در اردوگاههای کارآموزی خودداری نماید. ۳- بیمه نده بیکار از قبول شغل مناسب پیشنهادی امتناع ورزد. ۴- بیمه نده بیکار ضمن دریافت مقرری ایام بیکاری، مشول استفاده از دستمزد دیگری شود. ۵- بیمه شده بنحوی از اجزاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی آماده بکار گردد".

در نتیجه همانطور که قبلاً توضیح دادیم، در حالی که نویسندگان لایحه بیمه بیکاری همه خست خود را در مزایایی که به کارگر تعلق میگیرد بکار برده اند، اما در زمینه قطع بیمه بیکاری، دست وزارت کار را کاملاً باز گذاشته اند تا هر زمان که خواست بر اساس تفسیر موارد بالا همین حداقل را نیز به کارگر بدهد.

از بررسی مواد و اصول لایحه که خودگویای واقعیت فدکاگری است که بگذریم، میرسیم به مجری این طرح، که احتمالاً سازمان تامین اجتماعی است که بدو طولی ای در پیمانال کردن حقوق کارگران داشته و دارد و خود کارگران بطور روزمره اجفادات این سازمان را به عینه مشاهده میکنند برای نمونه در حالیکه ۷٪ از حقوق کارگران به عنوان حق بیمه از آنها گرفته میشود خدمات ارائه شده به کارگران در حد مفر میباشد و کارگر حتی دوزمان بیماری نیز دفترچه بیمه اش فاقد ارزش بوده و در عمل دودی از دردهای بشمار او را دوا نمیکند. و کارگران هر روزه میبینند که چگونه با اینکه ۷٪ حق بیمه میپردازند، بسیاری از داروهای که روی دفترچه بیمه شان نوشته میشود را میبایست به قیمت آزاد خریداری نمایند. و با پول دوا و دکتر را با باند خودشان بپردازند، چون نه دکتر دفترچه بیمه را قبول میکند و نه دارو خانه. در نتیجه در شرایطی که واقعیت خدمات بیمه ای برای طبقه کارگر، چپاول بخشی از دستمزد او میباشد حق بیمه استاز بیش معلوم است که دست اندرکاران رژیم زیر پوشش "بیمه بیکاری" چه خوابی برای طبقه کارگر دیده اند!

بنا بر این لایحه فوق اگر بر اساس همین مواد و اصولش به تصویب برسد، یعنی اجتناب گریبان مجلس فذخلقی و شورای نگهبان" معلوم الحال، محدودیت های "اسلامی" دیگری به آن اضافه نکنند چه بخاطر مواد و اصولش وجه بر اساس شیوه های اجرائی در واقعیت نه تنها دودی از دردهای بشمار کارگران را دوا نمیشود بلکه تنها به مشابه با رجدیدی بردوش آنها سنگینی خواهد نمود.

اما این لایحه را باید از زاویه دیگری نیز مورد بررسی قرار داد. اگر در نظر بگیریم که رشد بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم به اخراجهای کارگری هر روز ابعاد جدیدتری میبخشد. و در صورت نبود چنین قانونی" کارفرمایان طبق قانون تنها مکلفند کارگران و کارکنان واحدهای تحت پوشش خود را باز خرید کنند" (کیهان ۲۲ آبان) و از آنجا که هدهای از دست اندرکاران مزدور رژیم با این

در صفحه ۱۱

ما ضمن تبلیغ هدفهای دراز مدت مبارزه ضد امپریالیستی و سعی در شکل سیاسی و نظامی پرولتاریا بهیچوجه زندگی اقتصادی و خواسته های روز سره او را نادیده نمی گیریم. ما سعی میکنیم حتی در این زمینه نیز مبارزات پرولتاریا را سازماندهی و رهبری کنیم، ما باید اشکال سازماندهی مناسب با این وظایف را بوجود آوریم.

کربلای ۴ ، تلی از اجساد ، "هدیه‌ای" به کنفرانس همیاری !

از صفحه ۱

وسيله بگوشتند که اذهان و افکار عمومی را از واقعیت‌های موجود منحرف ساخته و ابعاد فاجعه را کوچکتر از آنچه بود جلوه دهند. برای نمونه دکتر خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ برای کوچک نشان دادن فاجعه اعلام کرده که: "در عملیات محدود و انهدامی "کربلای ۴" گروه‌های کوچکی از نیروهای اسلام از "اروند رود" گذشته و بعد از ورود به جزیره "ام‌الرمای" و نابود کردن تجهیزات دفاعی و نیروهای دشمن و گرفتن تعدادی اسیر به مواضع اولیه خود برگشتند" و برای لاپرواخی تعداد زیاد قربانیان این سمله شکست خورده ، ریاکارانه تعداد شرکت کنندگان در حمله را تنها ۶ هزار نفر اعلام کرد؛ فقط ۴۰ واحد از لشکرهای مختلف که برای کار تخصصی و عبور از رودخانه و تخریب جمع آوری شده بودند و تعداد آنها به ۶ هزار نفر میرسد شرکت داشتند ."

بر خلاف این تلاشهای عیب‌انما ، مطابق بیانگر آن بود که امواج انسانی آراپیش داده شده برای این حمله ، پس از موفقیت‌های آشکار اولیه ، در همان ساعات اول نبرد نابود شده و بر اساس گزارشات منابع گوناگون تخمینا ۲۵ تا ۳۰ هزار کشته و تعداد زیادی مجروح و اسیر ، کمترین حاصل عملیات "کوچک" و "کم اهمیت" "کربلای ۴" از سوی جمهوری اسلامی بود .

شدت جنگ به آن حد بود که لشکریان تارومار شده رژیم مزدور خمینی حتی فرصت شفافانه نبودند تا مجروحین جنايت نبرد "کربلای ۴" را از جبهه خسار جرح کنند . اما هیچیک از این مسائل برای سازمان دهندگان و مجریان فاجعه آفرین جنگ مهم نبوده و نیست . آنچه که حائز اهمیت است تداوم این جنگ در پوش "جنگ ، جنگ تا پیروزی" و فتح "قدس" و در نتیجه حصول سزدهای سرشار توسط امپریالیستها و شرکای رویزیونیستشان از یکطرف و کنترل و سرکوب جوشها و حرکت‌های انقلابی در سطح منطقه از سوی دیکتاتور است .

بهر صورت "کربلای ۴" جدا از تاریخ مرگبارش از بعضی زوایای دیگرو نیز قابل توجه و اهمیت است . اهمیت این امر از آنجا ناشی میشود که بدانیم رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در شرایطی به حمله "کربلای ۴" مبادرت نمود که اقدام به برگزاری کنفرانسی بنام "همیاری مردم عراق" متشکل از نیروهای اپوزیسیون عراق در تهران نموده بود و حمله اخیرا در جریان برگزاری چنین کنفرانسی به مرحله اجرا در آورد .

هاشمی رفسنجانی در آخرین نشست عمومی "کنفرانس همیاری ملت عراق" که در هتل آزادی تهران برگزار گشت گفت: "رزمندگان ما بعنوان هدیه‌ای به کنفرانس شما ، عملیات کربلای ۴ را انجام دادند ... اگر منتظرانه برخورد شود ، خواهیم پذیرفت که جوانان ما الان بیش از اکثریت جوانان عراقی ، برای ملت شما و صرفا بخاطر اعتقاداتشان و اعتقادات شما ، سرمایه‌گذاری میکنند" (روزنامه

اطلاعات یکشنبه هفتم دیماه) به این ترتیب خون هزاران کشته و مجروح از جوانان کشور وسیله‌ای شد برای نمایش تبلیغاتی رژیم جنایتکار خمینی . صرف نظر از پرداختن به ماهیت و ترکیب نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس ، بدون شک رژیم از ترتیب آن و همزمانی با حمله "کربلای ۴" اهدافی را تعقیب میکرد که میتوان به اختصار آنها را در دو محور زیرین مطرح نظر قرار داد .

نخست آنکه جمهوری اسلامی با دامن زدن به تبلیغات جنگی ، به شکلی گسترده و وسیع با اشاعه این توهم که با تشکیل "سپاه محمد" و با تکمیل تدارک هجوم "سرنوشت ساز" ، "رزمندگان اسلام" ارتش عراق را قطعا شکست داده و دولت این کشور را سرنگون خواهند کرد ، کوشش نموده تا از کنفرانس فوق بعنوان یک حربه تبلیغاتی و برگ برنده در افکار عمومی بر علیه دولت عراق بهره جوش نموده و با اصطلاح "آلترناتیو" مقبول خود را برای شرایط پس از این سرنگونی ادعایی ، به معرض نمایش بگذارد و با قدرت نمایی و در همان حال دامن وعده‌های سرخس منوط به قریب الوقوع بودن سقوط رژیم عراق نیروهای شرکت کننده را امیدوار و تشجیع نماید .

مضافا اینکه سؤدمداران جمهوری اسلامی با علم کردن عنبر مرتجع بنام سیدعلی جمال هاشمی بمناب ره رئیس کنفرانس و مرتجع همجسون جبهه اسلام محمد باقر حکیم مسئول مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق در این کنفرانس و تنظیم "برنامه" آینده دولت جمهوری اسلامی عراق ریاکارانه اینگونه جلوه میدهند که گویا مردم عراق نیز خواهان "جمهوری اسلامی" بوده و در تدارک جایگزینی و استقرار "جمهوری اسلامی" بجای رژیم در حال سرنگونی عراق هستند . در عین حال که رژیم بدین ترتیب میکوشد طیف ملون اپوزیسیون عراق را زیر پرچم مرتجعترین عناصر و نیروهای معلوم الحال و وابسته خود متشکل ساخته و نیروهای دارای پایه شونده‌ای در کردستان را هرچه بیشتر در جهت اهداف ضد خلقی خود بکارگیرد . بعضی از این نیروها نیز با فراموش نمودن و زیر پا گذاشتن شیوه‌های درست استفاده از تضادهای درونی اردوگاه دشمن ، جمهوری اسلامی را در رسیدن به اهدافش یاری رسانده و سرنوشت نیروهای خود را به سرنوشت جنگ ایران و عراق پیوند زده و به عملیات مشترک با جمهوری اسلامی مبادرت نمودند . تمام های وهی و تبلیغات رنگارنگ رژیم در طول تدارک و برگزاری کنفرانس مبنی بر نقض وحدت آفرین جمهوری اسلامی و ترتیب سخنرانیها و تنظیم برنامه‌ها و مواضع‌های متعددی که محتوا و متن آنها بوزبان نمایندگان شرکت کنندنده در کنفرانس ، مبنی بر تائید و تکریم "امام" و حکومت جنایتکار و وابسته اش جاری میشد ، نیز جوانبسی از گسترده‌گی کار تبلیغاتی و سرمایه‌گذاریهای هدف دار جمهوری اسلامی در این زمینه را نشان میدهد .

ثانیا گذشته از این هدف آشکار ، رژیم ضد خلقی حاکم از تشکل نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس برای اهداف مبین دیگری نیز سود می جست .

با توجه به نفوذ توده‌ای برخی از این نیروها و با توجه به اینکه جنبش انقلابی ایران از مناطق آزاد مرزی ایران و عراق بعنوان یک یگانهای بر علیه رژیم مزدور خمینی استفاده میکند ، رژیم تلاش میکند تا از رابطه اش با این نیروها بهره جسته و مگافات آنها را در جهت مقاصد پلید و ضد خلقی خود ، از جمله محدود نمودن فعالیت سازمانهای درون جنبش انقلابی ایران و ایجاد دفا ربر آنان بکار گیرد ؛ و از آنجا که مزدوران رژیم بر اساس این تلاشها ، تحریکاتشان در منطقه فزونی یافته ، موقعیت حساس و بحرانی در این مناطق برای سازمانهای انقلابی ایرانی بوجود آمده است و مبالغه نیست هر آینه گفته شود که این هدف از اهمیت زیادی برای رژیم ددمنش جمهوری اسلامی برخوردار میباشد . این کوششهای ضد خلقی از سوی دیگر زمینه را برای نفوذ و کنترل هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در میان اپوزیسیون عراق در کردستان و اشاعه ایده‌های ارتجاعی در منطقه آماده تر ساخته است .

برای چنین تلاشها و روابطی بود که پیش از عملیات "کربلای ۴" و تشکیل کنفرانس "همیاری ملت عراق" ، نیروهای رژیم با همکاری اتحادیه میهنی کردستان عملیاتهای "فتح یگو" و "فتح در" را در عمق خاک عراق سازماندهی و به مرحله اجرا در آوردند . البته در پس تنامی هیا هوا و بوقه در اینها ارگانهای تبلیغاتی رژیم در با رهنمای این عملیاتها کی المثل مبنی بر نابودی تاسیسات نفتی کرکوک و خیلی زود روشن شد که این عملیات تنها موفقیت‌های نظامی چندان نداشته و بیشتر به وسیله‌ای برای تبلیغات جمهوری اسلامی تبدیل شده اند . چرا که بر اساس گزارشات اکثر خبرگزاریها ، علیرغم تبلیغات جمهوری اسلامی ، تولید و صدور نفت کرکوک بعد از عملیات فتح همچنان روندهادی خود را طی نمود .

گذشته از این توضیحات ، بررسی رویدادهای اتفاق افتاده تاکنون نشان میدهد که نه تنها سؤدمداران و طراحان رژیم در عملیاتهای با اصطلاح فتح ، موفقیت حائز اهمیتی را کسب نکرده اند ، بلکه به خاطر آبرویا ختگی حکومت وابسته و ضد خلقیشان در سطح منطقه و در افکار عمومی "ووبای ارتشش آزادبخش اسلام" و "جمهوری اسلامی عراق" نیز چندان پذیرش توده‌ای نداشته و ندارد .

بواقع نیز خلقهایی که به عینه کارنامه ۸ سال حکومت سنگین و جنایتکارانه جمهوری اسلامی در ایران را مشاهده میکنند ؛ توده‌هایی که سرکوب ددمنشان خلق کرد در ایران ، سالها در مقابل چشمانشان جریان داشته است ؛ چگونه میتوان تصور واقعا به حکومت مذهبی یعنی به ترور و خفقان و با بیالی هرگونه حقی تن دهند؟ توده‌های منطقه بدرستی عنوان میکنند که اگر جمهوری اسلامی طرفدار خلق کرد بود ابتدا حقوق طبیعی خلق کرد در ایران را به رسمیت میشناخت ؛ در نتیجه رژیمی که در ۸ سال حاکمیت سنگین اش جز فقر و فلاکت ، جز جنگ و آوارگی ، جز سرکوب انجام گسیخته هرگونه مدای آزادی خواهی بکار دیگری نکرده است ؛ چگونه میتواند الگوی مورد پذیرش توده‌ها و آمال و

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

توده‌های مادیر بخوبی درک کرده‌اند که
والفجرها و فتح‌ها و کربلاها نه بخاطر
"پان‌اسلامیسم" و "صنوبر انقلاب اسلامی".....
بلکه درست در جهت منافع امپریالیستها و تسدوم
این جنگ امپریالیستی است که طرح ریزی شده و به
اجرا درمیآیند. آنان درک کرده‌اند که این
میدانها چیزی جز جولانگاه مرگ فرزندانشان بخاطر
قریبانی شدن در راه منافع و اهداف امپریالیستها
نبوده و نیست و از همین جا است که باجوش به انواع
واکمال‌گوناگون مقاومت، از شرکت در این جنگ سربازان
میزنند. و بلاخره هماغونه که ما بارها اسلام
کرده‌ایم تنها راه نابودی این جنگ‌خاستان برانداز
امپریالیستی همانا رشد و گسترش اعتراضات توده‌ها
و پیوستن هرچه بیشتر آنها به صفوف جنگ‌آزمایی‌ها
جاری در همین راستاست. چنانکه ما آنها را به هر طریقی
امپریالیسم و گمان زنجیریش آغاز شده و تنها
نابودی تمامی آنان و روابط پوسیده و مملطمه‌ویانستان
برای تحقق جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه
کارگر ادانه خواهد داشت. حال بگذار جمهوری
اسلامی بازم بر طبل جنگ بکوبد و برای فریب
توده‌های ستمدیده منطقه رباکارانه خود را "روشن
آزادبخش اسلام" بنامد و با عزم کردن مرتجعین
همچون جهاد اسلام حکیم‌ها و تشکیل کنفرانس‌های
گوناگون، رباکارانه چشم افشار کاذب پیروزی
نزدیک را برای نیروهایش شرمیم کرده و خون دهها
هزار نفر از جوانان کشور را "همه" تبلیغات
رباکارانه خود بازد.



روزنامه اطلاعات و دیماه در مقاله‌ای تحت
عنوان "سخن روز" این شکست مفتضحانه را چنین توجیه
مینماید: "آنان که در ممرک "کربلا" تیغ‌خاز
نیام بروکشیدند و پیروز شدند بهش رفتند باو دیگر
قدرت شکست انگیز و تکان دهنده خود را در زمینه‌های
رزمی و نظامی اثبات کردند. آنان از "روند"
ملاطم و معارضه شده در آتش و محافظت شده بسا
انواع گلوله‌ها و مین‌ها گذشتند و هر کسی میدانند که
وقتی بنا بر تهاجم است، اگر ارتش حمله کنند
مجبور باشد برای نزدیک شدن به دشمن خویش از مین
بزرگی مانند رودخانه بگذرد، ناچار بخش اعظم
نیرو و توان خود را از دست میدهد و چه بسا گه
دشمن بتواند حمله کنندگان را در همان آبراه غرق
کند. وقتی در آسوی رودخانه، دشمن با همه قوا
کمین کرده و سنگ ساخته و در کمینگاه‌های مستحکم
پناه گرفته و از آنها ترمیم حمله کاملاً منسلط و
مترف است، حمله کنندگان چگونه میتوانند بسا و
کلاویز شوند و پیروز شدند بهنگار کنند و حال
که باید از آب و گل و لجن و لجن بگذرد. "براستی
رژیمی که این چنین به توجیه شکستهای غنود
مینشیند و نشان میدهد که هیچ ارزشی برای
نیروهای خود قائل نیست چگونه میتواند بکسر
ملت عراق باشد.
عزیزم تمامی این جنایتها و وقاحتها، اما
کارگران و زحمتکشان و توده‌های تحت تسلط، پیروز
دیگر بخوبی قانون حاکم بر این جنگ نفرت‌ساز و
جنایتکارانه را در زندگی روزمره خویش دریافته‌اند.
قانونی را که بر علقه تمامی تئوری با فیه
گفته بینانند و فرحت طلبان اکثر نیروهای جنبش
ما بارها بر آن تاکید نموده و جوانب مختلف آن را
توضیح داده‌ایم.
آنها بخوبی میدانند که بر خلاف ادعاها و
عواطف پستی‌های بوج و آسمانی رژیم، شورش
این جنگ در دست هیچکس جز توطئه دهندگان و کلک‌وایان
زمینی آن یعنی امپریالیستها نبوده و نیست آنها
میدانند که هر دم که راه‌زنان بین الملی تسدوم
این جنگ را یک لحظه در مخالف با منافس
غارتگرانسان ببینند، به دورنگ آن را قطع کرده
حتی اگر آنتهاگام بگان رنجیزیشان عواطف پستی
در اوج فریادهای "جنگ، جنگ تا پیروزی" باشند.

آرزوی آنها گردد و چگونه میتوان به رژیمی که
تحت لاف‌ها اعلام مجری جنایتکارانه‌ترین سیمه‌های
امپریالیستی است نقش "آزادی بخش" داده و همه
اشاعه ایده‌های ارتجاعی جهاد اسلام حکیم‌ها و
حزب الدعوة‌ها باری رساند.
آن نیروهای که به "حق تعیین سرنوشت" خلق
خود اعتقاد دارند اگر نخواهند بر این اعتقاد
خود پایدار بمانند باید نتایج فلاتت بار ۸ سال
سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
۸ سال حکومت مذهبی در ایران، که به آنها حق تعیین
سرنوشت، بلکه حتی کوچکترین حقوق طبیعی
خلقهای ایران را به و غشایه تیرین شکلی برکسوب
شعوه است. را مورد توجه قرار داده و به خود را
قریب دهند و نه به اشاعه ایده‌های ارتجاعی
باری رسانند.
با این حال و با در نظر داشتن تمامی این
عقاید و شعارها نباید نقش فاعلیتها
فدائی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی در جهت نفسود و
کارکردهای ارتجاعی هرچه وسیعتر بر میان مردم
شتمیده منطقه را فراموش نمود و در مقابل آن
آمادگی نداشت.
به هر صورت رژیم سزوکیز و وابسته بسا
امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه تمامی
سیاستهای بی‌نامه ریزی شده ۸ ساله اخیرش، ده‌ها
"کربلا" و پیروزمندی آن ساوه‌های بسیاری
سوداد و با قاحت تمام کوشش کرد شکست خویش را
لایوشاش نموده و با تلاشی نا فرجام دوباره سعی
نما بدکما فکا و عمومی و دهن توده‌ها و توده‌های دهها
هزار انسان فدا شده و آما ده تمامی ربا و دیگر
"همو پستی" و بالنتیجه تئوری "کربلا" و "فتح‌های
دیگری، منحرف سازد، بدون آنکه بخاطر ماهیت
تبهکارانه و وابسته‌اش کوچکترین توضیح و مسئولیتی
در قبال خونهای ریخته شده و سرمایه‌های اسامی به
تاراج داده شده در کربلا چهارش را بعهده بگیرد.
ولی فضا تحت شکست رژیم آنچنان آشکار و عریان بود
که حتی بعضی از مسئولین رژیم را نیز مجبور بسا
اعتراف نمود. نگاهی به این اعتراف، فمن نشان
دادن شکست "کربلا" در همان حال اوج وفالست و
وقاحت این رژیم را در قریبانی کردن توده‌ها آشکار
میسازد.

وقتی راه کارگر ۵۵۵۵۵۵

از صفحه ۱۴

مادر اینجا با همه انحرافات راه کارگر مسلک
کاری نداریم و تنها به راه کارگر گوشزد میکنیم که
چشمک و چراغایدوی در این چندساله به حزب توده
و اکثریت راه کمی هم روشن نکرده است و مناسی
مبارزه وی به "خط خیانت" و "انحرافات حزب توده
واکثریت نیز در جلو چشم همه در جریان است. اگر
در سالهای ۵۹ تا ۵۸ حزب توده غاش و دبیرکسل
آن کمانوری بدینال "نیمه سالم" راه کارگر بود و
نقشه‌ها برای آن در سردا شدند، اکنون این راه کارگر
است که بدینال "نیمه سالم" حزب توده اقتضاده و
برای آن نقشه‌ها در سردا دارد! البته پس از همه
اعمال فدا انقلابی حزب توده و پس از آنکه تشکیلات
روشن این جوانان فدا انقلابی از با آنها افتاده است،
به همین جهت به راه کارگر توصیه میکنیم "خودت"

با ش و به ترائت از این خیال خام "سلاسه" فدائیتی
دست برداری چرا که خوب میدانیش که فدائیش با فسی
بود نه اپورتونسیسم و فریبیم حزب توده و
سازگاریهای بورژوا فریبیتی یعنی امری که بسا
واقعبیت وجودی راه کارگر و تمام طول حینسات ۲
ساله‌اش هیچگونه انطباقی نداشته و ندارد.
زمانی در سال ۵۹ سازمان بیکار از این دشمن
قسم خورده‌مشی مسلطانه چریکهای فدائیش خلق و سایر
"منی چریکی جدا از توده". در سال سرور شهادت رهبر
کبیرمان مسعود احمدزاده پس از سفری و کبیرتری
چیدتهای بسیار خود را ادا نموده و راه وی معرفی
نموده این وسیله بیکار خود را فحکه ما مو غشایی
نمود.
بلاخره هر کسی بر آسای منافع و مناسی
روشن غاش خود را دارد. بیکاریه نوعی و جاشیسان
چکمه لیش اکثریتی به توج دیگر و افالیت - در همه
نوعش - به تکلی و حال راه کارگر هم بود در این

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

از صفحه ۳۰

دستجات گوناگون شکار انسان و به میدان آوردن همه ارگانهای سرکوبگرش همچون زندانمری ، شهرستانی و کمیته و غیره برای دستگیری مشمولین و فراریان از جبههها دام میگستراند و به این وسیله واقعیت تبلیغات دروغین خود و در همان حال ابعاد مقاومت وسیع و قهرمانانه تودهها را در این رابطه به عین آشکار میبازد .

جمهوری اسلامی در مقابل با امتناع وسیع جوانان از رفتن به سربازی اخیرا با تصویب قوانین سرکوبگرانه ای در مجلس فدرسمی اش به سیاست سربازگیری اجباری خود شدت هرچه بیشتری بخشیده و به اشکال گوناگون میگوید یا شکار جوانان و اعزام آنان به میدانهای جنگ امپریالیستی و در نتیجه قربانی نمودن آنها در راه منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته تنور جهنمی جنگ ارتجاعی با عراق را گرم نگهدارد .

تلاشهای مذبوحانه رژیم در این رابطه به روشنی نشان دهنده نفرت برحق مردم ما از جنگ امپریالیستی و مقاومت قهرمانانه آنها در مقابل سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری بوده و بیانگر افتاء هرچه بیشتر ما بهیت وابسته به امپریالیسم رژیم و جنگ ارتجاعی اش میباشد ؛ مقاومتی که دشمن همه خلقهای ایران را مجبور ساخته و حتی گریها و ددمنشی های خود را در هر گوی و برزن عربان ترین شکل به نمایش بگذارد .

رژیم مزدور خمینی درحالی که وحشیانه به شکار جوانان میپردازد و برای عدم معرفتی مشمولین به حوزه های نظام وظیفه و فراریان جنگ مجازاتهای گوناگونی قائل شده است در همان حال در جهت تکمیل سیاستهای سرکوبگرانه اش برای تشویق جوانان به رفتن به سربازی و قربانی شدن در راه اهداف ارتجاعی اش با اصلاح مزایای نیز قائل شده است ؛ برای نمونه از قول مشمولین آموزش و پرورش خود اعلام کرده است که ؛ " معلمینی که ۶ ماه در جبهه بطور دائم باشند علاوه بر پاداش معادل ۵ روز حقوق ، موفقی به ترفیع یک پایه خواهند شد " و با از قول وزیر آموزش عالی اش نظر میدهد که ؛ " ۱۰۰٪ ظرفیت دانشگاهها باید از میان کسانی باشد که جبهه و جنگ را دیده باشند و به این وسیله برای فرما نیان خود بجای وعده های کاذب آسمانی ، وعده های حقیق زمینی قائل میشود و در همان حال از قول فرمانده زاندا رعمی کل کشور تهدید مینماید که ؛ " چنانچه مشمولین توسط ما مورین زندانمری دستگیر شوند به ۶ ماه اضافه خدمت محکوم میشوند " یعنی ۶ ماه بیشتر در معرض سرک بودن و با صدها نوع محدودیت و مجازات دیگر که برای مشمولین غایب و فراری قائل گشته است .

چه مزایای ادعائی رژیم و چه تهدیدات بی شرمانه اش در هر حال تغییر در درامات سیاست اعزام اجباری جوانان به جبهه ها نمیدهد ، چرا که هرگز فریب این نیرنگها و تهدیدات را نخورده و در جنگی که منافعی تنها به جیب امپریالیستها و سگهای زنجیرش میروند شرکت کند ، تنها خود را بیپرده قربانی سیاستهای این جنایتکاران ساخته است .

خلقهای قهرمان ایران !

جنگ ایران و عراق جنگی امپریالیستی است که امپریالیستها برای فائق آمدن بر برادرانهای اقتصادی خود و میلیتاریزه کردن هرچه بیشتر منطقه آن را سازمان داده اند . این جنگ هیچ سودی برای خلقهای ایران و عراق نداشته و ندارد و تنها و تنها به نفع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته میباشد .

شرکت در این جنگ یعنی قربانی شدن در جهت منافع امپریالیسم و سگهای زنجیرش - این دشمنان ددمنش خلقهای ایران نیستی سربانی شدن در راه اهداف همان دشمنی که جنایات و وحشیگریها پیش را در زندگی روزمره خود به عین لمس مینماید .

تما می تبلیغات جمهوری اسلامی در رابطه با این جنگ ، دروغی بیش نیست ، چه کوششهای برای استفاده از مذهب و در نتیجه لغافه های مذهبی دادن به جنگ و چه نوید دادن چشم اندازهای کاذب پیروزی در جنگی که هدایت واقعی اش در دست نیروی دیگری است ، سراسر بیش نیست .

شرکت در جنگی که در واقعیت هدایتش در دست امپریالیستها بوده و تا زمانیکه منافع آنها را تامین کند بدون شک ادامه خواهد یافت یعنی شرکت در جنگی که علمبرغم ادهای جمهوری اسلامی مبنی بر " سال سربوشت ناز " و " حمله بزرگ نهائی " هیچ پیروزی در بر ندارد چرا که هیچیک از طرفین جنگ تنها منافع امپریالیستها ایجاد نکند نه میتوانند و نه مجازند که ضربه تعیین کننده ای به طرف مقابل وارد سازند ، جز قربانی شدن در راه منافع " شیطان بزرگ " چه مفهومی میتواند داشته باشد .

کارگران ، دهقانان و توده های تحت ستم !

از شرکت در جنگ امپریالیستی ایران و عراق خودداری کنید و با تمام توان خود ، به مقابله با آن برخیزید . به هر شکلی که میتوانید اعتراض خود را بر علیه این جنگ گسترش داده و از فرستادن فرزندان خود به میدانهای مرگ و نیستی جلوگیری نمایید و با تمام توان به یاری انقلاب خود بر علیه سلطه امپریالیسم و رژیم مزدور جمهوری اسلامی مهاجمین و مبارزه مسلحانه ای را که سالهاست در میهن ما جریان دارد و تقویت نمائید .

با یاری دیگر همه جوانان و همه سربازان را به خودداری از پیوستن به صفوف ارتش فدا خلقی و ترک صفوف آن فرا میخوانیم ، چرا که هیچ مرگی دردناکتر از مرگ در راه منافع امپریالیستها نبوده و نیست .

- مرگ بر ما امپریالیسم و سگهای زنجیرش !
- ما بودیم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !
- مرگ بزرگ امپریالیستی ایران و عراق !

چریکهای فدائی خلق ایران

۶۵/۱۰/۲۵

با ایمان به پیروزی راهمان

اخبار

از صفحه ۱۸

☆ اخیرا در شهر تهران کبریت کمباب گشته و فروشندهگان در ازای تحویل یک قوطی خالی کبریت تعدادی چوب کبریت به قیمت ۲۵ ریال به خریدار تحویل میدهند . در ضمن با توجه به کمیبود شدید گازوشیل قیمت گازوشیل در بازار آزاد هر ۲۰۰ لیتر به ۱۸۰۰ تومان رسیده است .

☆ بر اساس اخباری که از کنکاور رسیده است جوانانی که رژیم به زور به سربازی فرستاده است ، از هر فرصت مناسبی استفاده کرده و از مسلخ های جنگ امپریالیستی فرار مینمایند و هر روز بتعداد این فراریان از سربازی افزوده میگردد .

☆ در شمال بمبارانهای وسیع و ددمنشانه شهر باختران که باعث کشته و زخمی شدن عده زیادی از اهالی شهر گردید ، مردم این شهر نظاره ای بر علیه جنگ بها کردند و شعارهایی علیه رژیم خمینی و جنگ دادند . نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای متفرق کردن تظاهرات کنندگان بمباران آنان آتش گشودند . منابر این بر اثر تیراندازی مزدوران رژیم عده ای از تظاهر کنندگان شهید و زخمی گردیدند . این اولین بار نیست که توده های شهید شده شهر باختران بر علیه جنگ دست به تظاهرات میزنند و اولین بار هم نیست که توسط مزدوران امپریالیسم به گلوله بسته میشوند ، اما بدون شک رشد و گسترش این مبارزات در جهت تقویت جنگ انقلابی خلقهای ایران دیر بازود امپریالیسم و سگهای زنجیرش را بگور خواهد سپرد .



وقتی راه کارگر ۰۰۰۰۰

از صفحه ۵

ارتجاعی "دفاع از میهن" به دفاع از جمهوری اسلامی و به دفاع از دیکتاتور رژیم "ولایت فقیه" پرداخت و از وحشت "گابویی فاشیسم" از واقعیت درنده خوشتی جمهوری اسلامی در جنگ امپریالیستی ناقصی دفاع نمود .

اما اینکه چرا راه کارگر به یاد این افتاده است که خود را در "سلاخ" فدائی جازه و سنت داری قلمداد نماید ، جدا از اهمیت بار انقلابی این سنت در جامعه و در میان طبقه کارگر ایران ، در این امر هم باید جستجو نمود که به این وسیله راه کارگر میکوفد یا تهنی ساختن واقعیت سنت فدائی و قلمداد نمودن خود از "سلاخ" فدایان در همان حال جریانات خا شنی چون اکثریتیه (هر دو جناح) را در این "سلاخ" جای داده و راه را برای نزدیکی هسار و هماهنگی های آینده با این جریانات هموار سازد ، و با محدود کردن صف انقلاب و ضد انقلاب به تطهیر جریانات انقلابی ای چون اکثریت پیروزاد .



امپرياليسم آمريکا :

شیطان بزرگ یا فرشته رحمت

در آبان ماه امسال و در سخنرانی پیرامون سالروز خیمه شب بازی تسخیر سفارت امریکایی در تهران، هاشمی رفسنجانی طلایه دار مصلحت‌دیگری گشت. این شیخ وقیح و دروغگو، داستانسی را سرهم بندی کرده و بزبان راند تا شاید بادیگر جمهوری اسلامی را "قهرمان" مبارزه با امپریالیسم امریکا جلوه دهد و با مصلح روابط پنهانی جمهوری اسلامی و "شیطان بزرگ" را که در واقعیت از بدو تولد این رژیم همزاد آن بوده است را از چشم توده‌های تحت ستم مخفی نگهدارد؛ تا ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را همچنان با لاف‌های اسلام و اسلام خواهی، مستقل از خیانت امپریالیستها جازده و به خیال خود چند صباحی بر عمر تنگین آن بیفزاید.

اما این تلاش مذبحخانه علی‌رغم همه وقاحت و ریاکاری رفسنجانی، جز رسوایی بیشتر رژیم نتایج‌ای در بر نداشت و تنها مزدوری جمهوری اسلامی برای "شیطان بزرگ" و روابطش با امریکا را در نزد کارگران و زحمتکشان عربی‌نتر ساخت.

روشن هرچه بیشتر روابط با امریکاییان آشکار شدن رسوایی هرچه وسیع‌تر رژیم را آنچنان در برابر چشمان سران مزدور جمهوری اسلامی مجسم کرد که شاهد بزرگ جماران و اادار به دخالت نمود تا با فریبکاری های همیشگی اش این جریان را شکستی برای کاخ سفید - که بعد از این مسئله از قرار با پوشیدن "عیای سیاه" به کاخ سیاه تبدیل شده است - و انمود نموده و بدینوسیله نه تنها بکوشد تا توجه توده‌ها را از ماهیت مسئله به جهت دلخواه خود سوق دهد، بلکه سیاست‌بوقه‌های تبلیغاتی رژیم را نیز تعیین نموده تا عمدتاً با حفظ این جهت مشخص تبلیغی از ورود به جوانب مربوط به رژیم برحذر باشند، تا از پاشیدگی نهایی حربه با مصلح غذا امپریالیستی رژیم - که اکنون عمیقاً رنگ زده شده است - به خیال خام خود جلوگیری نماید.

اما داستان شعارهای با مصلح فدا امپریالیستی جمهوری اسلامی و بزهای غذا امریکایی اش مدتها بود که به انتها پش رسیده و زوای عام و خاص گشته بود و نه این طرفند و نه هرتلاش عبت دیگری قادر به لایوتانی این واقعیت نبوده و به اعتبار آگاهی روز افزون توده‌ها، نمیتواند کار ساز باشد؛ در باور توده‌های مردم، تا باوری و انزجار پاسخی است که در مقابل کوششهای بیپوده سران رژیم برای استمالی مسئله ارائه گشته است.

بر خلاف موقع کارگران و زحمتکشان که به اعتبار بیش از ۷ سال تجربه مستقیم و غیر مستقیم و آزمودن سیاستهای ریز و درشت رژیم در مقیاس وسیعی، وابستگی و مزدوری این رژیم به امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکا را دریافته اند و با قبول و شائید موضع پرولتاریای آگاه ایران با آن همزا شده اند، اما اپورتونیستها و سازشکاران دوستان

نادان خلق بنابه مصالح و منافع خویش هنوز هم از پذیرش واقعیت وابستگی این رژیم به امپریالیستها سرباز زده و عقب ماندگی خود را در این زمینه نیز از توده‌ها و پرولتاریای آگاه به عینه به نمایش میگذارند.

اما داستان آشکار شدن این رابطه با مصلح خلیج پنهانی، هرچه باشد و هر قدر با چاشنی های فریبکارانه پودانده شود و با شکل آشکار شدن آن به ترتیبی که بوده باشد، چه اراجیف هاشمی رفسنجانی در این مورد و چه گویا ساده دلی خبرنگار هفته نامه لبنانی الشراع که میگوید آن را بنابه خبری "داغ" و سوسه انگیز حرفه‌ای جایزند، وجه حقیقی مسئله‌هایی که در این میان معامله گشته است - با تمام اهمیتی که در شرایط بحران امپریالیستی برای انحصارات امپریالیستی داراست - همه و همه، ظواهر و نمودهای یک چیزاند و بیانگر وجود یک رابطه اساسی اند که در زندگی و زمره، جاری بوده و در زمانهای مختلف بنابه مصالح مشخص به اشکال گوناگون آشکار گردیده و از پس پرده بیرون افتاده است و این همانا رابطه وابستگی و مزدوری رژیم خمینی به امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکاست.

بررسی خصوصیات و چگونگی رسوایی اخیر و تاثیرات مسائل فرعی در راستای این رابطه و تاثیرات آنها در نتیجه انکسار آنها در تبلیغات امپریالیستی مسائلی است که در ادامه مطلب به بررسی آنها خواهیم پرداخت. عجلالتا پیرامون دیدار مک فارلین و دستگیر بظاها ناها هنگ بر خاسته در پی این دیدار مکشی خواهیم کرد تا با کنار زدن پرده ظواهر، در پس آن واقعیت مسئله آنچنان که هست عربی‌نتر شود.

اگر جوانب حاشیه‌ای داستان رفسنجانی نظیر کیک و کلید و با سپورت قلابی مک فارلین و کلت‌های اهدائی اش و بازداشت هیئت امریکائی و غیره را که بیان آنها بیشتر با تبلیغاتی داشته و بیسرای لایوتانی واقعیت مسئله رویش تا کید گردیده و اکتار بگذاریم، آنچه که از این داستان باقی میماند فقط یک نکته است و آن این است که با موافقت امام مزدور، ملاقاتی رسمی بین هیئت امریکائی برهبری مک فارلین و سران جمهوری اسلامی صورت گرفته است و تمام کوشش و تلاش داستان سرا بان در قبول دادن این نکته متمرکز گشته است که مسئله صرفاً به ۱۸ ماه گذشته مربوط بوده و اساساً ملاقاتی صورت نگرفته و آنچه که رخ داده گویا بیانگر موقع برخورد و با مصلح مستقل جمهوری اسلامی و تحت شرایطی که از جانب این رژیم مشخص شده و بنا بدخواست و نیاز امریکایی بوده و اینکه جمهوری اسلامی هیچگونه سلامتی از امریکایی و اسرائیلی بطور مستقیم دریافت نکرده است.

تمام رهبران جمهوری اسلامی نیز تاکنون در پی قبول دادن و اثبات خط فوق (خط امام) تلاش

وززیده و به این وسیله اهداف خاصی خویش را دنبال مینمایند آنها میخواهند که بزاستقلال "جمهوری اسلامی" بر اساس "رابطه با امریکا" به زیر سؤال نرود تا سلاح فریبکاری را نه "فدا مهربانیت بسودن جمهوری اسلامی" پیش از این کنند کرده و حتی جناحهای درونی حاکمیت با همه چنگ و دندان که بهم نشان میدهند، در این مورد متفق القولند و بسا حفظ و قبول این چارچوب به پیش میروند و همچنان به تبلیغ و تکرار اراجیفی از قبیل اینکه، علی‌رغم چند سال تحریم ما استوار مانده ایم و بسا شیوه رابطه گرفتن امریکا با ما بیانگر شکست "شیطان بزرگ" بوده، ادامه میدهند و اعلام میکنند که سلاحهای مورد نظر مربوط به زمان شاه است و امریکا باید آنها را به ما پس بدهد و با جمهوری اسلامی بکبار دیگر توطئه استکبار جهانی را به شکست کشاند و در نتیجه به این وسیله میکوشند واقعیت وابستگی رژیم به امپریالیستها را لاپوشانی نموده و اگر کسانی هم مانند ۸ تن نماینده مزدور مجلس مدخلقی شورای اسلامی نیز پیدا شوند که بخواهند با اراکلیکم خویش تراش بگذارند و "سوالاتی" را از موقع جناح خود طرح سازند بسا عکس العمل شدید تهدید و "عتاب و خطاب" امام مواجه شده و "پوچ" نبودنشان به نمایش گذاشته میشود.

چرا رفسنجانی تاکنون همه سعی و تلاش را در کتمان این دیدار و مخفی کردن این رابطه بکار برده است؟ و چرا خمینی نیز با آن "عتاب و خطاب" آنرا "توطئه" ای علیه رژیمش میخواند و با علم کردن این رابطه بنابه شکستی برای امریکا دست به فریبکاری میزند؟ و همه سران مزدور رژیم نیز این تبلیغات دروغین را تا شیبند و تکرار میکنند؟ مگر وجود رابطه بین جمهوری اسلامی با امریکا و اسرائیل چیز تازه‌ای است؟ و مگر خرید تسلیحات از آنها امر جدیدی است؟ آیا اهمیت و نقش استراتژیک ایران و موقعیت سوق الجبئی آن در منطقه امری است که تازه به یاد هیئت حاکمه امریکا افتاده باشد؟ و یا تروریسم رژیم جمهوری اسلامی بتازگی اذهان امثال ریگان و همیانگی هایش را متوجه خود ساخته است؟ واقعیت این است که این مسائل هیچکدام تا زگی نداشته و ندارد. این نوع دیدارها و خریدها چه تسلیحاتی و چه غیر تسلیحاتی سالهاست که وجود داشته و بارها نیز فاش گردیده و با اهمیت استراتژیک ایران و نقش تروریستی رژیم خمینی در جهت مصلح امپریالیستها اموری تازه نبوده و نیستند و بارها حتی بنابه مصالح امپریالیستها توسط کار شناسان مورد تطهیل و بررسی قرار گرفته اند و امریکایی نیز تهنه لحظه‌ای از این مسائل غافل نبوده بلکه این امور جزئی از مباحثی شائستش در خاور میانه را تشکیل میداده است.

دیدارهای اولیه نمایندگان امپریالیسم امریکا مانند مک مالون و با آن با مصلح بازرگان امریکائی در نوفل لوشاتو با خمینی مزدور و پیا میانی خمینی به کارتر و دیدارهای بعدی رمزی کلارک و هویزر در تهران با بهشتی معدوم و بازرگان و موسوی اردبیلی و غیره در روزهای قبل از روی کس.

جمهوری اسلامی را امری غیرقانونی تلقی مینماید و به این وسیله به حریف میبازد .

ثالثاً: وضعیتی که رژیم خمینی با آن روبروست، یعنی شناخت وسیع توده ها و نفرت آنها از این رژیم که آن را رژیم متکی به خارجی میدانند و بی آبروشی وسیع در این رابطه و رشدا اعتراضات توده ها و همچنین موقعیت متزلزل رژیم که در نتیجه بحران و جنگ تشدید گردیده و رژیم را مجبور میبازد که با توجه به احساسات شدید فداامپریالیستی توده ها برای قریب آنها با زهم برشمارهای ضد امریکائی و فدا اسرائیلی تاکید نماید و در نتیجه دست به کتمان و حاشای مسئله میزند و حتی با هراس و با تهدید جناحهای درونی خود، آنها را از درگیر شدن حول این مسئله باز میدارد.

خلاصه اینکه در پیرامون این دیدار و خرید تسلیحات، تبلیغات گمراه کننده ای مازمان یافته است که قبل از هر چیز میبکشد واقعیت وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم امریکا و آلپوتانسی نماید تا دستهای خون آلود امریکا در مسائل ایران از انظار مخفی نگه داشته شود و امریکا با زهم بتواند از یک زنجیرش جمهوری اسلامی در ایران و منطقه استفاده های هر چه بیشتری ببرد.

حقیقت این است که در بیشتر شدت با ... تفادهای جناحهای امپریالیستی، بخشی از مسائل پشت پرده افشاء گشته و دیدار مک فارلین و خریدهای تسلیحات امریکائی و اسرائیلی جمهوری اسلامی در مطبوعات و رسانه های امپریالیستی به "خبر داغ" تبدیل شده و دامن زده میشود و بمتابه متناوبی برای اعمال فشار بر جناحهای رقیب مورد استفاده قرار میگیرد. و از طرف دیگر جمهوری اسلامی برای درست نگه داشتن پرچم مبارزه با مصلح فدا امریکائی اش چه در ایران و چه در منطقه به هر وسیله ای برای کتمان این مسئله متویل میشود و حتی جناحهای درونی اش را که بازتاب مستقیم تفادهای جناحهای مختلف امپریالیستی در میان آنسان اجتناب ناپذیر است را ماهر زده، تا حتی المقدور این کشمکش در خفا و پس پرده سروامان باقی ماند و وابستگی اش به "شیطان بزرگ" که در واقعیت فرشته رحمت برای او میباشد سکوت بماند.

در رابطه با اوجگیری و شدت یابی تفادهای جناحهای امپریالیستی و گسترش و انعکاس وسیع مبارزه آنها و دستاویز قرار گرفتن دیدار مک فارلین و تحویل سلاحها که بنابه اعتراف امپریالیستها و توکرانشان موردی از سلسله دیدارها و خریدهای تسلیحاتی و غیر تسلیحاتی مستمر چه مستقیم و چه غیر مستقیم چندین ساله بوده است هم بسیاری چیزها و موارد طرح شده اند و هم رازهای از پسرده بیرون افتاده است که بروشنی موقعیت جناحهای امپریالیستی و شدت یابی تفادهای آنان را بر ملاحظه نماید. و حملات آنها بیکدیگر، درخواست کنترل بیشتر بر ارگانها، استعفا و کناره کشیدن ها و تشکیل کمیسیونهای تحقیق گوناگون و حتی قتل دزدی پرونده انعکاسی از این مسئله است. همچنین طبیعی است که همراه با آشکار شدن جنبه های شیئی از روابط و اطلاعاتی که هر یک به منظور محدود کردن دیگری رومیکنند، بسیاری موارد و رابطه های دیگر بنابه بی آمدهای آن عیان گردد و نسبت به مکاتیبهای از روابط پیچیده و همه جانبه وابستگی برملا شود. برای نمونه واریز کردن بخشی از پول

آمدن رژیم خمینی و بسیاری دیدارهای دیگر در سطوح گوناگون و در موارد مختلف در طی این مدت همواره وجود داشته پس چه شده است که این دیدار مک فارلین اینهمه سرو صدا برآوردند؟ این تسلیحات و قطعات بدکی و سایر نظامی از امریکا و اسرائیل نیز امری است که از ابتدای روی کار آمدن رژیم بویژه با آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق ادامه داشته و هر روز شدت بیشتری یافته است و جدا از اینکه بوسیله نیروهای انقلابی بارها افشاء گردیده است، اتفاقاً هرگز کسی نیز خبر فروش سلاحهای مورد نیاز جمهوری اسلامی از این با آن شرکت امپریالیستی و از طریق این با آن گانال و ظاهراً بوسیله باندهای قاچاق بین المللی به تیتور رسانه های گروهی تبدیل شده بود. باندهای قاچاقی که در همه موارد دولتهای امپریالیستی و بویژه سیا در پشت سر آنان قرار داشتند و بارها بوسیله سازمانهای انقلابی نقش آنها و اسرائیل در این باندها مطرح شده بود، امری که حال بوسیله خود رقتناهی مورد تأیید قرار میگیرد و آخرین نمونه آن قبل از روشن شدن مسئله دیدار مک فارلین، آن شبکه ای بود که اموی ارتش و دولت مردان اسرائیل و امریکا در آن دست داشتند و بویژه نقش اسرائیل در آن برجسته بود و لیبی هیچکدام از اینها با بوق و کرناهی کنونی همسرا نشده اند، پس چه شده است که اینبار این دیدار و خرید تسلیحات به "خبر داغ" و سریال دنباله دار تبدیل گردیده است؟

اگر حقیقت را بخواهیم، علت اینکه چرا این دیدار و خرید تسلیحات با احکاماتی وسیع و گسترده در تبلیغات امپریالیستی روبرو گشته و چرا رژیم مزدور خمینی اینهمه سعی در لاپوتانسی و کتمان این رابطه دارد را باید درست تر شرایط موجود در دو عامل جستجو نمود:

اولاً: حدت یابی تفادهای درونی جناحهای امپریالیستی است؛ که جناحهای، این دیدار و مسائل مربوط به آنها به دستاویزی جهت حمله به جناح ریکان و در نتیجه تضعیف آنها برای بر آوردن اهداف خود تبدیل نموده اند. اهدافی که کسب مواضع کلیدی برتر و اعمال هژمونی و کنترل قدرت را فراری خود دارد. بویژه با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری در امریکا برای تضعیف جناح ریکان و رسیدن به قدرت، مبارزه و کشمکش بین آنها و تسویه حسابها و تبلیغات متنوع دامن زده میشود و از زوایای گوناگون و با منظورهای متفاوت به مسائل متنوع چنگ میاندازند و به این وسیله گوشه هایی از روابط امریکا با جمهوری اسلامی آشکار و نقش پشت پرده رو میگرد و مکانیسمهای پیچیده وابستگی تاحدی برملا میشوند. در حالیکه طرفین منظور همدیگر را از بیانات و اشارات خوب میفهمند برای ناظرین بی اطلاع این گفته های مختلف و موضوعات گوناگون چنان کنسرت پرسر و صدای بظا هر تاها تنگی جلوه گر میشود که از قرار در آن سازها ناها هنگ کوچک شده و بنا بر این سیاستهای متناقض در پیش گرفته شده است.

اگر جناحی آشکارا بر ضرورت فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی تاکید میکند، دیگری دولتی با مراحت آنرا بر علیه منافع امپریالیستی امریکا ارزیابی میکند. یکی بر نقش استراتژیک ایران و ضرورت روابط فعال امریکا با جمهوری اسلامی انگشت میگارد و دیگری هرگونه فروش سلاح به

بهردختی در ازای سلاحهای دریافتی توسط ایران بحساب فدا انقلابیون نیکار گوشت (کنترها) رقمی حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون دلار - و بانقش اسرائیل و عربستان سعودی در این جریان از آن جمله اندواز طرف دیگر جنبه هایی از سیاستها و با واقعیت موجود در روابط امپریالیستها با رژیم وابسته خمینی با مواردی غیرواقعی و کاذب برجسته میشوند و مورد انتقاد یا تأیید قرار میگیرند و بهرحال بعنوان پوششی برای تأمین منافع آنان بکار میآیند و از این زاویه موارد متنوعی را میتوان مورد بررسی قرار داد، برخی از این موارد چنین اند: آزادی گروگانهای امریکائی در لبنان، مبارزه با تروریسم و "اسلام بنیاد گرا"ی جمهوری اسلامی، تلاش برای پایان آبرومندانان جنگ و حفظ تعادل بین دو طرف با فروش تسلیحات، حفظ امنیت کشورهای خلیج فارس، آینده رژیم بعد از خمینی و تماس با عناصر مائو تهر، اهمیت استراتژیک ایران و غنشی کردن تلاشهای شوروی. همه این عناوین بیانگر برخی از نگرشها و تحلیلهایی است که سیاستمداران دولتهای امپریالیستی و با مزدوران وابسته آنها در داخل یا زبانی دیگر، در پیرامون ضرورت ارتباط امریکا با جمهوری اسلامی (دیدار مک فارلین) و نتایج آن بنابه موقعیت و منافع جناح خود، بروی آنها مکتب کرده و آنرا پایه استدلال خود قرار میدهند. نگاهی گذرا به واقعیت سیاستهای جاری و عملکرد امپریالیسم امریکا و رژیم مزدور خمینی بروشنی پوچی این استدلالها و تحلیلهای فاش خواهد ساخت. جنالی ترین موضوعی که در فاش شدن گوشه هایی از روابط پنهانی ایران و امریکا مورد بحث قرار گرفته و منبع تحریفات و تبلیغات گوناگون بلندگوها و کارشناسان امپریالیستها گشته، موضوع گروگانهای امریکائی در بیروت است که در دست سازمانهای وابسته به جمهوری اسلامی امپریالیست است. این مسئله از چند زاویه مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی بخاطر فشاریکه افکار عمومی مردم امریکا در مورد سرنوشت گروگانها به دولت مردان کشورشان وارد میاورند برای تسویه مسئله مورد استناد قرار میگرفت و از طرف دیگر به علت عربستان نمودن عدم انطباق حرف و عمل دولت امریکا و تزلزل و بی ثباتی اطمینانهای سیاسی که به دول همپیمان خود و در رابطه با "نرمش ناپذیری" در مقابل گروگانگیری داده بود به وسیله ای برای محکوم کردن مسئله تبدیل گردید و اعلام شد که در صورتیکه گروگانها با تلاش جمهوری اسلامی و زگانال او در راه با فروش سلاح به این رژیم آزاد شوند "منافع بزرگتر" امریکا به خطر میآیند. سخنران بیگم از مقامات وزارت امور خارجه امریکا این مسئله را بروشنی منکس میبازد: "دل مشغولی کاخ سفید به رهائی گروگانها ممکن است ضایع بزرگتر ایالات متحده را به خطر اندازد". اینها آن "دل مشغولی" هائی است که در رابطه با گروگان نهنه پیرامون دیدار مک فارلین با ایران رژیم ایران برای جناحهای پدیدار شده است تا آنجا که ریکان را وادار نمود که بگوید آزادی گروگانها ربطی به فروش تسلیحات و رابطه با ایران نداشته است و درادانه حمله و دفاع جناحها پیرامون دیدار گذاشت، اعترافات مهم دیگری هم بر زبان رانده شد که در واقعیت بی ربط بودن آزادی گروگانها و دیدار فوق را افکار میبازد. مثلاً همین جناح مک فارلین در مساعیه ای گفته است که ایشان در ۱۸ ماه قبل از دیدار گذاشتی اش، در لندن نیز با جمهوری اسلامی

بهردختی در ازای سلاحهای دریافتی توسط ایران بحساب فدا انقلابیون نیکار گوشت (کنترها) رقمی حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون دلار - و بانقش اسرائیل و عربستان سعودی در این جریان از آن جمله اندواز طرف دیگر جنبه هایی از سیاستها و با واقعیت موجود در روابط امپریالیستها با رژیم وابسته خمینی با مواردی غیرواقعی و کاذب برجسته میشوند و مورد انتقاد یا تأیید قرار میگیرند و بهرحال بعنوان پوششی برای تأمین منافع آنان بکار میآیند و از این زاویه موارد متنوعی را میتوان مورد بررسی قرار داد، برخی از این موارد چنین اند: آزادی گروگانهای امریکائی در لبنان، مبارزه با تروریسم و "اسلام بنیاد گرا"ی جمهوری اسلامی، تلاش برای پایان آبرومندانان جنگ و حفظ تعادل بین دو طرف با فروش تسلیحات، حفظ امنیت کشورهای خلیج فارس، آینده رژیم بعد از خمینی و تماس با عناصر مائو تهر، اهمیت استراتژیک ایران و غنشی کردن تلاشهای شوروی. همه این عناوین بیانگر برخی از نگرشها و تحلیلهایی است که سیاستمداران دولتهای امپریالیستی و با مزدوران وابسته آنها در داخل یا زبانی دیگر، در پیرامون ضرورت ارتباط امریکا با جمهوری اسلامی (دیدار مک فارلین) و نتایج آن بنابه موقعیت و منافع جناح خود، بروی آنها مکتب کرده و آنرا پایه استدلال خود قرار میدهند. نگاهی گذرا به واقعیت سیاستهای جاری و عملکرد امپریالیسم امریکا و رژیم مزدور خمینی بروشنی پوچی این استدلالها و تحلیلهای فاش خواهد ساخت. جنالی ترین موضوعی که در فاش شدن گوشه هایی از روابط پنهانی ایران و امریکا مورد بحث قرار گرفته و منبع تحریفات و تبلیغات گوناگون بلندگوها و کارشناسان امپریالیستها گشته، موضوع گروگانهای امریکائی در بیروت است که در دست سازمانهای وابسته به جمهوری اسلامی امپریالیست است. این مسئله از چند زاویه مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی بخاطر فشاریکه افکار عمومی مردم امریکا در مورد سرنوشت گروگانها به دولت مردان کشورشان وارد میاورند برای تسویه مسئله مورد استناد قرار میگرفت و از طرف دیگر به علت عربستان نمودن عدم انطباق حرف و عمل دولت امریکا و تزلزل و بی ثباتی اطمینانهای سیاسی که به دول همپیمان خود و در رابطه با "نرمش ناپذیری" در مقابل گروگانگیری داده بود به وسیله ای برای محکوم کردن مسئله تبدیل گردید و اعلام شد که در صورتیکه گروگانها با تلاش جمهوری اسلامی و زگانال او در راه با فروش سلاح به این رژیم آزاد شوند "منافع بزرگتر" امریکا به خطر میآیند. سخنران بیگم از مقامات وزارت امور خارجه امریکا این مسئله را بروشنی منکس میبازد: "دل مشغولی کاخ سفید به رهائی گروگانها ممکن است ضایع بزرگتر ایالات متحده را به خطر اندازد". اینها آن "دل مشغولی" هائی است که در رابطه با گروگان نهنه پیرامون دیدار مک فارلین با ایران رژیم ایران برای جناحهای پدیدار شده است تا آنجا که ریکان را وادار نمود که بگوید آزادی گروگانها ربطی به فروش تسلیحات و رابطه با ایران نداشته است و درادانه حمله و دفاع جناحها پیرامون دیدار گذاشت، اعترافات مهم دیگری هم بر زبان رانده شد که در واقعیت بی ربط بودن آزادی گروگانها و دیدار فوق را افکار میبازد. مثلاً همین جناح مک فارلین در مساعیه ای گفته است که ایشان در ۱۸ ماه قبل از دیدار گذاشتی اش، در لندن نیز با جمهوری اسلامی



تماس داشته و تماسهای مخفی ای نیز از ۲ سال پیش برقرار بوده است. همینقدر اعتراضات اجباری کافی است که های وهوی سران مزدور جمهوری اسلامی مبتنی بر اینکه آمریکا را وادایه فروش تسلیمات و التماس برای آزادی گروگانها کرده اند، واهی و پوچ از آب درآید. ولی مرفنظر از این گفته ها، امپریالیسم امریکانه برای سرخوشت چند ما مور و شهروند خود اهمیتی قائل است و نه برای عدم انطباق بین حرف و عملش؛ بلکه آنچه که برایش اهمیت دارد حفظ منافعیست میباشد. در نتیجه برای آزادی چند گروگان نیازی به دیدار کذاشی نبوده و احتیاجی هم به فروش تسلیمات نمیباشد. اگر چنین امری لازم آید بدون شک در اجرای سیاست ارباب جمهوری اسلامی کوتاهی نخواهد کرد. حال تسلیمات امپریالیسم آمریکا و سران مزدور جمهوری اسلامی هرچه میخواهد باشد، واقعیت اعمال آنها گویا تر از هر سخنی میباشد.

منطقه دیگری که در این نمایشنامه ایفای نقش نموده همانا ترغیب مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی و باصطلاح مبارزه با اسلام بنیادگرایان است که پیش از آن آشکار است که بتواند بیش از این موجب فریب توجه های ایران و منطقه گردد. وقتی اسلام بمثابه لافافه عقیدتی رژیم خمینی برای پیشبرد سیاستهای امپریالیستی انتخاب شده و تا حدودی هم موثر افتاده است وقتی این پوشش در خدمت منافع امپریالیستها نقش خود را ایفا میکند، و حتی در پناه سازمانها و نهضت های باصطلاح اسلامی مبارزات خود را به انحراف کشانده میشوند و در مقابل مبارزه مسلحانه برهبری کمونیستها، بلاگردان امپریالیستها میشود؛ یعنی همان نقشی که تاکنون علاوه بر میهتمان در سرکوبی جنبشهای مترقی در لبنان و فلسطین و در هیئت مجاهدین افغان، به این خوبی ایفا کرده و تا زمانیکه این "اسلام" توانائی لازم را برای به انحصار کشاندن جنبشهای خود را در جهت منافع امپریالیستها را داراست، چرا باید مورد بیمه و باصطلاح مبارزه واقع شود؟ در زمانیکه این عین سیاست است امپریالیستهاست و جمهوری اسلامی نیز مجری آن است این فریبکاری امپریالیستها و نوکران مرتجع آنهاست که چنین وانمود میسازند که گویا اسلام خمینی در تقابل با منافع سیاست امریکاست. نه تنها زمانی که این لافافه عقیدتی قابلیت سیاسی حمایت از منافع امپریالیستها را داشته و کارآتش حفظ گردد، ادعای مبارزه آمریکا با آن، دروغی نیست. همین چندی پیش بود که باصطلاح پروسه ربانی، یکی از رهبران مرتجع و وابسته مجاهدین افغان به زیارت ریگان شناخت و بخشی از کمکهای مالی و تسلیماتی آمریکا به آنان علیرغم همه ادعای جمهوری اسلامی، از همین طریق به آنها میبورد و این مسئله زیانده خاص و عام میباشد. بعلوه پوشش "اسلام انقلابی و خدا مهربالیمست" (برای آنکه بتواند رادیکال جلوه کند و جذابیت یافته و توانائی به کجراه بردن جنبشها را دارا باشد، باید در شکل نیز، رادیکال نمائی داشته باشد و چه نکلی بهتر از "مبارزه مسلحانه" که به اعتبار زمینه اجتماعی و سیاسی و پیشبردش توده ای اثر داری جذابیت لازم برای این منظور میباشد. و میتوان آن اسلام کذاشی را "رادیکال" جلوه داد. و مفید و موثر سازد و در همان حال این شکل از مبارزه را که واقفیات زندگی در مقابل

انقلابیون قرارداد داده، از محتوا تهی ساختند و مبارزه مسلحانه انقلابیون را با تروریسم ارتجاعی مخدوش سازد. از این زاویه تروریسم لازمه پیشبرد "اسلام بنیادگرای" رژیم جمهوری اسلامی است که در کلیت آن مورد حمایت و تائید امپریالیسم آمریکا نیز بوده و همچنان بمثابه حلقه ای از مجموعه سیاستهای امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه بکار میرود. بویژه در زمانیکه گروههای انقلابی در منطقه به مبارزه مسلحانه روی آورده اند، تروریسم جمهوری اسلامی جدا از مقابله با این جریان انقلابی، میتواند بوسیله قابل اطمینانی در رقابت های امپریالیستی بکار آید.

مسئله بعدی که در این جنجال تبلیغاتی مورد استناد قرار میگردد، فروش تسلیمات به جمهوری اسلامی برای ناشر گذاری روی جنگ ایران و عراق به منظور پایان "آبرویندانه" آن از طریق ایجاد موازنه و در نتیجه حفظ امنیت کشورهای خلیج فارس میباشد که آنچنان بی پایه و خنده آور است که حتی خود امپریالیستها و نیز به خنده واداشته است.

۶ سال پس از جنگ، انقدر نقش امپریالیستها و اسرائیل در این جنگ و اهداف آنها و نتایج آن عیان شده است که دیگر این باورها کسی را نمیفریبد مگر آنها نیکه بخواهند چشم بر واقعیتها ببندند. چه کسی نمیداند که امپریالیستها همواره از بیطرفی در این جنگ سخن گفته و همواره نیز سلاحها و تجهیزات آنرا فراهم نموده و از نتایج آن بهره مند گردیده اند!

جنگی که توسط امپریالیستها و با توافق رویزونیستها، با زمان یافته، جنگی که غلبه بر بخشی از بحران جهان امپریالیستی و سرکوبی جنبشهای انقلابی ایران و منطقه و اهداف فرورداده است و همواره تحت کنترل و هدایت مستقیم امپریالیستها و بویژه آمریکا، تصور آن گسوم نگه داشته شده است. حتی تاکتیکهای مترقی که در این مدت طولانی جنگ ۶ ساله از جانب دو طرف بکار گرفته شده، از تخریب شهرها گرفته تا غرق کردن نفتکشها، از تخریب پالایشگاهها و مصانع نفتی گرفته تا کشتارهای وسیع توده ها و بویژه، انسان در تبردهای گوناگون، هر کدام از زاویه ها و در ارتباط کلی با هم آنقدر گویا هستند تا نقش امپریالیستی امپریالیستها را بیجا به برافروزدگان این جنگ امپریالیستی و اهداف و منافع آن، بروشنی برملا سازد. در نتیجه نه حنای بیطرفی آمریکا در این جنگ دیگر رنگی دارد و نه رابطه خاصی با جمهوری اسلامی ایجا دکردن برای "موازنه قوا" چرا که از همان آغاز امپریالیستها این جنگ را هدایت میکردند؛ و جمهوری اسلامی تنها مجری این سیاست میباشد.

مسئله بعدی اینکه زقزاق تازه اهمیت استراتژیک ایران و خنثی کردن تلاشهای آتی شوروی بفریبکاری آمریکا افتاده است. و دولت امریکابه دلیل اهمیت این موضوع گویا برای "تجدید رابطه" با ایران مجبور به اقدام گردیده است. و البته بروکسی پوشیده نیست که استناد به این مسئله از شناخته شده ترین ترفندهای امپریالیستی است و در نتیجه پوچ ترین دلیل ارائه شده نیز میباشد. چرا که اهمیت استراتژیک ایران در رابطه با منافعیست امپریالیستها در خلیج فارس و خاور میانه و حتی قوا تر از آن همواری آن با شوروی میباشد. امپریالیستها همواره یکی از اساسی ترین موارد شکل دهی سیاستهاشان بوده و تصور قرا موش شدن

این مسئله توسط امپریالیستها حتی برای یک لحظه نیز ساده لوحی و خام اندیشی ای بیش نیست. و اما آینده رژیم جمهوری اسلامی بعد از خمینی و حتی قبل از مرگش و ضرورت تماس با عناصر صمیمانه و نیز تنها لافافه ای برای توجیه رسوائی اخیر است، چرا که امپریالیسم آمریکا مبحث مسائل ایران را دقیقاً دنبال نموده و اساساً جمهوری اسلامی را برای پیشبرد سیاستهای خود در ایران و منطقه بر همین اساس بر روی کار آورد. و البته با توجه به عمق و وسعت بحران امپریالیستی سرخن شده در کشورمان و بی آمدهای اقتصادی - اجتماعی آن، با توجه به رشد اعتراضات توده ها و جریان دانش روند انقلابی - گروه بزرگ سرکوب خویش مختنق گردیده - و روحیه مبارزه جوانان کارگران و زحمتکشان و تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق و تاثيراتش در جامعه و جنبش انقلابی خلق کورد و غیره، همیشه مسئله آینده ایران بسطی برای امپریالیستها مطرح بوده و از مهمترین دل مشغولی های آنها نیز میباشد و از آنجا که آنها نفرت و خصم توده ها نسبت به رژیم خمینی و طبعا اربابان امپریالیستی - علیرغم هیا هوی واهی فدا امپریالیستی رژیم خمینی - را بخوبی درک میکنند برای آرایش چهره خود و تظہیر نقش جنایتکارانه شان میکوشند با علم کردن ضرورت تماس با عناصر "میان رو"، اولاً واقعیت را بستگی رژیم به امپریالیسم را مخفی ساخته و این شبهه را بوجود آورند که هر میسران سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی نیز عناصر میان روشی وجود دارد و به این وسیله امکان مانورهای آینده خود را بر علیه خلقهای طاقتزایش

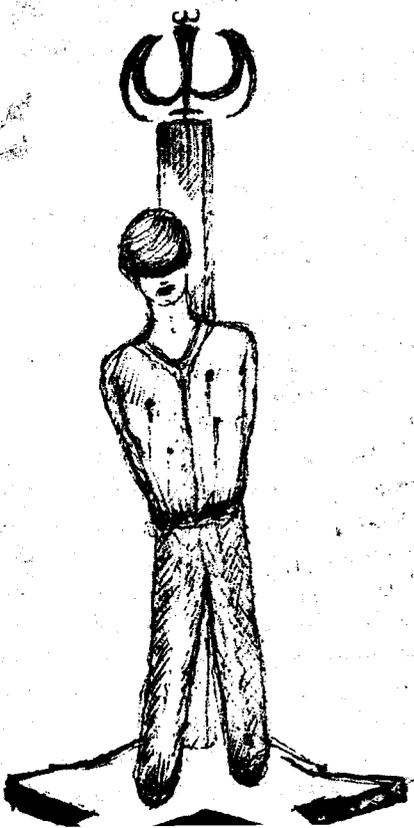
دهند.

در نتیجه جلوه دادن جنایتکارانی چون رفسنجانی بعنوان عنصر میانه رو، فریبی بیش نیست چرا که خود امریکاهم بخوبی میداند که رژیم مزدور خمینی با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته و ماهیت وابسته اش عناصر "میان رو" اش هم همچون شعارهای فدا مریکائی اش پوچ و بی اساس بوده و در نتیجه دیدار کذاشی را نمیتوان زیر این پوششها ماستمالسنی نمود. و چنین مسائلی را انگیزه دیدار و مک فالرین اعلام نمود. در ضمن از آنجا که این دیدار بنا بر رفسنجانی و موسوی و اردبیلی و خامنه ای و احمد خمینی و زیر نظر خود خمینی انجام شده است، مفهوم "میان رو" در فرهنگ امپریالیستی نیز بهتر درک میگردد. بنا بر این داخغان تماس با "میان روها" برای کتمان کل رابطه ای که سالهاست وجود دارد، جز مضحکهای بیش نبوده و نیست.

بجز حال مرفنظر از چگونگی برخورد امپریالیستها و مزدورانشان و انگیزه ها و اهدافی که خود بیان کرده اند، سؤال مهمی که مطرح میشود اینست که آیا امریکابه هم این موارد و واقعیتها تازه بی برده که بر این اساس اقدام به برقراری "رابطه" نموده است؟ آیا باید خیلی ساده لوح بود یا خیلی مغرض که به این سوال پاسخ مثبت داد. اجرای سیاست محیلاته امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا در مقابل با خیزش اوج گیرنده و انقلابی توده ها در سالهای ۵۷ - ۵۶ که در راه انقلاب و براندازی سلطه امپریالیستی کام میرزد. اکنون دیگر روشن و آشکار است. آنها بسا تقویت جریان خمینی و کوشش در پوشتادن قبای منحرف کننده "اسلام بنیادگرا" برتن جنبش کوشیدند از رادیکالیزه شدن انقلاب جلوگیری نمایند. و سرانجام نیز در کنفرانس گوادولسوپ



رژیم مزدور خمینی حتی از اونیز نمیگذرد و بیشترمانه با فرستادن نوجوانانی امثال اوبه جیبه های مرگ و نیستی تنور جنگ را گرم نگه میدارد تا امپریالیستها توانائی فاشق آمدن بر بحرانها ایشان را بازیابند . راستی چرا او باید قربانی منافسبع امپریالیستها گردد.



آنها قرار دارند. بنا براین با وجود ارتش و بوروکراسی همزاد و پرورش یافته درپروسه تسدای سلطه امپریالیستی بنشابه عمده ترین عامل بقای سلطه امپریالیستی، هرگونه رژیم بر روی کار آید جز در خدمت منافع امپریالیستها نبوده و نخواهد بود .

جهت گیریها ، عملکردها و سیاستهای جمهوری اسلامی از همان روزهای تخت تاکنون ماهیت وابسته به امپریالیسم این رژیم و هماهنگی و پیوسته تنگاتنگ آن را با سیاستهای امپریالیستی به نسبت رسانده است ، و اگر شرایط ویژه روی کار آمدن رژیم خمینی یعنی وجود بحران وسیع اقتصادی و سیاسی و مبارزه انقلابی وسیع توده ها را در مقیاس ملی بر علیه سلطه امپریالیستی و بورژوازی به شکل گیری این رژیم را در نظر آوریم ، آنگاه به ضرورت پرتان شدن لباس کاذب "استقلال" به هیكل جمهوری اسلامی و دمیدن روح "فدا امپریالیستی" در کالبد این رژیم دست نشانده که در لافانه نظری "اسلام بنیادگرا" در جهت تامین منافع امپریالیستی حرکت مینماید ، بوضوح پی خواهیم برد .

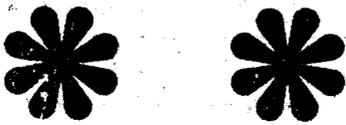
به هر صورت ، از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی این رژیم بخوبی سیاست امپریالیسم امریکا را چه در رابطه با ایران و چه در رابطه با منطقه پیش برده است و علیرغم جنبه ها و گوشه های بظاهر ناهاهنگ تبلیغاتی امریکا و جمهوری اسلامی ، هر دو یک خط واحد را دنبال کرده و یک آهنگ را سباز کرده اند و آن اینکه : رژیم جمهوری اسلامی مستقل است ، فدا امپریالیست است ، دشمن امریکا است و بنا بر این رژیم امریکا رابطه ندارد و الخ . و این خط هم اکنون نیز در جریان رسوائی فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و سفر مک فارلین بازم بارها مورد تاکید قرار گرفته است . و حتی مک فارلین به همه دست اندرکاران امریکا در رابطه با ژورناله خورده این خط به این طریق هشدار میدهد که : "من فکر میکنم یک نکته مهمی که در تمامی پیامی که میرسد نهفته باشد و آن اینکه وقتی بریک چنین معادلاتی باز میشود برای تمام گمانیکه دست اندرکار آن هستند موقمیت بسیار آسیب پذیری بوجود میآورد " و با در این گفته یک مقام پیشین وزارت امور خارجه امریکا که گفته است : "اگر اقدامات بعمل آمده سیاستی را که حافظ منافع امریکا در منطقه است ، قربانی کند ، آنگاه این داوری و قضاوت مورد تردید قرار خواهد گرفت " بوضوح شقام خود را نشان میدهد .

بنا براین علیرغم همه فریبکاریها و تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی و دستکاهای تبلیغاتی دول امپریالیستی و در تمامی دوران حیات جمهوری اسلامی ، امپریالیسم امریکا نه چون "شیطان بزرگ" بلکه بمنشابه فرشته رحمت همواره به کمک جمهوری اسلامی شفاخته است و تا زمانیکه منافعی ایجاب کند بازم به حمایت از رژیم وابسته اش ادا خواهد داد .

تصمیم گرفتند که برای مقابله با مبارزات میلیتونی توده ها، بهره سوسپرده ای مثل شاه و نظام شاهنشاهی را فدا کرده و بهره ای دیگر را روی کار آورند . بنا براین با اتخاذ تاکتیک عقب نشینی و اعلام "همبستگی" ارتش و بوروکراسی با بهره های جدید و استقرار جمهوری اسلامی زمینه را برای تسمیض و خشیا نه به انقلاب آماده ساختند . ما این عقابیق و واقعیت وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها ، حقیقت دشمن ظاهری دارودسته خمینی با امپریالیستها و پیشبرد عملی سیاست آنها ، حقیقت شکارهای واهی "فدا امپریالیستی" خمینی و رابطه مزدوری ایشان با امپریالیستها ، یعنی حقیقت وجود روابط و مکاتیبهای پیچیده نواستعماری و فریبکاری تحریم اقتصادی و تسلیحاتی و غیره را با زها و بارها تحلیل و توضیح داده و افشاء کرده ایم . و بر این موضع پای فشرده ایم که نباید فریب صیله گیریهای سیاستهای نواستعماری را خورد و اکنون که به دلیل شدت بایستی تضادهای جناحهای امپریالیستی گوشه ها ش از عقابیق فاش شده است چیزی جز درستی مواضع و تحلیلهای ما را نشان نمیدهد .

همه توجیحات امپریالیسم امریکا و مزدوران جمهوری اسلامی اتفاقا برای لاپوشانی کردن همین مسئله اناسی ، یعنی رابطه وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستهاست ، که بوسیله چریکهای فدائیی خلق ایران اثبات گشته ، ما در سال ۵۸ بر اساس تئوری راهنمای انقلاب ایران ، یعنی تئوری مبارزه مسلحانه که میگوید : " در حقیقت تبیین هرگونه تغییر و تحولی در جامعه بدون آنکه به تضاد اصلی نظام موجود ، یعنی تضاد بین خلق و سلطه امپریالیستی ، توجه شود ، تبدیل به یک چیز بوج و مهمل میگردد ، و مسئله سلطه امپریالیسم را باید بطور ارگانیک و بمنشابه زمینه هرگونه تحلیل و تبیین در نظر گرفت نه چون یک عامل خارجی که بهرحال نقشی دارد " [مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم ، تاکتیک صفحه ۵۵] و بر اساس تحلیل مشخص از فرایط مشخص جامعه در آن زمان وابستگی این رژیم به امپریالیستها را روشن ساخته بودیم و آن را بمنشابه موضع و نظریه پرولتاریای آگاه ایران با طبقه کارگر و دیگر توده های تحت ستم در میان گذاشتیم . البته این تحلیل و تبلیغ و ترویج بر اساس آن ، یعنی وابستگی رژیم خمینی ، ریشخندها و افاضات همه اپورتونیستهای رنگارنگ و تحلیل گران قلبی را باعث گشت و اکنون نیز با اینکه سیر رویدادها و همه واقعات بردرستی این تحلیل تاکید گذاشته است ، اما اپورتونیستها و درستان ندادن خلق بازم به باوه پراکنی خود مبتنی بر "استقلال" رژیم مزدور خمینی ادامه میدهند و به این وسیله ضمن همدا شدن با تبلیغات امپریالیستی ، خاک به چشم توده ها میپاشند .

از آنجا که بدون درک و توضیح ماهیت قدرت حاکمه از شرکت آگاهانه در انقلاب نمیتوان سخن گفت اکنون نیز تکرار میکنیم که با وجود تحت سلطه بودن جامعه ایران ، سلطه امپریالیستی در هر شکل و شمایل که ظاهر گردد ، تغییر بر دو وابستگی نظام موجود به نظام جهانی امپریالیستی ، بمنشابه جزئی ارگانیک از سیستم جهانی امپریالیسم ندادن و نظام موجود و رژیمهای وابسته ای همچون جمهوری اسلامی با هزاران رشته و رابطه مرئی و نامرئی به امپریالیستها وابسته بوده و تحت هدایت و کنترل



لایحه بیمه بیکاری

از صفحه ۳

باز خریدها به مخالفت پرغاسته‌اند و به اشکال مختلف می‌خواهند جلوی این امر را بگیرند بهتر میتوان به یکی دیگر از انگیزه‌های تهیه این لایحه پی برد.

سرحدی زاده مزدور و قبحانه اعلام کرده است که تنها "حدود ۱۵۰ هزار کارگر" صنعتی اخلراج خواهند شد و از آنجا که باز خرید این عده به مبلغ قابل توجهی پول نیاز دارد و ورود چنین میلیونی به بازار از نظر مزدوران رژیم به نفع موجود دان می‌رود. ماهیت تبلیغات رژیم در مورد لایحه بیمه بیکاری روشن تر می‌گردد. مهتدی زرگر مشغول آمار و برنامہ ریزی جهاد سازندگی در این زمینه در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ آذر می‌گوید: "یکی از مباحثی که بعنوان اشکال مادر مبحث باز خرید و در سایر مباحث داشتیم این بوده که استدلال و استنباط ما این است که بدون توجه به برنامه‌های اساسی که بایست تهیه یک حرکت و جهش باشد بدون توجه به اینها سیاست‌گذاری و عمل شده است. پول کلانی در اختیار کارگران باز خرید شده قرار داده اند در حالیکه مثلا اینقدر که بین میدانیم یک میلیونارد و بیست میلیون تومان صرف باز خرید کارگران در شرکت ایوان خودرو شده که ۶۰۰۰ نیرو باز خرید بشود" یا مزدوری بنام علیرضا محبوب عضو شورای مرکزی با صلاح خانه کارگر در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۰ آفریاء می‌گوید: "در همین صنعت کوتاه کارخانه‌هایی که کارگزارانش باز خرید شده‌اند اثرات خیلی بدی داشته و هرگونه فشاری به این بخش تورم را بالاتر خواهد برد" و پیوسته سرحدی زاده وزیر کار در اطلاعات ۲۸ آبان اعلام کرده: "ما باین نحو باز خرید کردن موافقتی نداریم مشغول این واحدها از نرس عواقب مسئله آمدند و چنین پیشنهادی را مطرح کردند".

در نتیجه در شرایطی که بورژوازی وابسته خود را برای اخراج حداقل ۱۵۰ هزار کارگر صنعتی دیگر آماده می‌دارد. دستگاه دولتی نیز مواد قانونی لازم را در جهت مینافع او در فشار هر چه بیشتر بر طبقه کارگر تهیه نموده تا چنین "پول کلانی" در اختیار کارگران باز خرید شده قرار بگیرد و بقول عنصیر معلوم الحالی بنام محبوب با عت تشدید تورم و گران شدن تورم و گران شدنی که نتیجه منطقی بخیران نظام سرما پداری وابسته میباشد و وجود از عوامل فقرو فلاکت طبقه کارگر است حال به وسیله مزدوران رژیم به معانای برای توضیح طبقه طبقه کارگر تبدیل گردیده است.

بنابراین باینکه "بیمه بیکاری" یکی از حقوق طبیعی و بدیهی طبقه کارگر است اما همین "خواست" در دست رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به ابزار برای تشدید استثمار طبقه کارگر و به وسیله‌ای برای مآذورهای طبقه حاکمه در رابطه با اجزای وسیع کارگری و اعتراضات کارگران بر علیه این اجزای بدل گشته اگر قرار باشد کارفرما بخریدها میلیون تومان حق طبیعی کارگران در رابطه با باز خرید کارگران اخراجی و احوال زیر پوشش این لایحه به ۶ ماهی حقوق بخور و ضمیر براساس حداقل دستمزد

تبدیل نماید که همیشه این خوشبینانه ترین حالت اجرای این لایحه است چرا که در عمل و در پیچ و خم بوروکراسی منوط موجود احتمالا ۶ ماه کارگر بایست بدود تا ثابت کند که "بیمه بیکاری" بیا و تعلق می‌گیرد و آنکه هم میتوان براساس یک ضمیمه بیا یک "تفسیر اسلامی" زمان استفاده از این حق را منتفی شده اعلام کرد. آنکه بهترین میتوان بیا ماهیت بیکاری لایحه فوق بی برد. بنا بر این تحت رژیم فدکاری جمهوری اسلامی و بوروکراسی منطقی لایحه‌ای چنین بی محتوا که کارگر بایست ۲۴ و سرمایه دار ۲٪ حق بیمه بپردازند در عمل بیا چیزی بوج تر وی محتوا تر نیز تبدیل می‌گردد.

در شرایط کنونی اگر طبقه حاکمه و رژیم ددمنش این واقعا بخواهند طبقه کارگر اقدام کنند - فرض بحال - باید قبل از هر چیز با کم کردن ساعات کار و سطح اشتغال را بالا برده و با خواباندن ضلع‌های جنگ ویرانگر کنونی بودجه لازم را برای بیمه بیکاری مهیا ساخته و سطح اشتغال را فروسی بخشند. امری که در نهایت رژیم وابسته بیا امپریالیسم جمهوری اسلامی نبوده و نیست.

در رابطه با کم کردن ساعات کار که بدون شک یکی از راه‌های جلوگیری از اخراج‌های وسیع کارگری است بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ آذر چنین می‌گوید: "نکته دیگر در مورد کم کردن ساعات کار بود. واقعا در بخش‌هایی که اشتغال وجود دارد کم کردن ساعات کار درست نیست. تزکی که ساعت کار را بطور قانونی بایشین بیاوریم این چیز خطرناکی بود که در شرایط بعد از انقلاب تبدیل نفوذ و جوسازیهای گروه‌های فدا انقلاب و گروه‌های چپ و منافق دروا حدهای تولیدی ما هم تسلیم شویم و قبول کردیم ساعت کار را پائین بیاوریم که این بزرگترین فربه راه اقتصاد یک مملکت در حال رشد و مملکتی که در دوران سازندگی بعد از انقلاب را میخواهد طی کند وارد میکند". و با

علیرضا محبوب در همان روزنامه بتاريخ ۱۰ آذر می‌گوید: "اول انقلاب ما ۲۸ ساعت کار داشتیم. بیکار کار راه ۲۴ ساعت تقلیل دادیم و این به بتفصیح

بنابراین خود دست اندرکاران فدخلقی رژیم نیز بخوبی میدانند که اگر ساعت کار را تقلیل دهند، مکانات و سیستمی برای اشتغال بوجود آمده و دود اخراج‌های وسیع کارگری کمتر می‌گردد. رای از آنجا که وظیفه آنها حفظ و "صیانت" سرمایه وابسته است حتی فکر این مسئله نیز آنها را بیا وحشت می‌اندازد و به همین دلیل هم طبقه کارگر مبارزما باید مشابه تقلیل ساعات کار را به یکی از مطالبات اقتصادی خود بویژه در شرایط کنونی تبدیل کرده و حول این خواست مبارزات خود را ارتقا و گسترش دهد.

در صورت رژیم فدکاری جمهوری اسلامی زهرپوش "بیمه بیکاری" که جزئی بدیهی از خواستهای طبقه کارگر است تشدید دارد پرورش ذهنی به حداقل دستمزد کارگران برده و پیش از این آنها را سرکسده نماید. و ابزار قانونی جدیدی در دست بورژوازی وابسته برای پیشبرد سیاستهای فدکاری و گرویش قرار دهد. و از آنجا که تعداد زیادی از کارکنان کارگاهها و واحدهای تولیدی بطور کلی بیمه نشده‌اند و کارفرما با توجه به شرایط جامعه و بویژه وجود ارزش نظام بیکاران از بیمه کردن کارگران بوداری سرورز و از آنجا که در حدود لایحه بخش بزرگی از طبقه کارگر در نظر گرفته نشده است و تنها درصد کوچکی از طبقه کارگران را مشمول لایحه فوق قرار داده اند این لایحه به تنها هیچ دردی از دودهای کارگران را دور نکرده بلکه بیا بدشوره که ۲٪ حق بیمه بیکاری از کارگران به جنب دولت سرما پداریان و از ریز گردد و از طرف دیگر از نظر قانونی راه فراری برای باز خرید کردن کارگران بوجود آید تا سرمایه داران حرکتی که خواستند با تسخیر و تغییر مواد این لایحه، مار خود را زده و کارگران را در فقر و تشنگی و بدون پذیرش مسئولیت تا مین حداقل مآذ آنها

در صفحه ۱۲

با هم مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدایی"

بزای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به تنه ما و به همه هواداراناش متکلی باشد.

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با

از صفحه ۳۰

اگر طی این مدت طولانی خلق کرد دو مقابله با استکربهای جمهوری اسلامی برای کسب حق تعیین سرنوشت خود و تحقق خودمختاری اطلعه بدست گرفته و میبایست که در همین مدت جمهوری اسلامی نیز به هر وسیله ای برای سرکوب مبارزات خلق کرد و استقرار کامل سلطه خود در کردستان متوسل شده است .

خمینی مزدور که حاضر نشد در مقابل شاه بقول خودش دستور جهاد داده در مقابل مبارزات برحق توده های ستمدیده کردستان در دادن دستور جهاد لحظه ای هم درنگ نکرد و گویند با تکیه بر احساسات مذهبی مردم برای سرکوب خلق کرد نیرو بسیج نماید . اما خلق کرد نیز در این سالهای متمادی مبارزه و مقاومت پاسخ دندان شکنی به جهاد خمینی و شباهت گویای ارتجاعی اش داده و بارها پیروزه این وابستگان زنجیری را با مبارزه مسلحانه خود به خاک مالیده است .

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پس از مالکیت سرکوب و استقرار بیش از ده هزار پایگاه نظامی در کردستان و تمرکز بخش وسیعی از نیروهای سرکوبگرش در این منطقه از آنجا که جنبش خلق کرد مسرود حمایت وسیع توده ها است ، هنوز هم نتوانسته است طبرعم ضرباتی که به جنبش وارد ساخته به اهداف نهایی خود دست یابد و سلطه مورد نظرش را در کردستان اعمال نماید . بنا بر این به هر وسیله ای برای جدائی انداختن مابین پیشمرگان و توده ها متوسل میشود تا با ملاحظ خود با بیزوله کردن پیشمرگیان خلق کرد توانائی معاویه و سرکوب آنها را کسب نماید .

اگر فاجای قارنا و ایندرفاش ها و اعدام وحشیانه ۵۹ نفر در مهاباد و دهها جنایت ضد خلقی دیگر در سراسر کردستان به اعتبار مبارزه مسلحانه پیشمرگان خلق کرد نتوانست آن فضای رعب و وحشت مورد نظر رژیم را بوجود آورد اگر بمباران و آتش زدن روستا ها و آواره کردن توده ها هیچ کدام نتوانست در موج حمایت توده ای از مبارزه مسلحانه در کردستان خللی وارد سازد حالا رژیم مزدور خمینی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه اش در جهت تسلیم اجباری توده ها به تکیه بر تهدید متوسل گشته است . جمهوری اسلامی به هر وسیله ای برای بسیج و تسلیح توده ها در کردستان متوسل شده اما با مقاومت قهرمانانه آنها مواجه گشته و شکست خورده است حالا میکوشد نگهبانی روستاها و بعضا شهرهای کردستان را برعهده خود مردم قرار دهد تا مردم را در مقابل پیشمرگان خلق کرد این فرزندان دلیر خلق قرار داده و از تحریک پیشمرگان جلوگیری نماید .

دشمن مزدور در آشوب و دیواندوره مردم را تحت فشار قرار داده تا اطلعه رژیم را برداشته و شبها از پایگاه های نیروهای سرکوبگرش حفاظت نمایند و با در روستا های پایه و سقر و سنجج بسا تهدید روستا ثبات به فرستادنشان به جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق و مقاطع کوبنیهای آنها کوشیده است و روستا ثبات را به نگهبانی شبانه از پایگاه های رژیم واگذار کرده .

این کوششها گرچه بیانگر شکست تلاشهای مذبحخانه جمهوری اسلامی در تسلیح توده ها است ولی در همان حال شگرد ریاکارانه ای است که اگر توده ها به آن تمکین نمایند زمین را برای بورژوازی بعدی آماده میسازد . همانگونه که در روستاهای نگهبانی شبانه را به نگهبانی روزانه نیز تبدیل نموده اند .

توده های ستمدیده کردستان !

همانگونه که تاکنون با مبارزات و با مقاومت های خونین خود سیاستهای گوناگون رژیم ضد خلقی را نقش بر آب ساخته اید ، حال نیز وظیفه دارید با تمام توان بر علیه سیاست ارتجاعی نگهبانی اجباری بنیاد خمینی و با فشرده کردن صفوف خود و مقابله با این سیاست از تحقق این ترفند جدید جمهوری اسلامی جلوگیری نمائید .

تجربیات مبارزات شما توده ها در کردستان به عینه ثابت کرده است که هر کجا متحد با خاسته و با صفوف فشرده بر علیه رژیم مقاومت نموده اید دشمن را مجبور به عقب نشینی ساخته اید : در شرایطی که قدرت آتش پیشمرگان خلق کرد حامی شماست و وظیفه دارید که برای هراست از جنبش عادلانه خود و با خاطر پشتیبانی هر چه گسترده تر از مبارزه مسلحانه پیشمرگان خلق کرد اینبار هم بسا مبارزه و مقاومت انقلابی سیاست نگهبانی اجباری را با شکست مواجه ساخته و پیروزه این سگان زنجیری را به خاک مالید . جمهوری اسلامی میکوشد تا تهدید به اعزام اجباری به جبهه های جنگ و با تهدید به قطع کوبنیهای تهیه ارزاق مورد نیازتان شما را به برداشتن اطلعه خیانت مجبور سازد . ولی اگر خلق کرد از قطع کوبن و محاصره اقتصادی و همه آئی داشت طی سالهای طولانی همه این سختی ها را برای پیروزی جنبش خود تحمل نمیکرد . و با جان و دل به حمایت از مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم بسا نشی غاست .

بنا بر این با آگاهی کامل به حیلها و وسیله های رژیم در مقابل نگهبانی اجباری مقاومت کنید تا مبارزه خونین تان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش برای تحقق حق تعیین سرنوشت ، این حق مسلم و تردید ناپذیر خلقها هر چه گسترده تر پیش رود . بدون شک پیروزی از آن خلقهاست و جمهوری اسلامی این بار نیز در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش در کردستان با شکست مواجه خواهد گشت .

چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

۶۵/۱۰/۲۲

مرگ پیروزیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !
زنده باد خلق روزنده کرده برای آزادی میبندگند !
پیروز باد مبارزات خلق کرد بر علیه سیاست ارتجاعی
نگهبانی اجباری !

از صفحه ۱۱

را رها سازند . و از آنجا که در شرایط ورتکستکی اقتصادی جمهوری اسلامی ، رژیم به هر وسیله ای برای اعطای از کارگران متوسل میشود و حتی در بودجه سال ۶۶ خود در رابطه با بازشتگی کارگران و کارمندان تاکید را بر "باز خرید" قرار داده است تا بیشتر مانع با دادن حداقل پولی به کارگران و کارمندان باز زبر بار حقوق بازشتگی شان به خالی نماید . "کلیه بیمه بیکاری نیز کوشی ارتجاعی از سوی جمهوری اسلامی در همین راستا باید تلقی گردد .

همانگونه که یکی از دست اندرکاران بیمه بیکاری گفته است : "اصل حاکم در زمینه پرداخت بیمه بیکاری این است که درصد قلیلی از مزد گروه کثیری از کارگران تا غل بمنوان حق بیمه بیکاری اخذ شده و درصدی بین ۲۰ الی ۱۰۰٪ مزد به گروه اندکی از کارگران بیکار پرداخت میشود . " (کتابان ۲۶ آنان) بنا بر این وزارت کار بورژوازی وابسته میکوشد با جمع آوری همین ۲۰٪ های "قلیل" از گروه کثیری از کارگران" بودجه لازم این لایحه را تامین نماید ، در حالیکه وظیفه بورژوازی وابسته دولت حامی اوست که در شرایط بحرانی کنونی و در شرایط اخراجهای وسیع کارگری ، زندگی کارگران بیکار شده را تامین نمایند .

در نتیجه کارگران مبارز ما باید خواهان "بیمه بیکاری" بر اساس بودجه ای که از سوی کارفرمایان و دولت تامین میگردد ، شده و "بیمه بیکاری" را برای کل بیکاران و کل طبقه کارگر خواستار شوند و اجازه ندهند بورژوازی وابسته در صفوف آنها تفرقه اندازی کرده و به چا اول هر چه بیشتر آنها بپردازد .

از آنجا که "حق کار" و انتخاب کار دلخواه ، حق طبیعی هر کارگری است و هر کارگری حق دارد که در شرایط بحران اقتصادی که برخلاف اراده اش بسا وسیله کارفرما اخراج میگردد ، از تامین اجتماعی برخوردار باشد . پس طبقه کارگر باید بر علیه اخراجهای وحشیانه طبقه حاکمه مبارزات خود را شدت بخشیده و در همان حال در جهت کسب "بیمه بیکاری" برای تمامی کارگران بیکار جامعه که به هر دلیلی بیکار شده اند ، مبارزه نمایند و از دولت خواهان مقرری ماهانه ای برای تامین حداقل ما محتاج کارگر بیکار و خانواده اش گردد .

مبارزات طبقه کارگر در حالیکه بر علیه تضیقات گوناگون طبقه کارگر و اخراجهای دسته جمعی کارگران و کسب بیمه بیکاری واقعی باید ادامه یابد در همان حال طبقه کارگر باید بداند که تا سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن بر کشور حاکم است ، تحت دیکتاتور و سبیا و شدیدا قهرآمیز رژیم مزدور جمهوری اسلامی هیچ حقیقی از تعدی قدرت دولتی منون نبوده و برای تثبیت حقوق واقعی خود باید در جهت سرنگونی رژیم موجود و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر به رزم خونین خود تداوم بخشد .

پیروزی باد رزم دلاورانه طبقه کارگر بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش !

کربلای ۵ جنایت ۵۰۰۰۰۰

از صفحه ۲۰

برکات این جنگ یعنی سودناشی از فروش و تانک میهن
سلاحهای مرکب و آنرا حد البته با تیربارانهای
طلح خواهی و با ملاحظ بیطرفی و به کینه خویش
سرازمیر میکنند و بدون شک در این سیاست ارتجاعی
از همیاری و ریزبویستیها و دول با ملاحظ سوسیالیستی
نیز، برخوردارند .

از سوی دیگر اما ، مواد اولیه و هیئتم لازم
برای گرم نگهداشتن تنور این جنگ جهانی نیز تمام
از توده های مستعبد و کارگران و زحمتکشان دو
کشور تا مین میگردد . سوی هزاران هزار تن از
نیروهای جوان و فعال ، همانطور که توده های
ما شا هنده حتی کودکان خردسال و پیر مردان نیز از
آتش این جنگ در امان نمانده و به بیره مانده ترین
و کثیف ترین شیوه ها مبتنا به بی ارزش ترین وسیله
دورخش خشنی سازی میدانهای مین گذاری شده و پانز
موز کاتالها و خندقها و موادبهای برق کشی
شده با بدنهای تکه تکه شده قربانی میگردد .

و البته این جنگ ویرانگر تنها به جبهه های
مرگ و نیستی اش خلاصه نشده و در بسیاری از
مناطق مکتونی و شهرهای بی دفاع نیز قربانیان خود
را با ز میباید . در هیچ شهرها و دوزیربیمبارانها
و موشکهای مهلک و مرکب ار امپریالیستها یعنی همان
سلاحهایی که تحت عنوان سلاحهای دفاعی بمیدانهای
این جنگ ویرانگر برآزم میگردد ، خانه های
توده ها بر سرشان ویران گشته و صحنه های دلخراشی
از جنایات ، بنمایش گذاشته میشود . و به این ترتیب
از برکت سواخوندهای جنایتکار و اربابان
امپریالیستان کمتر خانواده ای را میتوان دید که
از "برکات" این جنگ ویرانگر بی نصیب مانده باشد .
بله کربلای ۵ نیز تنها برده کوچکی از این
تراژدی امپریالیستی و یکی از دستاوردهای
جنایتکارانه جمهوری اسلامی برای توده های محروم
ایران بود . همان بنمایش سالهای که آخوندهای
دست نشانده حاکم بر ایران به رهبری خمینی مزدور
دست در دست آمریکا و اسرائیل و انگلستان و سایر
دول جنایتکار به ایفای نقش در آن مشغولند و هر
بار با وجود آوردن و انفجرها و کربلاها و غیره به
فریب توگردن پیکر این جانباں و سرمایه داران
زالو مفت پرداخته و روز به روز مرگ و فقیرو
خانه خرابی بیشتری را برای با ملاحظ امت مسلمان
یعنی همان کارگران و دهقانان و زحمتکشان مستعبد
ما به ارمغان میآورند .

البته سردمداران ضد خلقی جمهوری اسلامی
نوی بر آوردن اهداف کلی اربابان نشان در
چا رچوب این جنگ امپریالیستی از کربلای ۵ مقاصد
و اهداف دیگری را نیز دنبال میکنند . آخوندهای
و قبح درحالی که به همراه بران ضد خلقی ارتش و
سپاه پاسداران نشان دو کربلای ۲ حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار
تن از جوانان را بدون هیچ دغدغه خاطر در جبهه
جنوبی جنگ قربانی کرده بودند و در حالیکه
بیشتر مانه این کشتار وسیع را عملیاتی کوچک و
بی اهمیت توصیف میکنند ، برای لپوشانی آن
شکست سهمگین و مستور نگهداشتنی اجداد فاجعه بار آن
از چشمان توده ها و برای آنکه کند جنایاتشان در
با ملاحظ عملیات محدود کربلای ۴ پیش از پیش
در دنیا بد، سریم در بوقهای تبلیغاتی دمیده بر

طلیهای جنگ کوبیده و با سازماندهی جنایت کربلای ۵
کوشیدند تا افکار عمومی و انزجار و نفرت همگانی داشت که
توده ها را که هنوز اشک از دست دادن فرزندان توجه به
و عزیزان شان از سورت های شان خشک شده بود به تبلیغات
برای برگزاری کشتار با ربهیتری داده و از این
رفسجانی ها و واغنه های ها و سهرابی ها و زاویه این
محسن رضائی ها و سایر آدمکشان حرفهای و مسردور
حکومت در حالیکه هنوز خون دهها هزار انسان
سلاخی شده در کربلای ۴ از چنگالهای شان میچکد ،
سریعا به سازماندهی کربلای ۵ پرداخته و در راه
و تلویزیون و در میان دلپره و وحشت توده ها مارشهای
مرگ را بعدا در آورده و از با ملاحظ پیروزمندی
حمله اخیر داد سخن دادند و در تمامی این
تبلیغات تنها یک واقعیت در صحنه های هیستریک و
جنگ طلبانه شان وجود داشت که آنهم پیروزی شان در
به کشت دادن هزاران انسان بیگناه دیگر در
کربلای ۵ بود .

گذشته از اینها با نزدیک شدن مقدمات تشکیل
"کنفرانس سران اسلامی" در کویت رژیم سازماندهی
هجوم کربلای ۵ کوشید تا به ادعاهایش مبنی بر نیان
بودن کویت برای تشکیل کنفرانس واقعیت بخشد .
سردمداران ضد خلقی رژیم که کوسر سواششان
در پیشبرد جنگ ضد خلقی در نزد افکار عمومی
بعدا در آمده است از وحشت آنکه حتی در این با ملاحظ
کنفرانس سران اسلامی که قرار است در کویت تشکیل
گردد از جانب مرتجع ترین دولتهای دست نشانده
منطقه نیز با دستاویزی اعتنائی به طلح و
جنگ ظلمی محکوم شوند ، علیرغم ادعای برجسرداری
نهضت جهانی اسلام به بهانه محل برگزاری کنفرانس
اسلامی یعنی کویت این کنفرانس را تحریم کرده
بودند و اعلام نموده بودند که کویت محل امنی برای
برگزاری این کنفرانس نمیشد . البته روشن است
که دولتهای مرتجعی که در طول ۶ سال جنگ
امپریالیستی ایران و عراق در اجرای اوامیر
امپریالیستها و بعنوان آتشبار محرکه در این
جنایت و تداوم آن نقش بسزایی داشته و در بسیاری
از نتایج جنگ ذینفع بوده و هستند ، طلح خواهی شان
از چه قماش است ؟ اما همان دستاویز جانسرداری

اما به هر حال جرف نظر از اینکه این
دولتها از عراق پشتیبانی میکنند یا نه و صرف نظر
از اینکه در با ملاحظ کنفرانس شان با هر طلح خواهی
رژیم ضد خلقی ایران را بر روی کاغذ مثلا محکوم
کنند یا نه ، آنچه که روشن است همانا ضرورت
تداوم ما موریت ضد خلقی این رژیم بعنوان یکطرف
درگیر ، در پیشبرد جنگ امپریالیستی ایران و عراق
از جانب اربابان شان میباشد . و بی تردید اجرای
چنین ما موریت کثیف و ضد خلقی ای محتاج غارت هر
چه بیشتر آنان و ریختن خون جوانان در و انفجرها
و فتحها و کربلاهای بنیشار دیگری است تا توجه به
تمامی این واقعات و جدا از تشکیل کنفرانسها و
مدور با ملاحظ قطعنامه های بی ارزشها نظور که ما
بارها گفته ایم تنها یک نیرو قادر به برانداختن و
نا بودی این جنگ نفرت بار و کارگردانان و مجریانش
میشد و آن نیرو، جز توده متحد و بها خاسته ای
نیست که با شعله ورتوگردن هر چه بیشتر جنگ عادلانه
خود بر علیه جنگ ارتجاعی کنونی ، امپریالیستها و
سکهای زنجیرش را به زباله دان تاریخ خواهند ریخت .

ما بار دیگر تمامی سربازان و جوانان و
کسانی را که نمی خواهند قربانی منافس
امپریالیستها گردند ، به پیوستن به صفوف جنگ
داخلی جاری بر علیه امپریالیسم و نوکرانش دویون
فرا میخوانیم تا با فشرده ساختن و گسترده ساختن
مقاومت پیروزی محکوم خلق را مهیا سازند .

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !
مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق !



۱۷ دیماه سالروز شهادت جهان پهلوان تختی
سمبل ورزشکاران مبارز کشورمان گرامی باد !

وقتی راه کارگر هم پرچمدار "سنت فدائی" میگردد؟

ولی این دودیکتاتوری ما همتا یکی هستند و آن این که هر دو اینها دیکتاتوری بورژوازی وابسته به امپریالیسم را اعمال میکرده و میکنند.

همین عدم درک درست از نقش امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در ایران است که زمانی رفیق جزئی را وامیدارد تا تز "دیکتاتوری فردی شاه" را بمان بکشد و زمانی نیز غاصبین خام سازمان فدائی - ام از اکثریت و اقلیت - راه خواستن آزادیهای دمکراتیک زیر سلطه دیکتاتوری امپریالیستی و برکناری "بورژوازی بسوزرگا" از حاکمیت رهنمون کرد. مبارزه در همین حد یعنی کلنجار رفتن با روبنای بدون مبارزه برای نابودی زیربنای نظام موجود و مشغول شدن به "دیکتاتوری البته انحرافات و کج رویهای خود را دارا است؛ از قبیل پوپولیسم و ناسیونالیسم و فرمسیسم و اپورتونیسم و غیره و غیره. ولی تئوری چریکهای فدائی خلق از همان ابتدای تشکیل سازمان و چه اکنون، خود راه روبناها مشغول نگردد، است گرچه مبارزه با این روبناها و نهادهای گوناگون آن خود جزئی از یک مبارزه همه جانبه تر برای نابودی سلطه امپریالیسم و گذر به سوسیالیسم میباشد. مبارزه چریک فدائی خواهان یک انقلاب اجتماعی ناموتنام است. مبارزه ای برای سرنگونی حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری پرولتاریا. اساس واقعی نازش ناپذیری فدائی در این امر نهفته است یعنی در واقعیت سازش ناپذیری طبقه کارگر به اعتبار نقضش در شبکه روابط اجتماعی موجود. مبارزه ای تا پای جان برای برافکندن نظم اجتماعی کهن و برقراری نظم اجتماعی نوین. نه صرفا مبارزه با دیکتاتوری بهر قیمت که میتوان آن را بسته به شرایط و منافع؛ آنچنان تمهیر کرد که پس مبارزه میکنیم برای آنکه آنقدر به حاکمیت فشار بیاوریم تا دیکتاتوری را به دمکراسی تبدیل نمائیم. و درست به همین دلیل است که راه کارگر حق ندارد جانبان چکه لیس اکثریتی و با اقلیت - در رهش - را سنت دار فدائی بنامد و به این ترتیب سنتهای ارزشمند فدائی را با یمال نموده و از محتوا تهی سازد.

مگر همین مجاهدین م - ل که بخشی از آنها سازمان بیکار و بنیان نهادند خود را مخالفین دواخته خراب نموده و جنبه ملی و فرمسیسم و اپورتونیسم و "منی چریکی جدا از توده" تمیذانتند. و در همان حال عبود و بیکبرترین میارزین با دیکتاتوری تلقی نمینمودند پس راستی چرا آنها راه بسته لیست راه کارگر نباید اعانه کرد.

اگر سنت فدائی صرفا "مبارزه با دیکتاتوری بهر قیمت" باشد پس آن توده های میلیونی و آن کارگرانی که با شعار مرکز پرغاه بمیدان مبارز ما "دیکتاتوری" کام گذاشتند و نظام موجود را به لوزه درآوردند، سینه های خود را سپر کلونه های دیکتاتور نمودند نیز سنت دار فدائی بودند. (۲) و اگر راه کارگر این واقیعت را بپذیرد که سنت فدائی در حرکت توده های میلیونی موثر بوده و این توده ها با تا شیر گیری از پشاهان مبلغ خود بر علیه دیکتاتوری جنگیده پس نتیجه "نفی دیالکتیکی مبارزه چریکی جدا از توده" که راه کارگر سنگ آتزا به سینه میزند چه میشود؟ آیا آنگاه علت وجودی راه کارگر زیر سوال نمیرود؟ راه کارگری که با "رده نویسی" بر علیه خط منی پشاهان مبلغ فدائی و کوبیدن میخ تابوت منی چریکی اسلام موجودیت کرد آیا بازم میتواند زیر پرچم فرمسیسم، زیر پرچم انحرافی ترین ایده ها به سنت فدائی بنامد. اگر راه کارگر به نتایج سخنان خود میناهد نشید، میفهمید که در این صورت باید نقش بیثباتی چریک فدائی را در جنبش کمونیستی بپذیرد و بر روی تمام تئوریهای غیر مارکسیستی خود مبنی بر پوپولیسم، فدائی و مبارزه چریکی جدا از توده فدائی، و ناسیونالیسم فدائی خط بطلان بکشد.

ولی پیام فدائی نه صرفا "مبارزه با دیکتاتوری به هر قیمت" که مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در تمام ابعاد سیاسی - نظامی و اجتماعی اش از موضع طبقه کارگر و آنهم مبارزه ای مسلحانه و طولانی بوده و میباشد. مبارزه ای که تا درم کوبیدن دستگاه بوروکراتیک - نظامی بورژوازی وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر ادامه خواهد یافت؛ و دیکتاتوری تنها یک روبنای متناهی با حاکمیت بورژوازی وابسته است و میتواند در اشکال مختلف و زیر لفافه های ایدئولوژیک گوناگون ظاهر گشته و بسته به شرایط مبارزه طبقاتی بدرگونیهای کمی در آن ایجاد شود همانطور که "دیکتاتوری سلطنتی" جای خود را به "دیکتاتوری جمهوری اسلامی" سپرد.

نشریه راه کارگر ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران در دیماه سال ۶۵ در شماره ۳۱ خود بحسب کوتاهی دارد بهر این "سنت فدائی" و گویا سبب این بحث همانا برداشتهای غلط "برخی" از مقاله "بیلان ورتکنتکی پوپولیسم بورژوا فرمستی" مندرج در راه کارگر شماره ۴ بوده است. و به این ترتیب است که راه کارگر در بخش "پاسخ به نامه ها" ضمن تشریح و معرفی "سنت فدائی" و سنت داران آن خود را نیز از "سنت این سنت" و از "ادامه دهندگان" آن مینماید. راه کارگر در این زمینه تمیذانتند: "سنت فدائی از گزافه ترین سنتهای مبارزاتی تاریخ کشور ماست و ما به تنها در پی نابودی آن نیستیم، بلکه خود از تلاله این سنت و از ادامه دهندگان آنیم". اصولا این روزها پرچمداران دروغین دفاع از سنت فدائی و متمسکین به "تلاله" این سنت کم نیستند. در میدانی کسب مستحقین از اقلیت بمدار سالها ترک میدان مبارزه، تشکیل "سازمان" میدهند و مدعی سنت داری میگرددند، در میدانی که حتی مجاهدین نیز با ترغیبهای خاص خود میکوشند این "تلاله" را به ارابه خود وصل نمایند. چرا راه کارگر در این جهت نکوشد و بعدالبنه به شیوه خاص خودش؟

بله، راه کارگر مدعی است که وی "از تلاله این سنت و از" ادامه دهندگان " آن است و بسیاری این منظور بنا به حساب خود به تعریف این سنت مینشیند و با ارائه تعریفی بسیار ناقص و سرودم بریده شرایط را برای این سنت داری آماده میسازد. از نظر راه کارگر پیام فدائی "مبارزه بنا به دیکتاتوری به هر قیمت" و در همین حال "مبارزه به هر قیمت با اپورتونیسم، فرمسیسم و سازش با دیکتاتوری" است و بنا بر این راه کارگر میباید خاص یک راه کارگری تعریف خود را آنقدر کش میدهد و گنجد مینماید که میتوان بر این اساس هر مفسل و گروه و سازمانی را که در زمان شاه با "دیکتاتوری" مبارزه میکردند، سنت دار فدائی نامید تا در همان حال راه برای سنت داری راه کارگر نیز باز گردد.

اگر مسئله تنها بر سر "مبارزه با دیکتاتوری به هر قیمت" باشد راستی چرا مجاهدین را بر اساس این تعریف سنت دار فدائی ندانیم و آنها را نیز در لیست بالا و بلند راه کارگر قرار ندهیم. مگر آنها هم در زمان شاه با "دیکتاتوری بهر قیمت" مبارزه نمیکردند؟ مگر مجاهدین هم "برای دست بدست کردن یک اعلامیه، سبانه بدهان و اسلحه بکمر" حرکت نمیکردند؟

و اگر تعریف ادعای راه کارگر آنقدر گشاد است که مجاهدین هم میتوانند در آن قرار بگیرند راستی چرا مخالف کوچک "خط ۳" را که بهر حال چما "دیکتاتوری" مبارزه میکردند و حتی شهادت هم در راه اهداف خود دادند، جزء سنت داران فدائی در نظر نگیریم آنها هم که به شیوه خود و بنا بر یک خود با "فرمسیسم و اپورتونیسم" در حال مبارزه بودند،

(۳) - با در اینجا قصد بررسی تا ثرات مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی به روی طبقه کارگر و توده های مستعد را نداریم. صرفا از زاویه طرح مسئله راه کارگر بحث را پیش میبریم.

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست

سیل جنوب و کوششهای

از صفحه ۲۵



۵ دیماه (۲۶ دسامبر ۱۸۹۳) سالروز تولد رفیق
ماثوتسه دون رهبر کبیر پرولتاریای قهرمان چین
ویکی از رهبران بزرگ انقلاب پرولتاریائی جهان
گرامی باد!

"تغییر جهان ممکن نیست، مگر بوسیله تفنگ"
ماثو

شده بدترین شکنجه ها قرار گرفته و دسته دسته
تیرباران میگرددند حال همین مردم موضوعی شده اند
برای ایران، همزردی، رباکارانه رهبران دزد جمهوری
اسلامی با آنها.

توده هایی که این رژیم مزدور با تمام
بحران اقتصادی موجود را بردوش آنها سرافکن
شده و از تمامین حداقل با احتاج مورد نیاز آنها
سبز خودداری مینماید حال زیر پوشش همردی با
سیلزدهگان تشویق میگرددند تا هرچه بیشتر به دولت
برای باصلاح کمک به سیلزدهگان کمک کنند تا
جمهوری اسلامی بتواند با زهم جیبهای خود را پر
ساخته و با زهم نیازهای جیبهای جنگ امپریالیستی
را بهتر تامین نماید. و در مقابل اعتراضات
برحق سیلزدهگان، آنگاه هاشمی رفسنجانی این آخوند
معلوم الحال اعلام میکند که: "تا آنجا که نیازهای
اولیه سیلزدهگان بود رسیدگی مطلوبی صورت گرفته
است". تا ضمن دفاع از جمهوری اسلامی و فریب
توده ها آنها را به رسیدن این کمکها به سیلزدهگان
امیدوار سازد. و پس از همه این نمایشات نوبت به
موسوی اردبیلی این قصاب خلیقهای ایران میرسد تا
در نمایش نماز جمعه ضمن برشمردن بعضی از ناملتنبهای
موجود در امتوزیع کمکهای مردمی به سیلزدهگان،
این امر را ناشی از آن جلوه دهد که کمکهای جنسی
این اشکال را دارد و از مردم بخواهد که بیشتر
کمکهای مالی بکنند، اشتغال موسوی اردبیلی در
این زمینه قابل تعجب است. او میگوید: "ما گاهی
در توزیع اینها آنها را به طبیعتی است
فعالیتها خیلی نمیشود ملاحظه کرد مثلا یک وقتی
میبینید دو ماشین بخاری حمل شده به یک منطقه
گرمسیر که مردمش هم زیر چادر هستند خوب آنها
از بخاری نمیتوانند زیر چادر در منطقه گرمسیر
استفاده کنند آنها نیاز به علوفه دارند اما
آنچه آمده بخاریست آمده در مرحله اول طبیعتی
است که نمیشود. اما کم کم اگر برادران و خواهران که
کمک میکنند به شکل پول خدمت کنند نقد بدهند.
این صورت خوبی پیدا میکند."

برای این اگر بیکار دیگر به سخنان این
مزدور گویند به عمق دناشت و پستی سران
جمهوری اسلامی هرچه بیشتر پی خواهید برد. موسوی
اردبیلی برای توجیه این امر که بهتر است مردم به
"شکل پول" کمک کنند و "نقد" بدهند تا سردمداران
دزد جمهوری اسلامی راحت تر بتوانند این پولها
را به جیب بزنند. مثلا از شکل توزیع کمکهای جنسی
انتقاد مینماید و با ذهن عقب مانده اش احقانه
استدلال میکند که سیلزدهگان به بخاری نیاز ندارند
آهر هر گرمسیر در زیر چادر بخاری لازم نیست و این
در شرایطی است که کیهان ۱۲ آذر ماه اعلام میکند:
"مدارس ابتدائی کرمان، بردسیر، زاهد، سیرجان،
رفسنجان، شهربابک و انار بعلت یخبندان تعطیل
شده است و با کیهان در ۱۹ آذر ماه مینویسد: "۹۴۴
مدرسه آسیب دیده از سیل فارس نیاز به ۲۵۳۸ تخته
چادر و ۸۰۰۰ زینسلو و بخاری دارند".
پس در شرایط سخت زمستان در شرایطی که سیل
همه جا فرا گرفته است و اهالی محروم سیلزده
استانهای جنوبی کشور مجبورند در این یخبندان و
سرمهشپ رازیر چادر سرکنند موسوی اردبیلی با
استدلال احقانه اش میگوید در مناطق گرمسیر بخاری

نیازی نیست، موسوی اردبیلی این جنایتکار رو قیچکه در خانه
گرم و نرمش لمبیده است و غرابی را که سیلزدهگان
جنوب در آن بسر میبرند راحتی در ذهن کودنشان نیز
نمیتواند تصور کند، برای چهاول هرچه بیشتر کمکهای
مردمی به مردم میگوید "نقد" بدهید به "شکل پول"
بدهید تا ما بهتر بتوانیم آنرا به جیب بزنیم.
برای این مزدوران چه اهمیتی دارد که مردم
محروم استانهای سیلزده در سرمای زمستان و یخبندان
بخاری نداشته باشند. آنها از قبل گفته اند که:
"ما برای شکم انقلاب نکرده ایم" و مفهوم این کلمات
در جریان سیل جنوب بیکار دیگر به روشنی آشکار
ساخت که آنها برای منافع خودشان بروج جنبش
توده ها سوار شدند و آنها برای حفظ سلطه
امپریالیسم بزرگ قدرت تکیه داده شده اند.
نه برای تامین کوچکترین خواست برحق توده ها.



همانطور که در اطلاعیه سازمان نیز آمده است،
از هرگونه کمکی به سردمداران دزد و فاسد جمهوری
اسلامی خودداری کنید. بکوشید با تمام توان و اما
کمکهای مالی و جنسی خود را بدست اهالی زحمتکش
و محیبت دیده مناطق سیلزده برسانید. اجازه ندهید
تا جمهوری اسلامی بیکار دیگر و این بار زیر
پوشش سیل و سیل زدگی دسترنج شما را غارت نماید.

گزارش کوتاهی از شکنجهگاه اوین

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در چارچوب سیاستهای سرکوبگرانه اش ایران وابسته زندانی بزرگ برای خلقهای ما تبدیل کرده است. زندانی که توده ها در آن از هیچگونه حقوقی برخوردار نبوده و به اشکال گوناگون مورد ضرب و شتم و اعمال وحشیانه این سگان زنجیری قرار دارند.

اگر جمهوری اسلامی ایران رايه زندانسی بزرگ برای خلقهای ما تبدیل کرده است در همان حال از برپا کردن سیاهچالهای گوناگونی در این زندان بزرگ نیز فرو گذاری ننموده و در گوشه و کنار این کشور ساختمانها و مکانهای مختلفی رايه سیاهچالهای برای نگهداری زندانیان سیاسی با این فرزندندان انقلابی خلقهای ایران تبدیل ساخته است.

از جمله سیاهچالهای مخوف این دژخیمان زندان اوین میباشد که اتفاقاً همچون خیلکی از موسسات و نهادهای ضد خلقی دیگر از رژیم شاه به جمهوری اسلامی به ارث رسیده و جمهوری اسلامی نیز با تمام توان این ارثیه شنیوم را رشد و گسترش بیشتری داده است.

شرایطی که زندانیان سیاسی در زندان اوین و بدون شک در مدها زندان ریز و درشت دیگر در آن بسر میبرند، نچنان غیر قابل تحمل و وحشتناک است که زبان از توصیف آن عاجز بوده و ایجاب آن

نماید. امری که شدیداً باعث خشم و اعتراض زندانیان و خانواده های آنها گشته است.

بله! این رژیم و قبیح فرزند خانواده رايه زندان میاندازد، حال از خانواده زندانی ماهی ۱۲۰۰ تومان هم برای این جنایت خود دستخوش نخواهد. این طرح که با مخالفت شدید زندانیان و خانواده ها پشان روبرو گشته یکی از وقیحانه ترین طرحهای است که به ذهن خبیث جنایتکارانسی امثال ری شهری ها رسیده است.

اگر رژیم به اشکال گوناگون به زندانیان فشار میاورد. زندانیان نیز به اشکال مختلف به مقاومت در مقابل دسیسه های جنایتکارانه رژیم میپردازند و در مقابل به همین دسیسه ها و مقررات وحشیانه بود که زندانیان اوین در آبناها امسال دست به اعتصابی وسیع و گسترده زدند که حدود یکماه نیز ادامه یافت. گرچه رژیم مزدور بسا اعدام حدود ۴۰ تن از زندانیان سیاسی به مقابله با این حرکت پرداخت ولی این وحشیگریها تنها عزم انقلابیون زندانی را در تداوم راه خونین و پسر افتخارشان صد چندان نمود.

این اعتصاب که از بند ۳ زندان اوین آغاز شده بود با حمایت یکی از بندهای زندانیان زن تداوم یافت و رژیم را مجبور به پذیرش بعضی از خواستهای زندانیان نمود.

ضمناً در طول این اعتصاب حرکات گسترده و متحدانه ای از سوی خانواده های زندانیان سیاسی رخ داد که در رساندن مدای زندانیان به جهانیان و فشار به رژیم مزدور نقش بسزای داشت. رژیم

مزدور در این رابطه برای اذیت و آزار زندانیان و خانواده های آنها مقررات جدیدی بسازد و ملاقات در زندان اوین اعلام کرده که بشرح زیر است: فقط پدر و مادر و همسر زندانی میتوانند به ملاقات اسیر در زندان بروند. در صورت نبود یکی از آنها برادر یا خواهری که به سن ۳۵ سالگی رسیده باشد میتواند به ملاقات زندانی برود. در نتیجه خواهر و برادری که به سن ۳۵ سالگی نرسیده باشند، اما از ملاقات با زندانی خود محروم بوده و آنهاش هم که به سن ۳۵ سالگی رسیده باشند تنها در صورت نبود پدر یا مادر زندانی حق ملاقات خواهند داشت.

رژیم برای خود کردن روحیه انقلابی زندانیان سیاسی و مقاومت قهرمانانه آنها با وضع انواع و اقسام مقررات وحشیانه و حاکم کردن جو رعب و وحشت در زندانها، میکوشد شرایط هر چه وحشتناکتری بر زندانها حاکم سازد. رژیم مزدور در چارچوب این سیاست وحشیانه از عناصر متزلزل و نادم که در جمهوری اسلامی توابع نامیده میشوند نیز استفاده کرده و بوسیله این توابع فشارهای روحی هر چه بیشتری بر زندانیان وارد میکند. برای نمونه خوابین زندان اوین زیر نظر مسئولین زندان، روزنامه دیواری بنام "رحمت" منتشر میا زندگه بر دیوار بندها و راهروهای زندان نصب میگردد. در این روزنامه عناصر بریده، اعتقادات زندانیان را به سفزه گرفته و مقدسات آنها را مورد توهین و تحقیر قرار میدهند.

دژخیمان جمهوری اسلامی جدا از شکنجه زندانیان بوسیله کابل و اتوبرفی و اجاق برقی و مدها

تنها و تنها از رژیمهای وابسته ای چون رژیم خمینی ساخته است.

با شکنجه های وحشیانه ای که زندانیان در زمان دستگیری و شرایط بازجویی متحمل میکردند و به اشکال گوناگون جسم و روح و روان آنها مورد تعدی و اذیت و آزار دژخیمان امپریالیسم قرار میگردد دشمن میکوشد تا ضمن شکستن روحیه مقاومت و پایداری زندانیان آنان را وادار به افشای اسرار سازمانهای انقلابی و در نتیجه خلقهای ایران نماید. اما جدا از اینها پس از اتمام دوران بازجویی نیز این رژیم منحوس دست از سر زندانیان برنداشته و به اشکال گوناگون آنها را تحت شکنجه قرار داده و اذیت و آزار مینماید. برای نمونه یکی از تنبیهات زندانیان سیاسی در اوین یک هفته طول انفرادی با غذای روزانه یک عدد سیب زمینی پخته میباشد.

چدا از همه این فشارها و وحشیگریها، رژیم به اشکال گوناگون به اغای از خانواده زندانیان میپردازد و مواد غذایی و پتو و دیگر وسائلی که خانواده ها برای زندانیان میاورند رايه زندانیان نداده و به جیب میزند.

واخیر این رژیم ددمنش با واز اینهم جلوتر گذاشته و قصد دارد از خانواده زندانیان سیاسی ماهی ۱۲۰۰ تومان بعنوان خرج زندانی اخسادی

پس وجود این همه پاسدار و ارتشی و این همه پایگاه برای چیست؟ حال برای لحظهای هم که فده واقعیت جنبش مسلحانه خلق کرد را ندیده بگیریم و بر اساس گفته های این مزدور به بررسی گفته های بسازد رژیم. فرض کنیم ۵ یا ۶ هزار پیشمرگه در کردستان وجود ندارند و فرض کنیم که دسته های مدنفره پیشمرگه در کردستان همه روزه در حال جوله و عملیات بر علیه رژیم نمیشاند. ولی این با صلااح "زئرال" جمهوری اسلامی خود اعتراف میکند که: "اما جنگی که جمهوری اسلامی در این خطه درگیر است... جنگ نامنظم و چریکی بوده که در مقایسه با جنگهای نامنظم دنیا کاملاً مستثنائسی" است.

پس تردد گروههای ۳ یا ۴ نفره، البته به قول جناب زئرال سپاه پاسداران که دروغی محض بوده و واقعیت ندارد، در جنگ چریکی "استثنائسی" در کردستان مگوا برادری دارد؟ مگر همین گروههای کوچک نیستند که با پیوستن به همدسته های چند مدنفری تشکیل داده و در کمینهای چند کیلومتری خود بر سر جاده های کردستان، که از قرار تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است تلتقات سنگینی رايه نیروهای سرکوبگر رژیم وارد میسازند؟

در نتیجه تبلیخ بر روی گروههای ۳ یا ۴ نفره که در کوهستانهای کردستان در انزوا بسر میبرند، دردی از دردهای بن درمان جمهوری اسلامی را دوا نمیسازد و قصد رژیم را در کمزنگ ساختن ابعاد نظامی جنبش خلق کرد بر آورده نمیسازد. در ضمن با توجه به شرایط جنگهای چریکی شده گروههای کم عده به هیچوجه نتنها میزبانی برای رژیم تلقی نمیشود بلکه توانائسی اوراد سرکوب نیروهای پیشمرگه تضعیف مینماید. اما جدا از مسائل بالادرسخان دقیق مزدون

جنبش خلق کرد ۵۵۵۵

از صفحه ۱۹

دقیقی مزدور که امر بر او مشتبه شده کسه دست کمی از زئراهای ارتش ناپلئون ندارد میگوید: "ما امروز در جنگ کردستان به اینجا رسیده ایم که دشمن بمورت گروههای ۳ نفره یا ۴ نفره و در مناطق مرزی یا در کوهستانهای کردستان که یکی از کوهستانی ترین استانهای کشور است سرگردان و فزوری هستند و پیدا کردن دشمن دقیقاً ضاوی با اهدام دشمن است و این حاکی از پیشرفتهای نظامی مسادر این استان است."

پس دشمن یعنی نیروی پیشمرگه و بقول حجت الاسلام موسوی "فدا انقلاب یکلی منبوزی شده" در کردستان و در کوهستانهای صعب العبور و وجود داشته و در حال مبارزه بر علیه تبه دگر بیهای جمهوری اسلامی است. اما دو مسئله باقی میماند اول اینکه این با صلااح فدا انقلاب یکلی منزوی شده در گروههای ۳ یا ۴ نفره در این کوهستانهای سرد و صعب العبور کردستان چگونه زندگی میکند؟ آیا اگر حمایت با ری توده ها نباشد این گروههای ۳ یا ۴ نفره میتواند دوام آورده و به مبارزه خود ادامه دهند؟ و اگر آنها یکلی منزوی شده اند پس چرا جمهوری اسلامی هر روز خلق کرد را برای عدم حمایت از پیشمرگان تحت فشار قرار داده و اذیت و آزار میکند؟ اما مسئله دوم، اگر پیشمرگان خلق کرد به دسته های سه یا چهار نفره تبدیل شده اند پس این ضربات خردکننده را چه نیروی بر جمهوری اسلامی در کردستان وارد میسازد. و در عمق خاک کردستان خواب را از چشمان مزدوران رژیم ربوده است. حتما در این مورد هم معجزه ای رخ داده است. و براسستی اگر جنبش مسلحانه خلق کرد به دسته های ۳ یا ۴ نفره تبدیل شده است

ماجرای مهدی هاشمی

از صفحه ۲۰

البته این اقدامی بیحاصل بود، چراکه رابطه هاشمی با دفتر منتظری امری نبود که قابل لاپرواشی و تکذیب باشد و بویژه در زمانی این تکذیب انجام میشد که حریفان منتظری از طریق هاشمی اظهاراتش در تلویزیون آیت الله ابله را مکه یک پول نموده بودند.

در این میان روزنامه جمهوری اسلامی موضوع هاشمی را بوسیله‌ای برای چشم غره رفتن بستند حریفان خود تلقی کرده و این تعارض را بعنوان درس عبرتی برای باندهای معترض تلقی نموده و به معترضین درون هیئت حاکمه هشدار داد که آینده خود را در جریان هاشمی ببینند و عبرت بگیرند. اما اتهامات هاشمی چه بود؟ آنچه ری شهری مسزور رئیس سازمان امنیت رژیم بعنوان اتهامات هاشمی عنوان نموده است لیست بالابندی از قتل و جنایت میباشد که نه تنها در زمان حکومت جمهوری اسلامی بلکه به زمان شاه نیز مربوط میشود. لیستی که ری شهری مدعی است هاشمی نیز آن را تأیید نموده است.

البته آشکار است که جمهوری اسلامی یعنی رژیم دارو شکنجه و جنایت اگر قرار باشد به فرض دست به دستگیری جنایتکاران بزند قبل از هر چیز باید کلیه سردمداران و دستگیر نماید و در واقعیت کلیت رژیمش را نیست و نابود سازد، پس دستگیری هاشمی ربطی به جنایات مرتکب شده از سوی او ندارد چرا که اساساً ارتقاء افراد در سلسله مراتب جمهوری اسلامی بر مبنای درجه جنایتکار بودنشان میباشد و هاشمی نیز اگر تا مقام مسئول نهفتنهای آزادیبخش در رژیم جمهوری اسلامی ارتقاء یافته است دقیقاً به اعتبار همین چیره دستی اش در قتل و

اسلامی را احاطه نموده است. شرایط بحرانی ای که کرکهای جمهوری اسلامی را به دریدن همدیگر وادار ساخته است.

طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران باید به مسئله هاشمی از زاویه تسویه حسابهای درونی طبقه حاکمه بنگرند. یعنی تسویه حساب بین جناحهای مزدوری که در هر چیز اختلاف داشته باشند، در سرکوب طبقه کارگر و همه توده‌های تحت ستم بمنظور ایجاد شرایط هرچه بهتری برای استثمار و غارت هرچه بیشتر آنها متفق القولند.

بنابراین طبقه کارگر باید ضمن نگرستن به مسئله از این زاویه، اینگونه درگیریها را دقیقاً مورد توجه قرار داده تا ضمن درک عمیق تر از واقعتهائی که در این رژیم منحوس رخ میدهد، با گسترش مبارزه خود بر علیه امپریالیسم و طبقه حاکمه تضادهای درونی این رژیم را هرچه بیشتر تشدید نموده و شرایط را برای سرنگونی اجتناب ناپذیر آن فراهم سازد. تازه تنها همه مزدوران جمهوری اسلامی برای اعمال پلیدشان برسند بلکه تحت رهبری قدرتمند کارگران، سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته بگجور نهوده شده و راه برای استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و پیشروی بسوی سوسیالیسم هموار گردد.

مرکب بر امپریالیسم و مکه‌های زنجیریش
مرکب بورژیزم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

جنایت و تجاوز نبوده است. در نتیجه تضادهای درونی رژیم و تسویه حسابهای درونی این رژیم تلقی نمود. البته لازم به تذکر است که خود دستگیری هاشمی و اتهامات وارد شده به او در بطن خود واقعیت دیگری را نیز حمل میکند. این جریان بخوبی سرنوشت همه مزدورانی را که با جان و دل کمز به خدمت این رژیم بسته اند را نیز بنمایشش میگذارد و نشان میدهد که چگونه امپریالیستها رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی دستان همسواران و مهره‌هایشان را بخون صدها نفر آلوده ساخته و در همان حال آن را در انتظار بنمایشش گذاشته اند تا هر زمان که لازم شد بدون هیچ مشکلی فرد مورد نظر را به اتهام تمامی جنایاتی که تا دیروز نردبان ارتقاء و ترقی اش در رژیم تلقی میشد به محاکمه کشیده و از شر او راحت شوند.

سرنوشتی که در انتظار تمامی مزدوران سینه چاک رژیم خمینی است. سرنوشتی جز سرنوشت امثال هاشمی ها نمیباشد. تا روزیکه این رژیم مزدور به آنها احتیاج داشته باشد جنایات آنها باعث رشد و مرتبتشان میگردد و زمانیکه آنها را مفید تشخیص ندهد و با از زاویه‌ای با او به مخالفت برخیزند مرگ و نیستی را به آنها ارزانی نمینماید و چون موش مرده‌ای آنها را به بهرون پرتیاب میکند. جریان هاشمی در همان حال که از زاویه تسویه حسابهای درونی رژیم باید نگرسته شود معنا به حدت با بی تضادهای جناحهای مختلف این رژیم نیز میباشد و بیانگر شرایط بحرانی ای است که امپریالیستها و رژیم وابسته به آنها یعنی جمهوری



۲۶ دیماه سالروز فرار شاه این سگ زنجیری امپریالیسم که بر اثر مبارزات قهرمانان خلقهای ایران در سال ۵۷ متحقق گشت، گرامی باد.

در سالروز فرار شاه باید یاد دیگری به یاد آوریم که تا زمانیکه سلطه امپریالیسم در ایران حاکم است، تغییر مهره‌های مزدوری چون رضا شاه و محمد رضا شاه و خمینی و با هر مزدور دیگری به مفهوم آزادی توده‌های ستمدیده مانسوده و مبارزه خلقهای ما باید تسا نبودی قطعی سلطه امپریالیسم و سرنگونی نظام سرمایه داری وابسته ادامه یافته و تنها در این شرایط است که خلقهای ما به آزادی و دمکراسی دست خواهند یافت و توانا شیبی حق تعیین سرنوشت خویش را باز مییابند.

مختصری از زندگی چریک فدائی خلق

رفیق شهید موسی آباد



دوگانه در سیزده دیماه سال ۶۱، شلیک سلاحهای آمریکایی مزدوران امپریالیسم قلب پسر شهید رفیق موسی آباد را از کار انداخت، توده‌های تحت‌ستم و سازمان مایکی دیگر از فرزندندان و هموزمان فداکار و انقلابی‌ش را در راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیرش در غلط جنوب از دست داد.

رفیق موسی از تبار چریکهای فدائی خلق بود او از زمره آن رفقای بود که از همان ابتدای کودکی در دوقطر و ستم حاکم بر روابط جامعه را به عینت لمس کرده و با کینه و نفرتی عمیق به حافظان این نظم، یعنی امپریالیسم و نوگراش و عشقی عمیقتر به خلق خویش بزرگ شد. او در سال ۱۳۳۵ در روستای "سورگاو" از توابع سیستان بدنیا آمد. پس‌دش ملای روستا و معلم مکتب بود و موسی او را خیلی زود یعنی زمانی که تنها هشت سال داشت از دست داد از این لحظه به بعد نیز تا آخر زندگی کوتاه و پسر بارش، مسئولیت سنگین اداره خانواده به گردنش افتاد. در حالیکه تا کلاس دوم ابتدائی درس خوانده بود، مجبور شد برای تامین مخارج خانواده به همراه آنها به شهر کوچ کند و یکبار بهر داد. با کوشش دوچندان در همان حال که کودکی بیش نبود برای تامین معاش خانه تلاش مینمود و در عین حال تحصیلاتش را تا سال دوم راهنمائی ادامه داد. اما دیگر ادامه این وضع برای موسی امکان پذیر نبود. از آنجا که مخارج خانواده، امکان ادامه تحصیل را از او سلب میکرد به ناگزیر مهربه راترک نمود.

در ادامه همان تلاشهای پایان ناپذیر بنده ایوطلبی رفت و چند سال در آنجا به کار پرداخت و با جمع آوری دسترنج سالها کار خویش به ایسران بارگشت و با خریدن تاکی زندگی خانواده را اداره میکرد.

در این هنگام آتش مبارزات توده‌های تحت ستم بر علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه ایران را فرا گرفته بود. رشد همین مبارزات و فضای پرتلاطم قیام، موسی را نیز به مانند میلیونها تن دیگر از مردم به جنبش انقلابی کشاند و خیلی زود با شناخت ماهیت سگان زنجیری جدید امپریالیسم و با ایمان به دوستی نظرات انقلابی چریکهای فدائی خلق به هواداری از آنسان و راه سرخا ن پرداخت.

پس از قیام نیز با تلاش دوچندان به تبلیغ و نشر نظرات چریکهای فدائی خلق ادامه داد و در راستای همین تلاش با شکل هواداران سازمان در منطقه ارتباط گرفت.

از این پس رفیق موسی بعنوان یک انقلابی حرفه‌ای تمام امکانات زندگی‌اش را در جهت پیشبرد

کار مبارزاتی و سازمانی کانالیزه کرده و بسیاری از وظایف انقلابی معموله از جانب تشکیلات را با شوری عسکی ناپذیر به پیش میراند. و در اکثر حوزه‌های فعالیت از جمله کارهای تدارکاتی، ارتباطات، تهیه خانه‌های تیمی، جابجا کردن وسایل و امکانات تشکیلات، سازمانی کردن مهمات اضافی و شناسایی برای تیمهای عملیاتی فعالان حضور داشته و با پیگیری و تلاش انقلابی، اکثر مشکلات و موانع را از پیش پای رفقایش بر میداشت. ویراستی که او نمونه یک رفیق فعال و کوشا بود.

گسترش سرکوب و وحشیانه و عنان گسیخته‌یادی امپریالیسم در ایران و فرارسیدن روزهای سخت کار انقلابی، مسئولیتها و وظایف سنگینتری را بر عهده رفیق موسی مینهاد و او با ایمان و پیگیری شایسته یک چریک فدائی خلق در حل و فصل و پیشبرد این وظایف و مسئولیتها نقش ایفاء میکرد. بطور مثال او تا زمان دستگیریش یعنی سال ۶۱، رابط بین بخش گردستان تشکیلات با رفقای هوادار در منطقه جنوب بود و سرانجام دشمن فدائلی که پورش همه جانبه و سازمانیافته‌ای را به خلق سازمانهای انقلابی آغاز کرده بود، در ادامه جناياتش رفیق موسی را نیز دستگیر کرده و یکسره به زیر شکنجه و تازیانه سپرد. اما تلاش مذهبانه مزدوران برای شکستن روحیه موسی که انباری از اطلاعات سازمانی و اسرار خلق بود بی نتیجه ماند. دشمن که به خوبی از موقعیت او و فعالیتهای انقلابی اش آگاه بود و در مقابل مقاومت قهرمانانه او در زیر شکنجه متقابل گشته بود سرانجام او را نیز مانند دهها رزمنده انقلابی دیگر در پیشبرد او امر اربابان امپریالیستش به جوخه‌های مرک سپرد. غافل از اینکه با برگ موسی به تنها راه و نای او نرسد بلکه مرکز سرآغاز دوباره‌ای شد برای دهها چریک فدائی دیگر که سلاح موسی را بدست گیرند و هر چه مصمتر در راه آرمانهای والای او یعنی نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دیکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و استقرار سوسیالیسم مبارزه کنند.

جاودان باد یاد رفیق شهید موسی آباد



اخبار ۵۵۵۵۵

از صفحه ۲۲

کربلای ۴ - ۵ - ۶ با و دیگر بهاران سمانه مناطق مسکونی شدت بیشتی یافت و بسیاری از مردم به دفاع دوکتور قربانی تداوم این جنگ امپریالیستی و تاکتیک وحشیانه بهاران شهرها گردیدند.

در جریان "جنگ شهرها" شهرهای زیادی از دو کشور مورد حملات شدید هوایی و توپخانه و موشکی دو طرف درگیر قرار گرفت. بطوریکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شهرهای بغداد، بصره، خانیقین، علی شوقی، عفره، رانیسه، سلیمانیه را بمباران نمود و شهرهای اصفهان، تبریز، مسجد سلیمان، قم، بروجرد، اراک، دزفول، کاشان، همدان، نهاوند، کوهستان لرستان، شاه آباد غرب، باختران، سنندج و ایلام توسط عراق شدیداً بمباران گردید. بمباران مناطق مسکونی به دفاع یکی از کشف‌ترین و جنایتکارانه ترین تاکتیکهای است که در جنگ ایران و عراق بکار برده میشود. و جمع تریس صدهای قتل و کشتار را در مقابل چشمان همگان بنمایش میگذارد. در نتیجه جدا از قربانیان کثیر چهره‌های جنگ به این وسیله نیز بخشی از توده‌های ستمدیده، زنان و کودکان گردسال قربانی این جنگ امپریالیستی میگردد.

ماضن محکوم کردن این تاکتیک وحشیانه و ضمن همدردی عمیق با خانواده‌های قربانیان این بمبارانها از همه نیروهای آزادیخواه جهان میخواهیم که بر علیه این کشتارها بها خیزند و بار دیگر از خلقهای قهرمان جهان میخواهیم که فریاد اعتراض خود را بر علیه جنگ ارتجاعی هر چه رسانر بردهند و مبارزات خود را در جهت گسترش هر چه بیشتر جنبش ضد جنگ برای سرنگونی رژیم مزدور خمینی فرزونی بختند.

ما اسلام میکنیم: جنگ ایسران و عراق جنگی است در جهت منافع امپریالیستها و بر علیه منافع خلقهای ما؛ باید به هر وسیله‌ای بر علیه آن بها، غاست و با شعله‌ور ساختن مبارزات ضد امپریالیستی خود گردانندگان اصلی این جنگ ویرانگر را در آتش مبارزات خود موزاند و خاکستر نمود تا از تمامی این فجایع و جنایتها که از سوی امپریالیستها و سگان زنجیرش اعمال میگردد رهاش یافت.

سرمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی که به هر وسیله‌ای برای اغازی از توده‌ها متوکل میشوند، مدتهاست که با شگرد قلکهای نارنجکی به رسول توحیدی دانش‌آموزان نیز دستبرد میزنند. در این رابطه مدتی کل آموزش و پرورش استان با زندران اعلام کرده در سطح استان نازندان ۸۰۰ هزار دانش‌آموز در حال تحصیل میباشد و کتون مبلغ ۲ میلیون ریال توسط دانش‌آموزان در رابطه با اهدای قلکهای نارنجکی به چهره‌ها کمک شده است.

اغذ ۷ میلیون ریال از مجموع ۸۰۰۰۰۰ دانش‌آموز نشان میدهد که بطور متوسط رژیم توانست است از هر دانش‌آموز فقط مبلغ هشت ریال اغاذی نماید که این خود گویای میزان مقاومت دانش‌آموزان و مردم در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای فاسد و مفسد آنهاست.



جنبش خلق کرد ۵۵۵۵

از صفحه ۲۰

گه‌لی قاره‌مانی کورد!

زیاتر له دوو ساله کوردستان شه منگه‌ره‌ی روزگار بخواران بوته مه‌یدانی تیک هه‌ل چونسی خویناوی حییزی دیموکرات و کومه‌له و زیاتر له ۴۰۰ کس له پیشمرگه‌کانی شه دوو ریکه‌راوه تا شینتا بوته قوریانی شه شیری براکوژی به .

له دزی شه شیری براکوژی به بوته‌ستن ویژ راه‌گرتنی ده‌سته به جی ی شه شه‌ره له سهو بناغی "ناگره سنی بی قهید وشه‌رت" خبیات بکهن . داواله حییزی دیموکرات و کومه له بکهن بی‌کوره چه‌که کانی خویان به‌رو دوزمنی جنایه‌تکاری گه‌لی کورد واته شیمپریالیسم و رژیم به کری کبراوه‌که‌ی کوماری شیسلاسی نیشانه بکون .

مردن بۆ رژیم سوریه شیمپریالیسمی کوماری شیسلاسی
بزی گه‌لی چنگاوری کورد که بوئا زادی ده‌جنگسی
شه‌بیت ناگره‌سه‌ستی بی قهید وشه‌رت جی به‌جی بکریست .

له‌گه‌ل پرواماندا به سه‌رکوتنی و پها زمان
چریکانی فیدائی گه‌لی شیران - کوردستان

۶۵/۱۰/۲۶

نبوده ونیست . درمن "مدانقلاب" هم در فرهنگ این مزدوران کسانی جز فرزندان دلبر این خلق که برای آزادی خلق خود سلاح برگرفته و سالهاست که بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌جنگند و توده‌های ستمدیده‌ای که به اشکال گوناگون به این مبارزه خدمت نموده و آثار باطنی خود همه جانبه مورد حمایت خود قرار داده اند نیستند و "عناصر مفید و موثر" هم بدون شک در فرهنگ این جماعت همانا دزدان و فاسدان و لطمینها و در بیک کلام اراذل و اربابش میباشند که به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ، بورژوازی منط و نیروهای سرکوبگر ، آنها میدان رشد و ترقی خود یافته اند . حال با فهمیدن فرهنگ لغت جناب حجت الاسلام ، بهتر میتوان از "پیشرفت جمهوری اسلامی در کردستان" که آن هم به "معجزه" تشبیه شده است پی بود .

بنا بر این پیشرفت جمهوری اسلامی در کردستان جز محروم کردن این خلق از حق مسلم و تودید بنا پذیرش یعنی حق تعیین سرنوشت و خواست خودمختاری و لگد مال کردن ابتدائی ترین حقوق توده‌ها و فاسد و فلاتک زحمتکشان آشپ به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها مفهوم دیگری نداشته و ندارد .

"معجزه" ادعائی جناب حجت الاسلام نیز چیزی جز سرکوب لحام گسیخته توده‌های محروم و ستمدیده کردستان نبوده ونیست . "معجزه" ای که به اعتبار قتل و غارت زحمتکشان ، به اعتبار اعدام بهترین فرزندان کردستان و نابودی پیشمرگان خلق کرد در جنگ ۷ ساله و آوارگی بخشی از اهالی متعلق شده است زمره همان معجزات دیگر جمهوری اسلامی و امدادات غیبی این رژیم بوده که در واقعیت زمینی مفهوم مشخصی دارند . که در این مورد خلق گسرد همه روزه با کوشش و پوست خود آن را لمس نموده است و آن همانا سلطه و حثیانه جمهوری اسلامی مشابه رژیم وابسته به امپریالیسم میباشد . و البته ما در اینجا لازم نمیدانیم که تاکید نشانیم بر طبق روال همیشگی تبلیغات دست اندرکاران جمهوری اسلامی سخنان حجت الاسلام مظلوم الحال در رابطه با منزوی بودن نیروهای انقلابی در کردستان تا چه حد بی پایه است . چرا که برای اثبات بی‌پایگی این سخنان تنها کوشش ساده در شهرهای کردستان و با عبوری معمولی از روستاهای این منطقه کافی است تا به عمق ریاکارانه بودن تبلیغات جمهوری اسلامی در این زمینه پی برد . چرا که جنبش خلق کرد از حمایت وسیع توده‌های در کردستان برخوردار بسوده و توده‌ها با همه تشبیهات جمهوری اسلامی از جنبش خدا همزیالیستی خود حمایت نموده و پیشمرگان کردستان را چون ماهی در دریای حمایت توده‌ای خود قرار داده اند و بر غنای این جمهوری اسلامی است که در میان توده‌های محروم این منطقه هیچگونه بنفوذی نداشته و ندارد و همه نفرت توده‌ها را بر روی خود متمرکز ساخته است .

البته حجت الاسلام مزدور نیز این سخنان را

گه‌لی خه بانگیری کورد!

کوماری شیسلاسی له‌گه‌ل بهره به‌دانی زیاتری سه‌ریا زگیری زوره ملی له کوردستان ندا ، چه له‌وه‌ی که شه‌یه‌وی قوریانی تازه بو بهره‌کانی شهری شیران و غیره که به پی ی به روزه‌وندی شیمپریالیسته‌کان به‌ریا گراوه دابین بکات ، هه‌روه‌ها تی شه کوشیت هه‌ندیک له‌م هیزانه له پایگا سه‌رکوتنه‌ره کانی له کوردستاندا نیشته جی بکات به‌مه‌به‌ستی لی‌دانی پی‌شمه‌ره‌که‌کانی گه‌لی کورد ، کوره‌کانی شیوه و به‌رویی به‌کتر به‌اتوه .

له‌دزی سه‌ریا زگیری زوره ملی ی رژیم زا به‌رون ، به به‌رگری به‌کبارچی خوتان سه‌ره و ک چاران ریگای دوزمن بۆ که بشتن به تا مانچه گلاوه‌کانی به‌چهل بکهنه‌وه . ریگانیشانی کوره ده‌ستگیر کراوه‌کانی خوتان به‌دن ، تا ریزه‌کانی سوپای دزی گه‌لی به‌جی به‌پین و به‌یه‌وندی چکن به پی‌شمه‌ره‌که‌کانی گه‌لی کورده‌وه .

مردن بۆ شهری شیمپریالیستی شیران و غیره
بزی بی‌زوتنه‌وه‌ی چه‌کدارانه‌ی گه‌لی کورد

له‌گه‌ل پرواماندا به سه‌رکوتنی و پها زمان
چریکانی فیدائی گه‌لی شیران - کوردستان

۶۵/۱۰/۲۶

شیخ وقیح اعتقادی به معجزه داشته باشد نیز میتواند به این آزمایش دست بزند چرا که تنها "معجزه" ای باید رخ دهد که او سالم از آتش سلاح پیشمرگان خلق کرد به خانه‌اش بازگردد .

حال بگزارید جناب حجت الاسلام نماینده امام در غرب کشور رابه حال خودرها کرده و برای تاکید مجدد بر صحت ترجمه سخنان اوبه معنیهای "دقیقی" فرماتده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ناحیه کردستان در همین سمینار نگاه بیندازیم . در صفحه ۱۶

تنها در "سمینارها" و کنفرانسهایی به زبان می‌آورد که با انبوهی از نیروهای مسلح حفاظت میشوند . وگرنه اگر روزی جناب نماینده امام در غرب کشور به خود زحمت داده و با "جسارت" نماید که بدون اراذل و اوباش محافظ و ماشین ضدگلوله‌اش چند ساعتی در شهرها یا روستاهای کردستان پیماده‌روی نماید آنگاه به عمق نادرستی سخنانش ملموس‌تر پی خواهد برد . و صلاحته در آن زمان دیگر وجود نامبارکش نیز از سر مردم محروم غرب کشور کم شده است !! و برایتی اگر ایمن

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می‌جنگد!

گزيده هايي از راديوي صدي چريکها

جنبش خلق کرد چون خاري در چشم دشمنان خلقهاي ايران

ماجرای مهدی هاشمی درس عبرتی برای همه مزدوران در جمهوری اسلامی

کربلای ۵ جنایت جدید جمهوری اسلامی

در سمنان سراسری لیبک با امام بنیاد مسکن در شهر سمنانج نما بنده خمینی جنایتکار در غرب کشور آخوندی بنام حجت الاسلام موسوی اعلام کرد که : "یا فعالیت نیروهای مومن در منطقه خدا انقلاب بکلی منزوی شده و حاکمیت بدست عناصر مفید و موثر افتاده است" و سپس به رسم همبالکبهای ریاکارش تاکید نمود که : "پیشرفت جمهوری اسلامی در کردستان معجزه بوده است . برای درک روشنتر نظرات این مزدور بهر سبب ابتدا سخنان این آخوند جنایتکار را به زبان آدمیزاد ترجمه نمائیم . بر این اساس مفهوم "نیروهای مومن" یعنی ارتش فدائلی و دیگر دنباله هایش چون سپاه پاسداران و زاندار مری و کمیته های انقلاب اسلامی و جاشهای خود فروخته و بیگ مفهوم دستکاه سرکوبگر جمهوری اسلامی در کردستان میباشد . و منظور از "فعالیت نیروهای مومن در منطقه" نیز بدون شک همان جنایتها و قساوتهاش است که بطور سیستماتیک نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در کردستان انجام میدهند . و البته خلق کرد نیز از آنجا که بطور روزمره آنها تجربه کرده است میباشد که "فعالیت نیروهای مومن" چیزی جز توپ باران روستاها و شهرها ، به آتش کشیدن خانه های روستاییان و اعدام انقلابیون و سرودن زحمتکش و فشارهای وحشیانه به روستاییان برای مصلح شدن بر علیه جنبش خود از یک طرف و بوجود آوردن فجایمی چون قارنا و ایندرفاش از طرف دیگر و اخذی های گوناگون و بدبها نه های مختلف

در صفحه ۱۹

با حدت یا بی تضادهای درونی هیئت حاکمه سازمان امنیت جمهوری اسلامی اقدام به دستگیری مهدی هاشمی از مسئولین سپاه پاسداران و مسئول دفتر نهضت های آزاد بخش نمود . از آنجا که مهدی هاشمی به دفتر منتظری این جانشین ابله خمینی مربوط بوده و در ضمن برادر داماد منتظری نیز میباشد دستگیری او انعکاس وسیعی در کشور پیدا نمود و رئیس سازمان امنیت رژیم را مجبور ساخت تا ضمن اعلام لیست بالابندی از جنایت های هاشمی مطرح سازد که کل جریان دستگیری هاشمی زیر نظر شخص خمینی و با تأیید او سازمان یافته است . دستگیری هاشمی ، و انعکاس وسیع آن در کشور ، و انبوه اشکالات وارده به او ، بدون شک باعث ضربات سنگینی به منتظری و هوادارانش گردید . منتظری مدتی کلاسهای با ملاحظه درس را تعطیل کرده و به دیدار خمینی شناخت تا شاید این مسئله را از طریق خمینی دژخیم به طریقی فیصله دهد و لسی پرونده هاشمی نه تنها سکوت نماند بلکه ایضاً جدیدی یافت و تنها چیزی که نصیب منتظری گشت اجبار به سکوت و تاکیدش بر امر وحدت بود . بیورش به هاشمی که در حقیقت بنوعی بیورش به منتظری مفهوم میبافت با آوردن او به تلویزیون و اعلام این مطلب از سوی او که میکوشیده است تفکرات خود را بر منتظری القا نماید منتظری را مجبور ساخت تا هرگونه رابطه هاشمی با دفتر خود را تکذیب نماید .

در صفحه ۱۷

در حالیکه هنوز چند روزی از جنایت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در کربلای ۲ نمیکردند و در حالی زحمتکش در میدانهای سلاخی این جنگ امپریالیستی در "ام الرضای" هنوز خشک نشده است ، سردمداران جنایتکار این رژیم وابسته با ردیکر در ادا مانه و پیگیری سیاستهای ضد خلقی آنها با نشان با تدارک بیورش دیگری بنام با ملاحظه کربلای ۵ صفحه سپاه دیگری بر کارنامه جنایات سنگین خویش افزودند . یکبار دیگر ما شین جنگی رژیم به تحرک افتاد تا با اجرای کربلای ۵ بسیاری دیگر از توده های محروم و ستمدیده را گوشت دم توپ این جنگ ارتجاعی ساخته و از قبل قربانی کردن و جاری ساختن خون آنان ، اختهای سیری ناپذیر امپریالیستها و غارتگران بین المللی را ارضاء کند . امروز دیگر به پیش از پیش واضح گشته است که این آدمکشی بی سابقه و ۶ ساله چرا و برای چه اهدافی و توسط چه نیروهای ترتیب داده شده است . منافع آن را چه کسانی به جیب میزنند و عواقب مرگبار آن بر دوش چه کسانی سنگینی میکند . امروزه سیر رویدادها بخوبی بیانگر اینست واقعیت است که ترتیب دهندگان و کارگردانان این جنایت بی سابقه که بعد از جنگ جهانی دوزخه مهلک ترین آدمکشی ها و قتلها در تاریخ جهان قرار دارد ، کسانی جز امپریالیستها و نگهبانان زنجیریشان نبوده و نیستند . هم اینانند که تمامی

در صفحه ۱۳

سیل جنوب و کوششهای موسوی اردبیلی برای اخذی از توده ها

با جاری شدن سیل در استانهای جنوبی کشور و دیگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مسئله جدیدی برای آشکار ساختن هر چه بیشتر چهره ضد مردمی و ارتجاعی اش یافت . رژیم مزدور خمینی از همان ابتدا توسیله سرپرست هلال احمرش اعلام کرد که دولت توانا نشی رسیدگی به سیل زدگان را ندارد و سپس زیر این پوشش به اشکال مختلف شروع به اخذی از توده ها نمود . شماره حسابهای مختلف بانکی بوسیله آیت الله ها و امام جمعه ها و ارگانهای گوناگون سرکوبگر برای جمع آوری کمکهای مردمی و با مصلح

کمک به سیل زدگان افتتاح گردید و با تبلیغات مداوم کوشیدند تا با سوء استفاده از انگیزه های انسانی توده ها آنها را سرکوب نموده و از این سود کلانی برای خود دست و پا کنند . ستادهای مختلف کمک رسانی با بوق و کوبند سازمان داده شد تا کمکهای جنسی مردم را جمع آوری نمایند و حاصل همه این تبلیغات ریاکارانه چیزی جز دست اندازی جدیدی از سوی رژیم به مال و اموال و دست و پا شده ها نیست ؟ انهم در شرایطی که توده های محروم و ستمدیده استانهای جنوبی کشور در موقعیت بی دهشتناکی بسر میبرند و سیل

عظیم جنوب همه هستی آنها را با خود برده و آنها را در سرمای سخت زمستان آواره ساخته است . در چنین اوضاع و احوالی است که سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی هر یک به شکلی بی حسنه آمدن دناضن اظهار همدردی با مردم سیر شده یعنی همان مردمی که این جنایتکاران هر روز بر آنها ظلم و تعدی روا میدارند و آنها را اجباراً دسته دسته به مصلح های جنگ امپریالیستی روانه میکنند تا قربانی منافع اربابان امپریالیستان سازند و پس از زنجیر آنها و سایر جاهل های جمهوری اسلامی در زیر

در صفحه ۱۵



اعلام شده بود که دولت فدرالی جمهوری اسلامی این مبلغ را به پیش‌پیش صرف خرید اسلحه از امپریالیستها کرده است.

☆ پس از بمباران وحشیانه اسلام آباد غرب بوسه وسیله عراق از آنجا که تعداد کشته ها و مجروحین این بمبارانها خیلی زیاد بود بمباران بمباران که مردم قند تشیع جنازه قربانیان جنگ ارتجاعی را داشتند شهر بی اندازه شلوغ گشت و خشم مردم را فرا گرفت. در این میان آخوندی مسلح به کلانتینکوف به همراه دو محافظ خودبه قصد فریب اهالی و تاکیسد برادامه جنگ و برای مهاز کردن خشم اهالی به میان مردم آمد. اما قبل از اینکه این آخوند مسزور سخنی گفته باشد مردم با شعار "حاجی کلانتینی [کلانتینکوف] حرف نزن دیگر نی است ما دیگر جنگ نمیخواهیم" به اعتراض بر علیه جنگ برخاسته و نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی کنونی آشکار ساختند.

☆ عبداللہی مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی لرستان اعتراف نمود که: "در بعضی از واحدها حتی تا حدود ۴ ماه حقوق پرداخت نشده است و این مسئله به معطل و مشکل بسیار بزرگی تبدیل گردیده است". رژیم مسزور خمینی در شرایطی از پرداخت حقوق کارگران و کارکنان خودداری نمینماید که بعلت شرایط بحرانی جا منسه و کرانی سرسام آور. ما به تاج زندگی کارگران ضایع سخت ترین شرایط قرار گرفته و دستمزدهای آنها تا مین کتتده زندگی بخور و نمیرشان نیز منبیا اند.

☆ چندی پیش رژیم فدرالی جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست فدرالیسمی جریا زگیری ایجا ریست در سیستان و بلوچستان به شکار جوانان شیدت بیشتری بخشید. در این رابطه مزدوران "گردان فدایی" که وظیفه دستگیری جوانان برای اعزام به جبهه ها را در این منطقه برعهده دارند، به رویتاشی برای سرپا زگیری بوزش میبرند. در یکی از خانه های اهالی وقتی جوانی را برای سرپا زگیری دستگیر نموده بودند با اعتراض مادر پیر خانوادة مواجه میشوند. در نتیجه اعتراض این مادر مبارزه دستگیری جوان مزبور درگیری لفظی بین پاسداران و مادر پیر بالا میگردد. در نتیجه پاسداران سرکوبگر با اسلحه به مادر پیر حمله کرده و با قنداق تفنگ به پاهای او خربه میزنند. این عمل خشم اهالی خانبه و همسایه ها را که ناظر معنه بوده اند را باعث گشته و در نتیجه درگیری بین اهالی و پاسداران شیدت بسیار بد در جریان این درگیری ۴ تن از پاسداران فدرالی به هلاکت میبرند. بنا بر این موازاتاً در مقابل قهرمانان مردم شوطه سرپا زگیری اجباری در آن روستا با شکست مواجه میشود و مزدوران رژیم مجبوره ترک آن منطقه میگردند. رژیم فدرالی جمهوری اسلامی که همیشه مبارزات خلق بسوج راه درگیریهای قاچاقچیان یا نیروهای دولتی منتسب میکند، این بار هم کوشید این مقاومت قهرمانان را که منجر به هلاکت ۴ پاسدار گشته بود، بسه قاچاقچیان نسبت دهد، امری که تنها باعث رسواشی بیشتر رژیم گردید.

☆ در تاریخ بمباران هواپیما های عراقی بیش از ۵۵ تن از اهالی بدفاع شهر با بخردن قربانی جنگ امپریالیستی گشتند. در جریان این بمبارانهای وحشیانه تعداد مجروحین به حدی زیاد بود که اتوبوسهای شرکت واحد شهرهای تبریز و مهاباد و رضاشه با دوازدهم تبدیلهاشان برای حمل زخمی ها به باغتران فرستاده شدند تا مجروحین را به بیمارستانهای شهرهای تبریز و مهاباد بفرستند.

☆ در ارتداری و بانک مرکزی آمریکا همچنان بسنه مذاکرات رسمی خود در دادگاه لاهه هلند ادامه میدهد. ظاهراً موضوع این مذاکرات باز پرداخت بیش از پانصد میلیون دلار از سپرده های ایران توسط آمریکا است. قبلاً در گریباگرم تحولات مربوط به افشای بخشی از روابط ایران و آمریکا

غذاشی با مشکلات زیادی مواجه اند. بجای آن تهیه مواد مخدر که اغلب بوسله پایداران توزیع میگردد به راحتی میسر میباشد.

☆ خمینی طی حکمی به اعضای هیئت عفو زندانیان که بیشتر از طرفداران منتظری تشکیل شده است اخبار مربوط به انحلال این هیئت را تکذیب کرده و گفت چنین انحلالی صورت نگرفته است و اظهاراتی که مبنی بر انحلال این هیئت از سوی بعضی از مسئولین مملکتی انجام شده بود را خلاف واقع دانست. این اظهارات که حال بوسله خمینی خلاف واقع نامیده میشود از سوی مخالفین منتظری و پس از جریان مهدی هاشمی عنوان شده بود. و بیانگر جدال و کشمکش مخالفین منتظری با دارودسته او بود.

☆ قراشٹی مسئول نهضت با مباحث سواد آموزی رژیم طی سخنرانی ای به مناسبت با روز تشکیل اولین نهضت اعتراف کرد که در ایران ۱۵ میلیون بیسواد بالای ۶ سال وجود دارد. ضمناً این مزدور اما فیه کودک در ایران ۲۰ هزار روستا فاقد مدرسه اند. البته این آمار وحشتناک بیانگر بخشی از واقعیت است. اما همین اعتراف کوچک سردمداران جمهوری اسلامی نشان میدهد در حالیکه تمام مساعی رژیم فدرالی در جهت تمرکز هرچه بیشتر امکانات مملکت در خدمت جنگ امپریالیستی است رقمی نزدیک بسه ۴ جمعیت کشور بالای ۶ سال از بیسواد و سنج میبرند.

☆ در تاریخ ششم دیماه انفجار مهیبی در یکی از پادگانهای جمع سپاه پاسداران در تهران بوقوع پیوست. رژیم فدرالی پس از آنکه ناچار شد این خبر را انتشار دهد کوشید که آنرا کم اهمیت جلوه کند. سازه در حالیکه بر اساس گزارشات رسیده در این انفجار عده زیادی از مزدوران سپاه پاسداران کشته و مجروح گشتند.

☆ یکی از سراز سرکوب سپاه فدرالی در عشتاد تهران در واقع دیماه چهار حریق و آتش سوزی شد چند روز پیش از این یعنی در عیدماه تیرگی دیگر سراز پادگانهای سپاه پاسداران در تهران منقرض شدند و تلفات و خسارهای بسیار آورده بود.

☆ نمایندگان جمهوری اسلامی و مقاماتسی از وزارت دارائی و بانک مرکزی آمریکا همچنان بسنه مذاکرات رسمی خود در دادگاه لاهه هلند ادامه میدهد. ظاهراً موضوع این مذاکرات باز پرداخت بیش از پانصد میلیون دلار از سپرده های ایران توسط آمریکا است. قبلاً در گریباگرم تحولات مربوط به افشای بخشی از روابط ایران و آمریکا

☆ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جریان احادیاتیش به بهانه جنگ حدود ۶۰ میلیون ریال از واحدهای منقعی شهر بیرجند به جیب زده است. ضمناً در حدود ۱۶۰۰ نفر از کسبه بیرجند را نیز با تهدید و زور سربیزه روانه جبهه های مرگ و نیستی نموده است.

☆ در اوائل دیماه فرادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق با زخم تاکتیک وحشیانه جنرالان شهرها و مناطق مسکونی باعث قربانی شدن عده جدیدی گردید.

☆ بمباران وحشیانه باختران و اسلام آباد غرب به خصوص قربانیان زیادی از مردم زحمتکش بجای گذاشت. ما ضمن تسلیم به خانواده های قربانیان این بمبارانهای وحشیانه و ابراز همدردی با آنها مردم مبارز باختران و اسلام آباد غرب را به مبارزه هرچه وسیعتر بر علیه این جنگ ویرانگر فرا میخوانیم. ☆ در شرایطیکه مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق بشر در ایران محکوم ساخته است و دستان خون آلود این دژخیمان بار دیگر بر مقابل انتظار عمومی قرار گرفته است، "انمار" سرپرست سازمان زندانها درصاحب مطبوعاتی و رادئو تلویزیونی خود وقیحانه اعلام کرده "در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی به مفهوم بین المللی وجود ندارد". این مزدور فکر میکند با باری با کلمات و انکار وجود زندانی سیاسی میتواند واقعیت مداه زندان و شکنجه گاه و خیل عظیم زندانیان سیاسی را لاپوشانی نماید.

☆ رژیم جنایتکار خمینی که در سالهای جنگین حکومتش شهره جای مردم ما را مکیده است و در راه منافع سرمایه داری وابسته از هیچ جنایتی رویگردانی ننموده است. مدتی است جهت تامین خون برای جبهه های جنگ به مکیدن خون دانش آموزان روی آورده است. این جلاد خون آشام تنها در شهر جهرم در یک نوبت ۱۷ هزار سی سی خون از دانش آموزان این شهر جمع آوری نموده است.

☆ در همین رابطه در خمینی شهر نیز رژیم فرسنگیان و دانش آموزان را "مجبور به اسفند" خون نموده است.

☆ طبق گزارشات رسیده از جبهه های جنگ ایران و عراق تغذیه سربازان در وضعیت نامساعدی قرار دارد و ارتش فدرالی از تامین نیازهای غذاشی آنها ناتوان است و در ضمن شرایط دهشتناک جبهه ها باعث رشد وسیع اعتیاد در میان سربازان و دیگر ارتشیان گفته است. در حالیکه سربازان برای تهیه

حمل نمایند .
 طبق گزارشات رسیده ، در اوایل آذرماه نظراتی در اقصیای دروغی بنام زمینیه روی میدهند که در جریان این تظاهرات حدود ۲۰ ماشین دولتی سوزانده میشود .

روزم مزدور خمینی در ادامه سیاستهای ارتجاعی و مزدورم جنگ و سیخ شیرو برای جبهه‌های سرگ و شیخی اخیرا مدت خدمت اجباری انترنهارا درجبهه‌ها افزایش داد . در این زمینه شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم گرفته است که خدمت انترنهارا درجبهه‌ها و از یکماه به یکماه دویم افزایش دهد .

رشدبخران اقتصاد در جمهوری اسلامی تا کیدرزم برآید به جنگ امپریالیستی آنچنان شرایط دشمنی برای توده‌ها به ارمغان آورده است که قابل توصیف نمیباشد . در این زمینه این رژیم وابسته حتی از دست اندازی به ما به احتیاج اولیو بودیهستی گزیده‌گان نیز دریغ نمیکند برای نمونه رژیم سساکو پیشی کردن شیخکفغذای مورد نیاز کودکان را معذور ساخته بود . اخیرا نیز شیرو پاسوریزه را برای کودکان نیز بندی نموده است در این زمینه مسئول کمیته مساهنگی توزیع شیرو پاسوریزه گفت : "بچه‌کودکان زیر ۲ سال روزانه یک لیتر شیرو تلسسک میگیرد برای بچه‌ها نان شیرینی و ماسه دستورا الحلی که به شوراها ی محل ابلاغ شده طبق دستور پزشک برای مدت‌های چینی کارت شیر توزیع خواهد شد . و در صورت نیاز دیوم شیر در هر منطقه سهمیه‌ای نیز برای افراد بالاتر از ۶۵ سال در نظر گرفته شده است ."

روزم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ارتجاعی و وسیع کارگران زده است . این رژیم مزدور به کارگران کارخانه "زاجیاد" گفته است نباید به جبهه‌ها پیوند پیدا باز خرید شوند . کارگرانی که حاضر به قربانی شدن در راه منافع توده‌ها در جنگ امپریالیستی نبودند ؟ اجبارا ازین به باز خرید دادند . باز خرید کارگران که بیرون دوره مرحله انجام گردید بیابگر وسعت زیاد اخراج کارگران بود . کارگران باز خرید شده یا گرفتن حدود ۲۰ هزار تومان - به طور نسبی - به خیل وسیع بیکاران پیوستند .

زنجانی وزیر برنام به بودجه جمهوری اسلامی اعلام کرده بودجه سال ۶۶ رژیم بر اساس ۲۵۰ میلیارد های مالیاتی و ۲۴۰ درآمدهای نفتی و ۲۲۰ از محل سایر درآمدها تنظیم گشته است . این ارقام بروشنی برنام‌های وسیع اخذی و چپاول رژیم را در سال ۶۶ آشکار میسازد . زمانیکه ۵۵ درصد درآمد بودجه از طریق مالیاتها نبوده جمهوری اسلامی شیره جان کارگران و دهقانان و همه توده‌های تحت تسلط واکشیده بود . حال که خود رژیم اعلام میکنند ۲۵۰ بودجه از طریق درآمدهای مالیاتی است ، بیروشنی مشخص میگردد که این رژیم چه برنام‌های وسیعی برای غارت و چپاول توده‌ها در مقابل خود گذاشته است .

روزم مزدور خمینی در چارچوب سیاستهای ارتجاعی وسیع اجباری انترنهارا مبلغ های جنگ امپریالیستی تنها در یک توبیت ۳۳ هزار نفر را از لرستان به جبهه‌های جنگ کسبل نموده طبق اطلاعات رسیده تا کنون هیچ کدام از این افراد به خانه‌های خود بازنگشته‌اند و در نتیجه قربانی سیاستهای ارتجاعی رژیم گردیده‌اند . در ضمن طبق

اخبار رسیده تنها در یک توبیت ۲۰ جنازه بدون سر و پادست و پا را مزدوران به شهر پیچورد آورده‌اند این شهر دفن نموده‌اند .

روزم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه اخذیهای بیشتر مانع از زحمتکشسان مالیاتهای سنگینی برای مغازه داران شهرکنگاور قائل گردیده است . مالیاتهای کمزگنی که به هیچ وجه با واقعیت دخل و سود مغازه‌ها تطبیق ندارد . برای نمونه برای یک مغازه تنها ۲۵ هزار تومان فیش مالیاتی ارمال شده است که پس از اعتراضات زیاد و شکایات فراوان به ۲۵ هزار تومان تقلیل یافته است . در ضمن مزدوران رژیم در مقابل سبیل اعتراضات مغازه‌داران شهرکنگاور به حمله جدیدی متوسل شده و مالیاتها را قسطی نموده‌اند . برای نمونه از مغازه‌ای که ۲۵ هزار تومان مالیات باید بپردازد ، در ابتدا ۱۰ هزار تومان میگیرند و بقیه مبلغ فوق را به اقساط ماهیانه ۵۰۰ تومان از مغازه‌دار دریافت میکنند و البته رژیم اجناسیگار خمینی مغازه‌داران شهرکنگاور را تهدید نموده است که اگر مالیاتها را نپردازند جواز کسب آنها را لغو میکند و لغو جواز کسب هم در شرایط بیکاری و فقر و فلاکت در ایران به مفهوم بیوستن به سبیل بیکاران و گرسنگی کشیدن میباشد .

در ادامه زورگوشنها و اخذیهای رژیم ، مزدوران جمهوری اسلامی به ما حیان مغازه‌هاش که تازه شروع به کار کرده‌اند اعلام نموده‌اند که باید مالیاتهای عموقه قبلی مغازه‌ها را نیز بپردازند . یعنی اگر مغازه‌ای که تازه برای کاری گواهی گردیده چند سال مالیات نپرداخته باشد مغازه دار جدید باید جور همه آن مالیاتها را بکشد و این امر نیز فشارهای بازم بیشتری بر مغازه داران کنگساور وارد ساخته است .

در ادامه اخراجهای کارگران کارخانه آجسور سفالین سفنان نیز ۴۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج نمود و در نتیجه در شرایط گرانی سرمام آور ما به احتیاج عمومی ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران ستمدیده کشورمان به خیل عظیم بیکاران افزوده شدند . کارخانه چتری از پرداخت بپورمانتا و بخشی از کارگران خودداری نموده‌اند . این مسئله با عیبیت مازایستی شدید کارگران گردیده است .

کمبود گاز در شهر کرج نیز به مشکلات دیگر مردم این شهر افزوده شده است . و از آنجا که توزیع کپولهای گاز در شهر کرج مشکلنا مورتی انجام نمیگردد مردم مجبورند که برای بدست آوردن گاز مورد نیاز خود آتزا به چند برابر قیمت در بازار آزاد تهیه نمایند .

در رابطه با جاری شدن سیل در استان بوشهر نماینده مزدور بوشهر گفت : "اخبارات وارده به آن حد رسیده که دولت بدون تعاعدت و معافیت همگانی مردم توان فریض و قدرت پاسخگویی ندارد ." این مزدور در ادامه سیاستهای چپاولگرانه جمهوری اسلامی با برجسته کردن ناتوانی دولت و لاپوشانی علت اصلی این ناتوانی گوش نمود مردم را فریب داده و راه را برای اخذیهای بازم بیشتر رژیم جمهوری اسلامی هموار نماید .

روزنامه اطلاعات در گزارشی درباره وضعیت دندانپزشکی در ایران اعتراف کرده که در حالیکه برابر استناد دارد جهانی برای هر هزار نفر یک دندانپزشک باید وجود داشته باشد ، به موجب آمار سال ۶۴ در استان ایلام فقط یک دندانپزشک و در استانها ما نمانند

چهارمخال بختیاری و کهکسلوپیو و نویرا احمد دوپامه دندانپزشک وجود دارد . یعنی برای هر ۱۶ هزار و پانصد نفر تنها یک دندانپزشک و این تازه در شرایطی است که روستاهای کشور با دارا بودن لااقل نصف جمعیت کشور از ابتدائی ترین خدمات دندانپزشکی و بهداشت دهان و دندانندان محرومند و تقریبا در هیچیک از روستاهای کشور دندانپزشک حضور ندارد .

در تمام بورشهای جمهوری اسلامی درجبهه‌های جنگ ، رژیم حمله جدیدی را در منطقه سوماره ر استان با اختران بنام کربلای ۶ آغاز نمود تا هر چه بیشتر تنور جنگ امپریالیستی را گرم نگاهدشته و شمار دیگری از جوانان کشور را قربانی اهداف و منافع امپریالیستها در این جنگ ویرانگر سازد .

در حالیکه وودبار در ۱۰ کیلومتری سد منجیل قرار دارد زیتون کاران رود بار بعلت کمبود آب ، محصولشان به نصف تقلیل یافته است . رژیم که همه امکانات مملکت را صرف ماشین جنگی و سربکسب ارتجاعی کرده است از کمک به زیتون کساران رحمتکش رودبار دریغ نموده و فقر و فلاکت آنها را تشدید نموده است .

در شرایط نسبی همه کالاهای ضروری و گرانی روز افزون ما به احتیاج عمومی و در نتیجه ناتوانی توده‌ها از تأمین حداقل معاش خود ، الزامات نان به یکی از مهمترین مواد غذایی توده‌ها بدل میگردد . اما مدتهاست که رژیم منحوس جمهوری اسلامی از تأمین همین نیاز اولیه نیز خودداری نموده و توده‌ها را هر چه بیشتر تحت فشار قرار میدهد . برای نمونه در شرایطیکه جمعیت تهران هر روز افزونی میگردد و جمهوری اسلامی از تأمین نان مورد نیاز اهالی نیز ناتوان است بازم این رژیم منحوس با اعمال قوانین و مقررات دست و پا گیر در رابطه با توزیع آرد و ایجاد ناتوانی های جدید باعث تشدید این وضع گردیده است .

در شرایطی که بیکاری و گرانی در کشور پیداد میکند زحمتکشان قدرت خرید پنیرو را در بازار آزاد به قیمتهای گزاف ندارند . مدنی است که در تهیزان پنیرو بدست میآید و دست اندرکاران دزد و فاسد رژیم از دادن سهمیه کوپن مردم نیز دریغ نموده‌اند و در نتیجه زحمتکشان کشورمان از تأمین یکی دیگر از ما به احتیاج روزانه خانواده خود نیز محروم گشته‌اند .

کمبود مواد سوختی در با اختران همچون بقیه نقاط ایران مشکلات زیادی برای توده‌ها بوجود آورده برای نمونه قیمت ۲۰ لیتر نفت در این شهر به ۲۵۰ تومان رسیده است و این در شرایطی است که اهالی شهر با اختران در شبانه روز فقط ۲ ساعت از برق میتوانند استفاده کنند . در نتیجه در سرمای سخت زمستان کمبود برق و گرانی مواد سوختی شرایط زندگی توده‌ها را هر چه بیشتر غیر قابل تحمل نموده است .

روزم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه بر شدت دستگیری و شکار جوانان و اعزام اجباری آنها به جبهه‌ها فرونی بخشیده است ، دانش آموزان و نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ ساله را نیز برای رفتن به جبهه‌های مرگ و نیستی شدیدا تحت فشار قرار داده است . در همین رابطه در شهر ورامین در دوتوبیت و هرتوبیت ۴۰۰ دانش آموز را اجبارا به جبهه‌ها کسبل داشته است .

در جریان حملات جمهوری اسلامی موسوم به



سردشت

دراواشل دیماه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در منطقه سردشت به روستاهای "الواتان"، "ته و خلفا"، "دارمکون"، "مزرعه" و "بویانه" یورش برده و ضمن محاصره این روستاها شروع به خانه‌گردی نمودند و در نتیجه تعدادی از جوانان این روستاها را دستگیر و روانه مراکز نظامی نمودند. در شرایطی که رژیم مزدور خمینی به اشکال مختلف در صد فکاز جوانان و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ میباید. توده‌های ستمدیده خلق کرد نیز با شناخت ماهیت رژیم و جنگ ارتجاعی به اشکال گوناگون در مقابل سیاستهای سرماگیری رژیم مقاومت نموده و تن به سیاستهای ارتجاعی این رژیم نمیدهند. برای نمونه تعدادی از جوانان دستگیر شده در یورش اخیر به روستاهای فوق از مراکز نظامی فرار کرده و دوباره به روستاها پتان بازگشته‌اند.

بنا بر گزارشات رسیده اکثراً ایثارگران در شهر سردشت اخیراً با بستن چهار راهها و یورش به اماکن عمومی و دکانها به دستگیری جوانان برای اعزام به سربازی مبادرت نموده‌اند.

در پی کمبود شدید نفت در شهر سردشت مردم شهر مجبور شده‌اند که هر شب که ۲۰۰ لیتری نفت را بقیامت ۶۰۰۰ تومان خریداری نمایند. کمبود نفت و گرانی سرام آور آن بخشی از مردم شهر سردشت را مجبور ساخته است که بجای بخاریهای نفتی از بخاریهای هیزمی استفاده نمایند.

طبق گزارشات رسیده مزدوران جمهوری اسلامی در روستای "زله" در نوار مرزی ایران و عراق مبادرت به ایجاد درمانگاه کوچکی نموده‌اند تا زیر پوشش این درمانگاه فعالیت‌های جاسوسی خود را در منطقه رشد و گسترش بیشتری بدهند. مزدوران رژیم در این درمانگاه مبادرت به نصب عکس‌دزدخیم معلوم الحال جمهوری اسلامی یعنی خمینی مزدور میکنند. ولی پس از چند روز افرادی چشم‌های خمینی را در عکس فوق پاره کرده که این امر باعث خشم و غضب شدید پاسداران خمینی میشود و در نتیجه درمانگاه فوق برای چند روزی تعطیل میگردد.

رژیم مزدور خمینی در تبلیغات راپاکارانه خود اعلام میکند که نیروهای مادر کردستان عراق به هروستائی وارد میشوند. اهالی روستاها خواهان عکسهای امام بودند ولی دیگر نمیتوانستند خلق کرد چه بوسر عکسهای امام چنانکه راپاکارانه

مزدوران جمهوری اسلامی در روستای الواتان به خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که هرکس فرزند مشمول دارد باید فرزندش را معرفی نماید و در صورتیکه معرفی مشمول خانواده خودداری شود پدر و مادر خانواده بجای سرباز مشمول به گروگان گرفته خواهد شد.

مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای کنترل هرچه بیشتر رفت و آمد توده‌ها به مناطق استقرار پیشمرگان خلق کرد از هیچ تلاش ضد خلقی ای دریغ نمی‌ورزند. اخیراً این مزدوران به منظور جلوگیری از تردد مادران و زنان به مناطق پیشمرگه در روستای میرآباد سردشت اقدام به ایجاد پست بازرسی نموده‌اند. اینان با استقرار نمیسودن چادری در این روستا، از زنان کارت شناسائی طلب کرده و سپس به تفتیش یعنی آنان میپردازند. همانگونه که تاکنون تمامی تلاشهای مذیوجانسه مزدوران در کردستان نقش بر آب شده است اینبار نیز توده‌های خلق کرد و بویژه مادران و زنان مبارزان اقدامات سرکوبگرانه را خنثی خواهند ساخت.

از اول دیماه جاری یورش سیمانه و وحشیانه نیروهای ضد خلقی جمهوری اسلامی به شهر سردشت و روستاهای اطراف آن جهت بمورد اجرا گذاشتن سیاست ارتجاعی سرماگیری اجباری آغاز شده و همچنان ادامه دارد. تاکنون رژیم با استفاده از جاشهای منطقه سردشت حدوداً ۸۰۰ نفر از جوانان را دستگیر نموده و روانه مراکز نظامی در ارومیه کرده‌اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پس از یکماه آموزش آنان در پادگانها این جوانان را در گروهبهای ضربت سازماندهی کرده با پرداخت ماهانه ۲۵۰۰ تومان حقوق به آنها، آنان را به مناطق خودشان بر میگردانند تا با استقرار در پادگانهای سرکوب در منطقه سردشت، در سرکوب مبارزات دلاورانه نمایانند.

دراواشل دیماه جاشهای منطقه سردشت جهت سرماگیری به روستاهای احمدبیریم، آغلان، داودلو، گردینه و چند روستای دیگر منطقه یورش برده و جوانان روستا را دستگیر نموده‌اند. مزدوران رژیم در هنگام شب اطراف روستاها را محاصره کرده و سپس صبح زود وارد روستاها شدند. اما علیرغم این اقدامات در بعضی از روستاها جوانان موفق به فرار گردیدند و در نتیجه رژیم نتوانست حتی یک نفر را هم دستگیر نماید.

اما در مجموع روستاهای تعدادی از جوانان را دستگیر و روانه مملک گاههای جنگ امپریالیستی نمودند.

اورمیه

با سهمیه بندی شدن بنزین در شهر ارومیه به وانت‌های پلاک قرمز روزانه ۱۵ لیتر و به وانت‌های پلاک سفید روزانه ۵ لیتر بنزین تعلق گرفت. ارتجا

که روزانه ۵ لیتر بنزین به هیچوجه کفایت‌کار و فعالیت‌های پلاک سفید را نمیکند این امر باعث نا رضایتی شدید ما میان وانت‌های پلاک سفید گردید. این نا رضایتی در روند خود به تظاهراتی منجر گشت که رانندگان وانت‌های پلاک سفید با مسخره کردن شعارهای رژیم شعار میدادند: "شیمه و سنی فرقی نیه! پلاک قرمز و پلاک سفید فرقی نیه!" یعنی شیمه و سنی فرقی ندارند و وانت‌های پلاک قرمز و پلاک سفید هم فرقی ندارند. در جریان این تظاهرات پاسداران مزدور رژیم به سرکوب تظاهرات کنندگان پرداخته و مبادرت به تیراندازی نمودند و در نتیجه تظاهر کنندگان اجباراً متفرق گردیدند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با کوبیدن هر چه بیشتر به طبل جنگ امپریالیستی توده‌ها را تحت فشار قرار میدهد تا فرزندان خود را به قتلگاہهای جنگ ضد خلقی گسیل دارند و خود با یورشهای سیمانه به مراکز پرورشی و آید شهرها با مدارس و کارخانه‌ها جوانان را شکار نموده و تحویل پادگانها میدهند و بدین ترتیب این رژیم وابسته با توسل به عربانترین سرکوبها عرصه زندگی را برای تمامی توده‌ها تنگ نموده است. مردم همگن کش میمان یعنی مختلف از فرستادن فرزندان خود به جبهه‌های جنگ امتناع می‌ورزند و در مقابل سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی رژیم به مقاومت بر می‌خیزند و گاهی حتی با پذیرش خطرات جانی و پرداخت پول هنگفتی به قاچاقچیان فرزندان خود را از مرزهای ایران خارج می‌سازند. بطوریکه اخیراً حدود ۳۰۰ نفر از جوانان میهمان قدم خروج از ایران را داشتند که در راهی خوی (گلگانه ارومیه) توسط مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی دستگیر میشوند. دستگیرشدگان هر کدام حدود ۲۰۰ هزار تومان پول به قاچاقچیان داده بودند تا با خروج از ایران از این زندگانی مرگبار نجات یابند. وقتی پدر یکی از این جوانان از دستگیری فرزندش مطلع میشود بعد از تلاشهای بسیار فرزندش را در یکی از پاسگاهها به همراه عسده زیادی از جوانان دستگیر شده دیگر میباید از شدت ناراحتی و از اینکه مرگ بچهاش را با بد در جبهه در یک جنگ ضد مردمی ببیند خودش را از پنجره یکی از هتل‌های ارومیه بیکی از خیابانهای مجاور پرت کرده و به زندگی خویش خاتمه میدهد.

اخیراً رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه‌اش در کردستان به شهوه جدیدی برای فشار و اذیت خلق کرد متوسل گردیده است. و در بعضی از مناطق کردستان چه در شمال و چه در جنوب به اهالی روستاها فشار می‌آورد که مخارج پایگاههای رژیم را تامین نمایند. این مزدوران و قبح قدم دارند مخارج پایگاه‌های راکه برای سرکوب خلق کردند در کردستان مستقر کرده‌اند و انیز به خرج توده‌های تحت ستم کردستان تا مین نمایند.

مها باد

کلاس‌های ری و سیخ رژیم از توده‌های محروم برای با مملک ایستائهای سیل زده جریان دارد.



رژیم ضد خلقی که از همان اولین روزهای بروز سیل وظیفه کمک به سیل زدگان و ترمیم خرابیها را به با صلاح امت مسلمان حواله داده بود اکنون میلیونها رمال را در این رابطه از بوم زحمتکش اخاذی نموده است. اخیرا در اغوشیه پاسداوان و سایر مزدوران با مراجعه مستقیم به اهالی آنها و مجبور به پرداخت مبالغی در این رابطه کرده اند .

★ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای تامین نیروی انسانی جبهه های جنگ و در نتیجه گرم نگه داشتن تنور این جنگ امپریالیستی به هر وسیله ای متوسل میشود . برای نمونه اخیرا سردمداران این رژیم برای شکار جوانان شهر مها باد به حمله جدیدی توسل جستند . آنها به پاسانهای مها باد اعلام کرده اند که در راه دستگیری هزفرد مشمول سربازی مبلغ ۲۰۰ تومان پول و ۴ روز مرخصی به آنها تعلق میگیرد . تا به این وسیله آنها را تشویق به دستگیری جوانان برای اعزام به مملکت گاهای جنگ امپریالیستی نمایند .

★ در شهر مها باد موج دستگیری توسط گشت نارالله و شهرپاتی همچنان ادامه دارد . رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جهت درهم شکستن مقاومت مردم دلبیرو زحمتکش شهر مها باد به شیوه جدیدی متوسل گشته است بطوریکه سردمداران ضد خلقی و مزدوران رژیم به اهالی مها باد اعلام کرده اند که هر کس جوانان مشمول را به پادگانها تحویل دهد از سوی رژیم جایزه دریافت خواهد کرد .

★ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضد خلقی خویش برای گرم نگه داشتن تنور جنگ امپریالیستی با زخم به شکار جوانان در شهر مها باد ادامه میدهد .

اخیرا رژیم با یورش به دکانهای شهر مها باد اقدام به دستگیری جوانان نموده و آنها را روانه پادگانها مینماید . اما جوانان شهر در مقابل این یورشهای وحشیانه مقاومت کرده و حتی زمانی که دستگیر و روانه پادگانها میگردند با استفاده از ۴ روز مرخصی ای که برای آماده نمودن لباسهای سربازی به آنها داده میشود ، فرار کرده و به شهر خود باز میگردند .

★ سیاستهای ضد خلقی رژیم در رابطه با محاصره شبانه روستاها و دستگیری جوانان و سربازگیری اجباری در کردستان همچنان ادامه دارد .

اخیرا روستاهای منطقه "کشورک" مها باد در ادامه این سیاست ضد خلقی مورد یورش وحشیانه نیروهای رژیم قرار گرفته و برخی از جوانان که موفق به فرار شده اند در دام دستجات شکار جوانان رژیم افتاده اند . لازم بذکر است که به علت مقاومت و عدم تمکین اهالی روستاهای مناطق مختلف کردستان ، رژیم تاکنون در اجرای این سیاست ارتجاعی پیشرفت چندانی نداشته است .

نقد

★ در شرایطی که فقر و فلاکت و بیکاری در سراسر میهنمان و بویژه در کردستان بیدار میکند و رژیم مزدور به اشکال مختلف به چپاول دسترنج توده ها مشمول است جمهوری اسلامی تحت پوشش کمک به فشار نقدی مقدار ۴۰ هزار و ۸۰۰ کیلوپونج ، ۲۰ هزار

پاکت سبکبار ، مقدار قابل توجهی قند ، دو دستگاه بخال ، ۱۷ عدد چرخ گوشت ، ۶ عدد ساور ، ۸ عدد والر و دو تنه فرش ماشینی بین جانشینان منطقه نهد توزیع کرده است .

سقز

★ مزدوران رژیم ضد خلقی در چارچوب سیاست سربازگیری اجباری رژیم در شهر سقز فعالیتها گسترده ای را آغاز کرده اند . آنها با ایجاد راه بندها در خیابانها و گذرگاههای پررفت و آمد به شکار جوانان میپردازند و با یورش شبانه به خانه های مردم جوانان شهر را دستگیر و روانه جبهه های جنگ میکنند .

دیواندره

★ رژیم مزدور که برای سرکوب جنبش خلق کرد از هیچ جنایتی رویگردانی نکرده است مدتی است به توده های روستایی برای مصلح شدن و نگهبانی دادن در روستا فشار میآورد . مزدوران رژیم در دیواندره اهالی روستاهایی که اجبارا مصلح شده اند را مجبور میسازد تا برای جمهوری اسلامی نگهبانی دهند . رژیم به این وسیله میکوشد تا اهالی روستاها را در مقابل پیشمرگان خلق کرد قرار دهد ولی این سیاست نیز با اعتبار جنبش خلق کرد و فعالیتهای پیشمرگان قهرمانش همچون دیگر تلاشهای مذبوحانه جمهوری اسلامی به ضد خود تبدیل میگردد . روستائیان به زور مصلح شده تمامی امکانات جدید خود را در اختیار پیشمرگان خلق کرد قرار میدهند و به این وسیله غریبه پذیری دشمن را فزونی میبخشند .

پیرا شهر

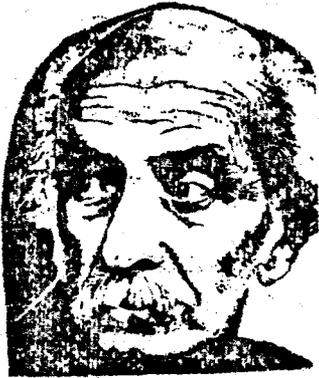
★ در پی سیاست جنگی رژیم مزدور خمینی که موجب کمبود بنزین و کوپنی شدن آن گشته است در پیرا شهر هر ۲۰ لیتر بنزین به قیمت ۴۰۰ تومان خرید و فروش میگردد . بدیهی است که دست اندرکاران این امر اساسا کسانی جز اباده رژیم مزدور نیستند که در این آشفته بازار به سرکشی کردن میپردازند .

سنندج

★ در هفته های اخیر بار دیگر شهر سنندج شاهد چندین برخورد پراکنده مزدور با مزدوران رژیم و ارگانهای سرکوب بود این برخوردها عمدتاً بر سر کمبود و عدم توزیع مایحتاج اولیه مردم ، اخاذیهای رژیم در مدارس ، بمباران و جنگ دور میزد ، در هر مورد توده ها به تجمع و اعتراض و مقاومت دست زدند . مقاومت مردم هر بار منجر به درگیری با مزدوران گشته و توده ها شعارهای مرگ بر رژیم سردادند . لازم به توضیح است که در ماههای اخیر این چندمین بار است که مردم مبارز شهر سنندج دست به مقاومت و اعتراض پرعلیه فشارها و تضییقات مزدوران رژیم زده اند .

بیانه

★ رژیم مزدور در منطقه بیانه فشارهای خود را برای مصلح کردن روستائیان و مجبور کردن آنها به نگهبانی در روستا افزایش داده است . رژیم روستائیان منطقه بیانه را مجبور میسازد تا نگهبانی از روستا را برعهده بگیرند . تا به این وسیله به خیال خود در پیوند ناکستنی پیشمرگان و خلق کرد خلقی ایجاد کرده باشد . اما روستائیان در مقابل این سیاست ارتجاعی مقاومت نموده و حاضر به همکاری با رژیم نمی شوند و در روستاهایی که به هردلیل رژیم موفق به تحمیل این امر به اهالی میگردد نیز روستائیان به هیچوجه با رژیم عملاً همکاری نکرده و همچنان به پیشمرگان خلق کسود کمک و یاری میسرانند .



یاد نیما یوشیج پدر شعری کرامی باد

"ناقوس"

بانگ بلند دلکش ناقوس

در خلوت سحر

بشکافته ست غمخواران خاکستر هوا

وز راه هر شکافته بازخنده های خود

دیوارهای سود سحر را

هر لحظه میدرد .

مانند مرغ آبر

کا ندر فضای خامش مردابهای دور

آزاد می بود

او میبرد به مردم بانگتهای که در

طنین او بیجاست .

پیچیده باطنش در نکته ای دیگر

کز آن طنین بجاست

.....

.....

از هرواش

این نکته گشته فاش

کاین کهنه دستگاه

تخمیر میکند .

دینگ دانگ دمدم

راهی به زندگی است

از مطلع وجود

تا مطرح عدم

جود بیگاه سحر و سحر

اخبار جهان



روزنامه ایتالیایی ایل مانی (L'ESPRESSO) شماره ۲۳ دسامبر ۸۶ خود مباحثه ای از ریگان رئیس جمهور آمریکا چاپ نموده که ریگان در آن مباحثه گفته است: " حزب جمهوری خواه آمریکا قبل از انتخابات ریاست جمهوری از دولت ایران درخواست کرده بود گروهانهای جریان سفارت آمریکا در تهران را برای مدت دیگری یعنی تا بعد از انتخابات مذکور در تهران به حالت زندانی نگه دارد."

ریگان در ادامه مباحثه اش اظهار میدارد که در همان زمان حزب جمهوری خواه در مقابل این اقدام به جمهوری اسلامی قول میدهد که در صورت پیروزی در انتخابات روابط حسنه ای با جمهوری اسلامی برقرار کند.

☆ جوان ایرانی که در کشتی جمهوری اسلامی بنام " ایران جهاد " در بندر جنوا تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بود پس از رد تقاضایش به مدت دو روز در این کشتی توسط مزدوران جمهوری اسلامی تحت شدیدترین شکنجه ها قرار میگردد.

دانشجویان مبارز ایرانی و ایرانیان مقیم این بندر همراه با کارگران بازاریان و بندر جنوا نسبت به این وحشیگری اعتراض نموده و مانع از خروج این کشتی از بندر فوق میشوند. اما مقامات دولت کراکسی در ایتالیا به کشتی مزبور اجازه حرکت از بندر را نمیدهند. در این جریان مشخص میشود که کشتی حامل سلاحهای ساخت آمریکا بوده و در حال حمل آنها بسوی ایران میباشد.

این کشتی کانتینرهای با علامت ساخت آمریکا را با رگبیری نموده و قصد بازگشت به ایران را داشته است. پس از این اتفاق کشتی رهسپار بندر لیورنو (LIVORNO) میگردد. ایرانیان مبارزه از مسیر حرکت کشتی مطلع میگرددند به بندر فرسوق رفته و با قاضی شهر صحبت کرده و او را متقاعد میکنند که کشتی " ایران جهاد " را که حامل جوان ایرانی و اسلحه آمریکایی میباشد به جرم آدم ربایی توقیف نماید. اما با پیچیدن این خبر در شهر فوق مزدوران انجمن اسلامی وابسته به سفارت جمهوری اسلامی در ایتالیا از جریان ماوقع مطلع گردیده و به سفارت جمهوری اسلامی خبر میدهند. در نتیجه کشتی با تغییر مسیر خود به طرف تالامونه که پایگاه هوایی آمریکا در آنجا قرار دارد رهسپار میگردد.

لازم به توضیح است که پایگاه مزبور یکی از مراکز با رگبیری کشتی های حامل اسلحه آمریکایی به جمهوری اسلامی بوده و این کشتی ها پس از بارگیری به قصد دریای عمان حرکت میکنند.

☆ یک هواپیمای منافربری عراق در مسیر بغداد - عمان ریخته شد و دواش درگیری و تیراندازی هواپیما ربا بان و ما موران حفاظت، هواپیما دچار حریق گشته و زمانیکه قصد فرود در خاک عربستان سعودی را داشت منفجر گردید و ۵۹ نفر از مسافران هواپیما جان باختند.

☆ در کراچی نظراتی که به منظور اعتراض نسبت به کشته شدن یک نظامی هرکننده بدست پلیس روی داده بود با زهم بر اثر تیراندازی پلیس مزدور پاکستان عده ای کشته و مجروح گشتند.

☆ عده ای از احباب صنایع صنعت کشتیرانی بین المللی از دبیرکل سازمان ملل خواستند که تشکیل یک نیروی حافظ صلح در خلیج فارس را مورد مطالعه قرار دهد. امپریالیستها که خودگردانندگان اصلی جنگ ایران و عراق هستند از یکطرف بانا امن کردن منطقه سوده های میلیاردی به جیب میزنند و از طرف دیگر به بهانه نا امن بودن منطقه دستاویزی برای حضور فاعلتر نیروهای نظامی خود در خلیج فارس پیدا مینمایند و این هیچ چیز نیست جز تاکیدی بر سرنوشت امپریالیستی جنگ ایران و عراق. لازم به تذکر است که در طول سال میلادی گذشته بیش از ۱۰۰ حمله به کشتی ها در خلیج فارس صورت گرفته است، امری که باعث بالا رفتن شدید نرخ بیمه کشتیها گشته و سوده های سرشاری را نصیب شرکتهای بیمه امپریالیستی ساخته است.

☆ مدتی است که در چارچوب تفاهای جریان فاسد انقلابی دولتمندان رژیم مزدور سوریه حملاتی رایج گروه توحید اسلامی سازمان داده است بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه در جریان این حملات شیخ هاشم منقاره یکی از رهبران جنبش توحید اسلامی بازداشت گردیده و محل انبارهای اسلحه گروه خود را به ارتش مزدور سوریه لو داده است. این امر هم ماهیت باصطلاح رهبرانی چون شیخ هاشم منقاره که در تبلیغات دربار کارانه خود همچون سردمداران جمهوری اسلامی خود را هر لحظه آماده شهادت جلوه میدهند، روشن میسازد و هم نقش سرکوبگرانه ارتش مزدور سوریه دولتمندان را.

☆ سفینگوی وزارت محیط زیست آلمان غربی در موشخ اعلم کرد که دلان خارجی در تلاش هستند تا پنج هزار تن شیر خشک انبار شده در یک ایستگاه قطار در ناحیه " باواریا " را که در معرض تشعشع اتمی ناشی از انفجار نیروگاه چرنوبیل قرار گرفته است خریداری کنند. این خبر بروشنی ماهیت جنایتکارانه نظام سرمایه داری را آشکار میسازد چرا که اگر آلمان غربی به واقع به این شیخه رسیده است که این شیر خشک آلوده به مواد رادیو اکتیویته هستند پس چرا آنها را نابود نمیسازد؟ علت این امر روشن است چون این شیر خشک های آلوده امکان همین باصطلاح دلان به کشورهای تحت سلطه فروخته خواهد شد تا به اعتبار مرگ و نیستی توده ها در این کشورها، انحصارات امپریالیستی نه تنها ضرر نکرده بپاشند بلکه سود سرشاری هم به جیب بزنند.

☆ نیویورک تا به امروز در گزارشی اعلام نمود که سازمان اطلاعاتی آمریکا در سالهای اخیر اطلاعات گسترده ای در اختیار ایران و عراق قرار میداده است تا از بهروزی یکی بردگیری جلوگیری نماید. در ضمن در همین رابطه یک مقام ارشد دولت عراق در مباحثه ای با روزنامه وال استریت جورنال اعلام کرده که کشور او متقاعد شده است که اطلاعات گمراه میوزید که ایران از یک مظارقه مرکزی در موزیمین دو کشور حمله خواهد کرد در حالیکه برعکس ایران به قار در جنوب عراق حمله ور شده این خبر در حالیکه بروشنی نقش امپریالیستها را در جنگ ایران و عراق یکبار دیگر آشکار میسازد در همان حال نشاندهنده راهها و وسایل کوناگونی است که امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاستهای خود در این جنگ

☆ امپریالیستی به آن متوسل میشود.
☆ روزنامه آلمانی "ال زایتونگ" اعلام کرد که تنها در طول ۶ ماه در سال میلادی گذشته ۲۳۸۲ نفر از اهالی ترکیه و حدود ۷۶۹۲ نفر ایرانی از طریق استامبول و آنکارا به آلمان غربی رفته و تقاضای پناهندگی نموده اند.

☆ روزنامه آلمانی اشتوتگارت مخارج جنگ ایران و عراق را از ابتدا تا کنون ۹۰۰ میلیارد دلار اعلام نمود. در ضمن این روزنامه بر اساس ارزیابی یک پروفیسور لیبتانی بنام نوری فایعات جنگی ایران را ۲۷۰ میلیارد دلار و عراق را ۲۴ میلیارد دلار اعلام نموده است یعنی بر اساس ارزیابی این روزنامه ایران در طول جنگ ارتجائی ۵۱۴ میلیارد دلار خسارت دیده است.

☆ اخیرا به علت حملات هوایی عراق به نفتکشها در جزیره سیری کمیته "ریسک جنگ" که در لندن مستقر است قیمت درصد بیمه منطقه خلیج سیری را افزایش داده. برای مثال برای ۴۰ میلیون دلار نفت خام که بوسیله نفتکشهای ۲۵۰۰۰۰ تنی حمل میگردد بیمه ای به مبلغ ۱۵۰۰۰۰ دلار تعیین نموده است.

این کمیته اعلام کرده است چنانچه حملات هواشی به خلیج سیری ادامه پیدا کند و تعداد بیشتر شود نفتکش به آتش کشیده شوند با زهم درصد حق بیمه را افزایش خواهد داد.

☆ این خبر بخوبی منافع جنگ امپریالیستی ایران و عراق را برای انحصارات و شرکت های امپریالیستی نشان میدهد و آشکار میکند که چگونه شرکت های بیمه از قبل این جنگ سوده های هنگفتی نصیبشان گردیده است.

☆ بر اساس گزارشات منتشر شده، هوست عظیم " نیمان " در ژاپن، که رژیم فاشیستی جمهوری اسطی یکی از طرفهای مهم معامله اش میباشد برای اولین بار در تاریخ تاسیس خود ضرر داده است. در سالهای اخیر بحران اقتصادی شدید یکی از دلایل اصلی بحران امپریالیستها شده است و گزارش فوق بیانگر جلوه ای از این بحران است. در همین رابطه سیاست رسمی و عملی امپریالیستها در مقابله با بحران اقتصادی، سرکن کردن همه جانبه این بحران به کشورهای تحت سلطه و از جمله ایران میباشد.

☆ تحولات مربوط به افشای ماجرای فروش اسلحه از جانب امپریالیسم آمریکا به ایران همچنان ادامه دارد. اخیرا از سوی ریگان رئیس جمهور آمریکا نماینده قبلی این کشور در بیمه اتلانتیک شمالی به سمت مشاور ویژه او برگزیده شده است. وظیفه این مشاور ویژه به معنی " دیویدیا میر" سهرسی با سخنانی کاخ سفید در مورد مسئله فروش اسلحه به ایران میباشد. این اقدام به دنبال تلاشهایی صورت میگردد که مدت ها است از طرف سردمداران امپریالیسم آمریکا برای لیونانی هر چه بیشتر جزئیات ماجرای فروش اسلحه و رابطه با ایران بعمل میاید.

☆ یک ما مور پیشین اطلاعاتی دولت آمریکا اخیرا بخشی دیگر از روابط پشت پرده معامله اسلحه آمریکا و ایران را افشا کرده است. وی که ریلیام هوفن نام دارد در مباحثه با یکی از روزنامه های اروپایی گفته است که حداقل یک سال قبل از ادای دولت آمریکا با نمایندگان ایرانی دریاوه تحویل سلاح به رژیم ایران ملاقات و مذاکره داشته است وی عنوان نمود که در مهرماه ۱۳۶۴ چند بار با فردی بنام "متوجه قربانی فر" در لندن ملاقات



داشته و برای انتقال ۱۰۰۰۰ موشک ضدتانک به رژیم ایران ، درقبال آزادی گروگانهای امریکایی در لبنان مذاکره کرده است . او اضافه کرد که : " مقامات عالیترتیب سیا CIA کاملاً با فروش و انتقال این سلاحها به ایران موافق بوده و بهوی اطمینان داده بودند " . در ضمن بنا به گفته این مأمور اطلاعاتی پس از انجام مذاکرات و به همراهی طرف مقابل بمنوار نماینده فروش وسایل کشاورزی وارد عملیات شد که ترتیب مدور این سلاحها را به جمهوری اسلامی بدهد . وی پیام هوفن اضافه کرده است که در کمیته بررسی و تحقیق مسئله فروش سلاحها امریکا به ایران حقایق گفته نمیشود . لازم به توضیح است که این شخص اکنون به جرم با مطلع "فعالیتهای غیرقانونی" که هیچ نامی از آنها برده نشده در دادگاههای انگلیس به ۸ سال زندان محکوم شده است .

این یکی از تازهترین افشاگریهای است که در مورد روابط پنهانی امریکا و ایران روده است و بدون شک ماهیت فربیکاری رژیم جمهوری اسلامی و ارتباطان امپریالیستش را که سعی دارند ابعاد رابطهشان را هرچه بیشتر لاپوشانی و ماسکالسی کنند ، بخوبی به اثبات میرساند .

در پی اعتصاب کارگران راه آهن فرانسه ، کارکنان شرکت هواپیمایی "هاوای کو" فرانسه نیز دست به اعتصاب زدند و پروازهای داخلی این شرکت لغو شد . این اعتصاب عمدتاً به علت مقاومت در مقابل قوانین کاهش دستمزدها و درخواست افزایش آن صورت گرفته و ادامه دارد . تمویب قوانین کاهش دستمزدها از سوی دولت فرانسه بیانگر تلاش سرمایه داران بمنظور تخفیف و مهار بحران اقتصادی است که اکنون گریبان آنها را گرفته است .

۱۶- دولت ژاپن بنا به پیشنهاد امریکا و تمویب قانونی در تقویت اهداف فارتگوانا امپریالیسم بودجه نظامی این کشور را افزایش داده و به رقمی نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار رسانده است . این اقدام بمنظور کاهش و تخفیف بحران اقتصادی عمیقی است که امپریالیستها را فرا گرفته است . در همین رابطه ما شاهدیم که چگونه سرمایه داران امپریالیسم با توافقات پنهانی و آشکار و با سرکشان گردن عواقب وخیم و مرگبار این بحران به جوامع تحت سلطه هرچه بیشتر به نفرو فلاکت کارگران و زحمتکشان و توده های تحت بنم دامن میزنند .

★ مجله الیوم السابع در شماره ۲۲ دسامبر خود اعلام کرد که در اوایل دسامبر ۶۶ سازمان امنیت مصر ۲۵ نفر از کارگران ، دانشجویان ، استادان دانشگاه ، کارمندان و هنرمندان را به اتهام عضویت در یک سازمان چریکی که هدفش سرنگونی رژیم مزدور حسنی مبارک و تغییر سیستم اجتماعی - اقتصادی جامعه مصر از طریق قهر بوده ، دستگیر نموده است . بیانیه وزارت کشور مصر خاطرنشان ساخته است که سازمان امنیت مصر مقادیری از بیانیه ها و اطلاعاتی که این سازمان که بنام "جریان انقلابی" خوانده میشود را نیز ضبط نموده است این مبارزان در جریان انعقاد اولین کنگره سازمانی شان دستگیر گردیده اند .

★ با گذشت مدتی از اعتصاب سراسری کارگران راه آهن فرانسه برای افزایش و بهبود شرایط کارکنان بخشهای برق و گاز و پست و تلگراف

خدمات عمومی فرانسه دست به یک اعتصاب یک روزه زدند . این اعتصاب که به دعوت فدراسیون اتحادیه های کارگری انجام گرفت در بعضی از مناطق فرانسه باعث قطع جریان برق گشت . ژاک شیرواک نخست وزیر مرتجع فرانسه در رابطه با اوچکیسری اعتبارات اخیر گفت که دولت فرانسه از برنامهای اقتصادی خود منصرف نخواهد شد و به تقاضاهای افزایش دستمزد کارگران تن نخواهد داد .

★ در ادامه تشدید تظاهرات درونی جناحهای مختلف امپریالیسم معاون وزیر دفاع امریکایی اعلام کرد که دولت امریکا نباید به علت فروش سلاحها به جمهوری اسلامی از هم پیمانان خودپوزش بطلبد چرا که چند کشور هم پیمان امریکا تنها و تنها به خاطر سود مائی به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته اند در حالیکه امریکا بخاطر سودجویشی اسلحه به جمهوری اسلامی نفروخته است . این سخنان در حالیکه فروش اسلحه از سوی هم پیمانان امریکا به جمهوری اسلامی را با ردیگر روشن میسازد . در همان حال بیانگر کوشش سران دولت امریکا برای مخفی نگهداشتن واقعیت وابستگی جمهوری اسلامی میباشد . با روشن بخشی از روابط امریکا و جمهوری اسلامی ، امریکا میکوشد تا این روابط را محدود نشان داده و با آنرا به مسائلی چون گروگانگیری امریکائیان در لبنان ربط دهد . در ضمن وزیر دفاع امریکا با این سخنان ماهیت امپریالیستی کمکیهای امریکا به جمهوری اسلامی را کتمان میسازد . و اینطور جلوه میدهد که از قرار امریکا در ارسال اسلحه به ایران هیچگونه چشم داشت مادی نداشته است . در حالیکه در واقعیت این امپریالیستها و از جمله امریکاستند که با استراحت انداختن جنگ ایران و عراق میلیاردها دلار سود به جیب زده اند .

★ مجلس نمایندگان امریکا تصمیم گرفت کمیسیون تحقیقی نظیر کمیسیون تحقیق و تزکیت برای بررسی مسئله ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی تشکیل دهد . یکی از نمایندگان جمهوری خواه این کمیسیون حیب دمکرات امریکا را متهم ساخت که میخواهد با این دستاویز سیاست خارجی ریگان را طی ۶ سال گذشته مورد بررسی قرار دهد . این اقدامات و اعتراضات بروشنی بیانگر حدت یابی تظاهرات درونی هیئت حاکمه امریکاست که حال مسئله روابط با جمهوری اسلامی را به دستاویزی برای تحفیه حسابهای درونی خود تبدیل کرده اند و در همان حال میکوشند با مستقل جلوه دادن جمهوری اسلامی دستان خود را بر خویش را در جنگ ایران و عراق پنهان ساخته و ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی را تنها اقدامی غیرقانونی از سوی ریگان و دارو دسته اش جلوه دهند .

★ در ادامه جدت یابی تظاهرات هیئت حاکمه امریکا در روابط با روابط جمهوری اسلامی با امریکا و نقش اسرائیل و دیگر رژیمهای سرسپرده امریکا اسناد جدیدی انتشار یافت و واقعیتهای تازه ای از پرده بیرون افتاد . بواسطه اسناد منتشر شده از سوی کاخ سفید و مجلس سنا امریکا نقش گسترده اسرائیل در رابطه با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی نه تنها ثابت شد بلکه ابعاد وسیعتری از این نقش افشاء گردید . در ضمن در امریکا اعلام شد که میلیونها دلار از وجوه حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی ناپدید شده است . در همین حال روزنامه های مانیل گزارش دادند که ژنرال پاپوینور رئیس ستاد ارتش فیلیپین در دوران ریاست جمهوری

ما رکوس سلاحهای امریکایی را برای جمهوری اسلامی ارسال میکرده است .

★ طبق اخبار رسیده در سال میلادی گذشته تنها در عرض سه ماه ۴۰۰۰۰ ایرانی به آلمان غربی پناهنده شده اند و تعداد پناهندگان بقدری زیاد است که برای نمونه تنها در یک روز ۴۰۰ نفر ایرانی وارد آلمان غربی گشته اند . لازم به یادآوری است که دولت امپریالیستی آلمان اخیراً نه تنها مقررات سختی برای ورود ایرانیان آواره به آلمان غربی گذاشته است بلکه میکوشد تا قوانین پناهندگی آلمان را نیز تغییر دهد . در حالیکه هم اکنون نیز به اشکال مختلف مزاحمانی برای ایرانیان پناهنده در آلمان ایجاد نموده و به اشکال مختلف در کار آنها کارشکنی مینماید .

★ حدود یک هزارتن از پناهندگان ایرانی در پاکستان در مقابل ساختمان کمیسیون آوارگان سازمان ملل در کراچی دست به تظاهرات زدند . پناهندگان فوق خواستار آن بودند که رسماً بعنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند . تظاهراتکنندگان اعلام کردند که پلیس پاکستان حدود ۲۰ دیماه به هتل های محل اقامت آنان حمله کرده و حدود ۳۰۰ نفر از آنها را دستگیر و به ۱۲۰ نفر دیگر دستور داده که خاک پاکستان را فوراً ترک کنند .

★ با ردیگر درگیریهای فلسطینیهای اردوگاههای میرا و شتیلا و مزدوران سازمان ملل در فلسطین این زد و خورد ها تاکنون تعدادی از مبارزین فلسطینی کشته و زخمی شده اند و در همان حال عده ای از مزدوران امپریالیسم نیز به هلاکت رسیده اند . سازمان ملل از جمله جریانات مزخرفی است که سیاستهای امپریالیسم جهانی در لبنان را پیش میرود .

★ نشریه نیویورک تا به امروز اعلام کرد که ویسکان به سازمان سیا اجازه داده بود که اطلاعات امنیتی مورد نیاز جمهوری اسلامی را در اختیار این رژیم قرار دهد .



گزارش کوتاهی از

از صفحه ۱۶

وسيله ديگر، با بيخوابي دادن به آنها و با گرسنه نگه داشتنشان زندانيان را آزار ميدهند . اما اين مقررات وحشيانه و سختگيريهاي مذبحخانه نه تنها خللی در اراده آهنين زندانيان سياسي وارد نخواهد ساخت بلکه تنها عزم آنها را بر ادامه مبارزه برحقشان فزونسي خواهد بخشيد و دير نيست روزي که خلقهاي قهرمان ايران اين رژيم دمدمش را به زباله دان تاريخ ريخته و زندانيان سياسي را با نيروي رزمنده و فشرده خود آزادي بخشد .

مرگ پروريزيم مزدور خمينسي ! زنده باد مقاومت قهرمانانه زندانيان سياسي در سياهلهاي جمهوری اسلامی!



جنبش خلق کرد ۰۰۰۰۰۰

از صفحه ۱۶

مفهوم "معجزه" جناب آخوند موسوی نیز روشن شده است: "پیدا کردن دشمن دقیقاً مساوی با انهدام دشمن است."

پس سیاست جمهوری اسلامی در کردستان نه بر اساس "معجزه" و "امدادات غیبی" که با تکیه بر وحشیانه ترین سرکوبها و لجام گسیخته ترسین و جنایتکارانه ترین اعمال پیشرفته است. از نمونه های معجزات شیخ معلوم الحال میتوان از اعدام انقلابیون مجروح دوبرانگارد بیمارستان، از قتل عامهای ایندرفاش و قللان و سوزی و از کوچک اجباری روستا شیان نام برد که بدرستی مفهوم "معجزه" و در نتیجه حاکمیت جمهوری اسلامی را روشن میسازد.

دقیقی مزدور در ادامه سخنانش میگوید: "هیچ رژیم در طول تاریخ با این قدرت در کردستان حاکمیت نداشته که امروز جمهوری اسلامی دارد ولی برادران جمهوری اسلامی با دیدن حضور فیزیکی رایه حضور معنوی تبدیل کنند". پس روشن میشود که دست اندرکاران جمهوری اسلامی، خود نیز بخوبی میدانند که حضورشان در کردستان صرفاً حضور "فیزیکی" بوده و از پایگاههای مردمی در این منطقه برخوردار نیستند و البته "حضور فیزیکی" نیز مفهومی وجود حدود ۲۰۰۰ پایگاه کوچک و بزرگ نظامی و تجمع نیروی سرکوبگر وسیعی است که با کنترل جاده ها در روستاهای کردستان، میکوشد حضور جمهوری اسلامی را در این منطقه حفظ نماید. همان جاده هایی که مزدوران رژیم در بعضی از مناطق از ساعت ۲ بعد از ظهر به بعد جرات قدم گذاشتن در آنرا ندارند. همان روستاهایی که با اینک پایگاههای دشمن بر تنه های اطرافش مستقر است و لسی شبانگاه محل خواب و استراحت پیشمرگان خلق کرد میباشد و این است واقعیت مفهوم حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان.

اما از این قسمت که بگذریم در سیمینار مورد بحث مسائل جانب توجه دیگری هم مطرح شد که قابل اشاره است، دقیقی اعلام کرد که: "رژیم طاغوت در اینجاست سرمایه گذاری نکرده است و کوچکترین تأسیسات، کارخانه و کارگاه تولیدی دیگر در اینجا نیافریده است و کردستان بهیچوجه پیشرفت نکرده بود و بسه سبک سنتی اداره میشد و بایه تعبیر دیگر خوانین آنها را اداره کرده اند" در نتیجه او میپذیرد که کردستان عقب نگه داشته شده است ولی آیا جمهوری اسلامی برای کردستان کاری کرده است؟ مگر این رژیم ددمنش جز سرکوب خلق کرده چه مشکلاتی از مشکلات فراوان نوده ها در کردستان راحل نموده است؟ اما دقیقاً آنقدر و قاحت دارد که، افتخار رژیم را در منطقه کوشین ۳۰۰۰ کیلومتر جاده روستایی در دو استان کردستان و آذربایجان اعلام کند و بسه این ترتیب مفهوم واقعی طرحهای عمرانی رژیم در کردستان را آشکار سازد؛ چرا که همه میدانند که ۳۰۰۰ کیلومتر جاده روستایی نه برای آبادانی روستاهای کردستان که درست در جهت تسهیل سرکوب خلق کرد بوسیله ارتش فدائلی است که ساخته شده است و دقیقاً اهداف نظامی را دنبال میکند.

و سرانجام نیز از آنجا که سیمینار مورد بحث در بنیاد همگن برگزار شده بود مسئولین سرکوب خلق کرد از بنیاد مسکن کردستان بخاطر فعالیتها پیش قدردانی نمودند و البته کسی نباید دچار اشتباه شود که این قدردانی مثلا بخاطر ساختن چند دستگاه ساختمان در فلان شهر و پاروستای کردستان بوده است، چرا که بنیاد مسکن نیز در جمهوری اسلامی

نمی دهد که جنبش خلق کرد همچنان به مطالبه خاری در چشم دشمنان خلقهای ایران بوده و با سلب امنیت مورد نیاز سرمایه داری وابسته، امیرالیهتها و سگهای زنجیریش را مجبور ساخته که همه "سرمایه گذارها" بشان را در جهت سرکوب این جنبش بکار اندازند.

زنده باد جنبش مسلحانه خلق کرد بهر علیها امیرالیهسیم! زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگد!

و در کردستان به وسیله ای برای سرکوب نوده ها تبدیل شده است. سخنان با اصطلاح ژنرال سپاه پاسداران در این زمینه از هر توضیحی گویا تر است. به این سخنان توجه کنید: "از بنیاد مسکن کردستان بخاطر ایجاد استحکامات در مناطقی مرزی و ارتفاعات غرب که درجه شرایط سخت و دشواری توانستند به شکلی انقلابی وارد کار شوند و موفق هم شدند شکر و قدرانی شد. اما با همه قدرتها آنها و سپاه گزارها از نیروهای سرکوبگر در کردستان آنها واقعیت نشان



گلهی جهنگاوری کورد!



دوایه دواي شکست هینانی سیاستی به زور چه کدار کردنی جمواهر له کوردستان، رژیم درنده کوماری شیملای پروی کردوخته سیاستی تری دژ به گهل، به به تندی شده به زحمه تنگنانی کوردستان، ناچار بکات له ناوایی و ناره گانی خویانهوه، به هله گرتنی چه کی کوماری شیملای، پاریزگاری و پاسهوانی له پایگا و ناره نده سرکوتگه گانی بکن، له به و راه امیری شدم سیاسته کونه به رستانه به دا، که بگه له نا کوزکی خستنه وه له نا و پیزگانی جمواهر وله شه شامدا، ریکه خوشکردن بؤ سرکوت کردنی بزورننه وهی دژ به شیمبریا لیبستی دیموکراتیکی گلهی کورد نا مانجیکی تری تی به، به رگری بکن و شدم سیاسته دژ به خه لگهش وهک نا کاره گانی تری به ره و روخاندن بهرن.

مردن بؤ رژیم سر به شیمبریا لیبستی کوماری شیملای له نا و چی سیاستی کونه به رستانه ی به زور پاسهوانی بی کردن!

له گهل پروا ماندا به سه رکوتنی رپها زمان چریکانی فیدائی گلهی شیران - کوردستان

۶۵/۱۰/۲۶

گلهی دلیری کورد!



رژیم سر به شیمبریا لیبستی کوماری شیملای تی ده کوشی به زور و شوخاندن، شیوه ناچار بکات تا پیویستی و خورجی به گوانه گانی ناونده سرکوتگه گانی له کوردستان دا دابین بکن. له دزی شدم سیاسته تا لانکاری به بی شه مانه به، به لکرتو و بکپارچه، دهنگی ناره زایی خوتان، به زور بکنه وه و به هر ریکه به ک شه توان، له دزی شدم گهنده راپهستن، بی کومان به رگری دلیرانه ی شیوه، شدم سیاسته کونه به رستی به، به ره و روخاندن ده بات.

مردن بؤ رژیم سر به شیمبریا لیبستی به تری کبرای خومه یینی بؤی گلهی تنگوشه یی کورد که بؤنا زادی ده جهنگی

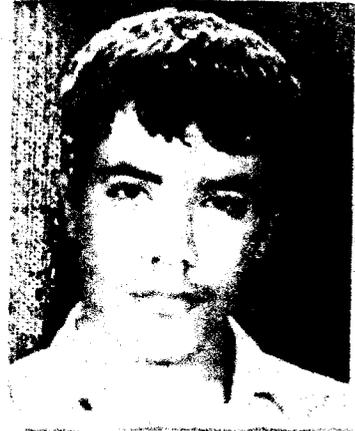
له گهل پروا ماندا به سه رکوتنی رپها زمان چریکانی فیدائی گلهی شیران - کوردستان

۶۵/۱۰/۲۶

شهدای دیماه چریکهای فدائی خلق ایران



" هزاران هزار شهید ، جان خود را بر راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند ، بگذارد و درفش آنها را برافرازیم و
درواهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم !"
(ماشوتسه دون)



چریک فدائی خلق رفیق شهید
منصور بنی زاده

- رفقا :
- ۵۰/۱۰/۶ حسین محمودیان
 - ۵۰/۱۰/۶ مرتضی احمدی
 - ۵۰/۱۰/۶ مرتضی حاج شفیعی ما
 - ۵۲/۱۰/۲۰ حسن نوروزی
 - ۵۲/۱۰/۱۸ فاطمه حسن پور
 - ۵۲/۱۰/۱۹ سرور فرهنگ
 - ۵۲/۱۰/۲۱ فاطمه (شمسی) نهاشی
 - ۵۲/۱۰/۲۷ بهمن روحی آهنگران
 - ۵۵/۱۰/۲۵ خدا بخش شالی
 - ۶۰/۱۰/۷ فرهاد رادور
 - ۶۰/۱۰/۷ مجید سیدی
 - ۶۰/۱۰/۲۲ با زماندگان
 - ۶۰/۱۰/۲۲ منصور بنی زاده
 - ۶۰/۱۰/۲۲ پرویز شانگی پور
 - ۶۰/۱۰/۲۲ حسین مکرانی
 - ۶۱/۱۰/۱۲ موسی آبسادی
 - ۶۱/۱۰/ غلامعلی علم شاهی
 - ۶۱/۱۰/ حسین هاشمی

روز شمار دی ماه

- ۱۷ دی ۱۳۲۶ شهادت جهان پهلوان تختی
- ۱۹ دی (۹ ژانویه ۱۹۰۵) کشتار کارگران بطرودگراد بوسیله نیروهای سرکوبگر تزار و آغاز انقلاب ۱۹۰۵
- ۲۰ دی ۱۳۵۳ شهادت رفیق کارگر حسن نوروزی یکی از رهبران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲۶ دی ۱۳۵۷ فرار شاه مزدور
- ۲۷ دی (۱۷ ژانویه ۱۹۶۱) شهادت پاتریستی لوموسا
- ۳۰ دی ۱۳۵۷ آزادی آخرین دسته زندانیان سیاسی در رژیم شاه بر اثر مبارزات توده ها
- ۵ دی (۲۶ دسامبر ۱۸۹۳) تولد ماشوتسه دون رهبر انقلاب کبیر چین
- ۵ دی ۱۳۵۷ شهادت استاد کلبران نجات الهی به وسیله رژیم مزدور شاه
- ۵ دی شهادت حیدر عمو و غلی
- ۹ دی ۱۳۵۳ اعدام انقلابی سرگرد نیک طبع شکنجه گر معروف دوران شاه توسط چریکهای فدائی خلق
- ۹ دی ۱۳۵۷ کشتار در دانشخانه مردم شهید پرست مزدوران رژیم وابسته شاه
- ۱۱ دی (اول ژانویه ۱۹۶۵) آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین
- ۱۱ دی (اول ژانویه ۱۹۵۹) سالروز انقلاب کوبا
- ۱۲ دی ۱۳۵۸ آغاز تحمیل گسترده مردم سبندج
- ۱۶ دی ۱۳۳۸ درگذشت نیما پوشیج بنیان گذار شعر نو





چاودان بان خاطره

رهبر کبیر سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران

رفیق شهید
حسن نوروزی

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران



در رابطه با تشدید سرپا زگیری جمهوری اسلامی

خلقهای قهرمان ایران!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در اجرای جزئی از سیاست کلی امپریالیسم در منطقه، کشور ما را به عرصه جنگی ویرانگر با عراق تبدیل نموده، با توسل به شیوه‌های جنایتکارانه‌ای چون فرستادن کودکان به روی میدانهای مین و استفاده از تاکتیک "مواج انسانی" در جنگ کوس رسوایی اش را در هرکوی و برزن پیدا در آورده است و با تهدید و تطمیع می‌کوشد مقاومت برحسب وعادته خلقهای ما را در مقابل اعزام جوانان به جبهه‌های مرگ و نیستی درهم شکسته و تعداد هرچه بیشتری از کارگران و دهقانان و دیگر توده‌های ستمدیده را روانه کشتارگاههای جنگ سازد.

رژیمی که در تبلیغات رباکارانه اش اعزام اجباری جوانان به سطح های جنگ را ناشی از تضامین داوطلبانه آنها برای توخیدن "شریت شهادت" جلوه میدهد و هرروز در رابطه با تشکیل کاروانها و سپاههای رنگارنگ همچون "سپاه محمد" از هجوم داوطلبان برای جبهه‌ها سخن میگوید؛ در عمل با تشکیل در صفحه ۶

اطلاعیه



چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با

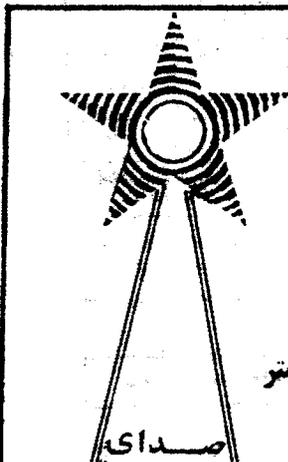
سیاست ارتجاعی نگیبانی اجباری در کردستان

طبق رزمندگی کرد!

بیش از ۷ سال است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با کسب نیروهای سرکوبگر خود به کردستان این سنگر انقلاب ایران و با توسل به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها به سرکوب مبارزات عادلانه شما بر علیه سلطه امپریالیسم و نگیبانی زنجیرش متوسل شده است. در صفحه ۱۲

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی بگویند



صدای
چریکهای فدائی خلق ایران

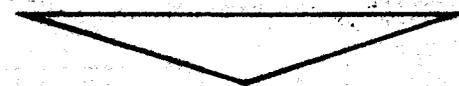
ساعات پخش

۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد

امواج کوتاه
ردیف‌های ۴۱ و ۷۵ متر

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران

با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:



فرانسه

انگلستان

F.S

B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

بفرار باد جمهوری دمکراتیک خلق پرهبری طبقه کارگر!